



وقت طلایی

ماهنامه اجتماعی و ورزشی

شهریورماه ۱۴۰۵ - سال هفتم - شماره ۷۷ - قیمت ۴۰۰ هزارتوان

اعلام فهرست ۵۲۲ نفره کاروان اعزامی

ورزش ایران به بازیهای آسیایی ۲۰۲۶ ناگویا

وعده های آنچنانی روسای رشته های کم شانس و
سکوت منطقی روسای رشته های پر شانس!



YOUR NEXT MOVE STARTS HERE



FAM

FITNESS CLUB

باشگاه فیتنس و بدنسازی

ویژه بانوان و آقایان

فضایی برای تمرین جدی،
تمرکز بیشتر و پیشرفت واقعی.

سانس بانوان: ۷:۰۰ الی ۱۹:۰۰



سانس آقایان: ۱۹:۰۰ الی ۲۳:۰۰



قدرت، هویت توست...



INSTAGRAM

آدرس: ولنجک انتهای خیابان سیزدهم
نرسیده به ثارالله
جنب بانک رفاه پلاک ۲

شماره تماس:

021-26707142

یادداشت مدیر مسئول

ورزشی ایران» سخن می گوئیم، باید نخست به یاد ورزشکارانی باشیم که سال‌ها برای رسیدن به یک میدان بین‌المللی تلاش کرده‌اند؛ مربیانی که دانش و تجربه خود را در اختیار آنان گذاشته‌اند و کادر تخصصی که حضورشان برای موفقیت تیم‌ها ضروری است. کاروان ایران باید متعلق به ورزشکاران، مربیان و کادر تخصصی باشد؛ نه محلی برای سفرهای تشریفاتی، پاداش‌های مدیریتی یا اعزام افراد غیر ضروری. در شرایط اقتصادی امروز کشور، یک سؤال ساده اما جدی مطرح است: هر فردی که با هزینه ورزش ایران اعزام می‌شود، دقیقاً چه مأموریتی دارد و چه خدمتی به کاروان ارائه می‌کند؟ این پرسش شامل مدیران، همراهان، اعضای کادر سرپرستی و حتی اعضای هیات اجرایی کمیته ملی المپیک هم می‌شود. چرا که عضو هیات اجرایی؛ بودن به خودی، خود مجوز سفر نیست؛ عضویت در هیات اجرایی کمیته ملی المپیک، به تنهایی نمی‌تواند مجوز حضور در هر کاروان ورزشی باشد. اگر حضور عضوی از هیات اجرایی ضروری است، مأموریت و خروجی آن باید روشن باشد. مردم حق دارند بدانند که چه کسی و با چه عنوانی اعزام شده، چه وظیفه‌ای دارد و هزینه حضور او چقدر است. همین سؤال درباره افرادی از وزارت نفت، آموزش و پرورش، بازنشستگان و افراد صاحب نفوذ نیز مطرح است که گاهی احتمال حضورشان در دقیقه نود در کاروان مطرح می‌شود. اگر تخصص و مأموریت مشخصی دارند، اعلام شود؛ اما صرف ارتباطات مدیریتی و اداری نباید بلیت ورود به کاروان ورزش کشور باشد. درباره برخی مدیران و بازنشستگان صاحب نفوذ نیز یک پرسش ساده وجود دارد: آقایان در دوران مسئولیت خود چه دستاورد ماندگاری برای ورزش کشور به جا گذاشته‌اند که امروز حضورشان در کاروان ضروری و قرار است این بار چه گلی بر سر ورزش کشور بزنند؟

حضور نمایندگان مجلس، دیوان محاسبات یا سازمان بازرسی نیز در سفرهای ورزشی نیازمند توضیح است. اگر مأموریت نظارتی دارند، مبنای قانونی و ضرورت حضورشان در محل مسابقات چیست؟ آیا نمی‌توان بخش قابل توجهی از این نظارت را با روش‌های قانونی و کم‌هزینه‌تر انجام داد؟ این پرسش، اتهام نیست؛ مطالبه‌ای برای پاسخگویی درباره هزینه منابع عمومی است. در بازیهای کشورهای اسلامی ریاض، درباره عملکرد برخی از اعضای کاروان و حواشی ایجاد شده مطالب و شایعاتی در فضای عمومی مطرح شد.

بدون آنکه هیچ یک از آن موارد را تخلف قطعی بدانیم، سؤال این است:

آیا بررسی رسمی انجام شد؟ نتیجه چه بود؟ اگر بررسی شده، چرایی آن برای افکار عمومی روشن نشده است؟ و اگر قرار است همان افراد و همان رویه‌ها دوباره تکرار شود، حاصل آن بررسی چه بوده است؟ اگر نظارت انجام شده، گزارش آن باید وجود داشته باشد؛ و اگر وجود ندارد، فلسفه نظارت چیست؟

یک ماه اقامت؛ برای چه مأموریتی؟



محمد رضا نصرالله زاده
mrn_barzi@yahoo.com

فهرست ۵۲۲ نفره اعزامی به رقابت‌های آسیایی ۲۰۲۶ ناگویا، ژاپن اعلام شد. فهرستی پروپیمان که در آن به نوعی همه هستند. و مشخص است که این فهرست با دقت و با آینده‌نگری تنظیم و متعاقب آن بسته شده است. فهرستی که گفته می‌شود شاید نفرات دیگری هم به آن اضافه شوند، که به هر ترتیب دیگر فرقی هم نمی‌کند.

نکته جالب توجه در این فهرست که مشخص نیست عامدانه و با قصد شفافیت انتشار یافته است و یا ناخواسته راه به بیرون از خیابان سؤال پیدا کرده، پارادوکس‌هایی است که می‌توان در آن به وضوح دید! فهرستی که صرفاً از نگاه کمی، تنظیم شده و مشخص است که در این شرایط اقتصادی کشور به موضوع صرفه جویی هم در آن توجهی نشده است! چنانچه بخواهیم گفته یکی از مسئولان تصمیم‌گیر این کاروان را ملاک قرار دهیم، باید بگوئیم که برای هر مسافر ژاپن در این کاروان چیزی بالغ بر یک میلیارد و پانصد میلیون تومان هزینه شده است که در این شرایط اقتصادی مبلغ کمی هم نیست! در این فهرست هستند دوستانی که از قریزستان نیامده راهی ژاپن می‌شوند! دوستانی هم هستند که برای حضورشان هیچ تعریف خاصی نمی‌توان داشت! در این فهرست در برخی از رشته‌ها، روسای فدراسیون‌های آنها نیز همراهی شان می‌کنند و در برخی رشته‌های دیگر اثری از روسای فدراسیون‌های آنها دیده نمی‌شود! رشته‌هایی هستند که تعداد همراهان و سرپرستان آنها بیشتر از ورزشکاران اعزامی شان است. ضمن اینکه در بسیاری از موارد هم کاملاً عیان است که آنچه ملاک اعزام قرار گرفته مثل همیشگی روابط بوده و ضابطه مندی خاصی رعایت نشده است! در این فهرست دوستانی هم هستند که اگر چه ارتباطی با ورزش ندارند اما می‌توانند در بسیاری از بزنگاه‌ها کمک حال ورزشی‌ها باشند و □ در این فهرست بلند بالا که احتمالاً توسط کمیته ملی المپیک تنظیم و اعلام شده است، سهم دوستان وزارت ورزش و جوانان هم به خوبی در نظر گرفته شده است همان دوستانی که بعضاً سفرهای متعدد خسته‌شان کرده است. اما اصراری وجود دارد که در همه سفرها باشند و گاهی از اوقات نیز سری به دفتر کار خود بزنند تا خدای ناکرده فضای کاری شان، یادشان نرود. فعلاً به همین اندازه بسنده کرده و امیدواریم که کاروان اعزامی کشورمان به بازی‌های آسیایی ناگویا ژاپن بهترین نتایج تاریخ خود را بگیرد و به گفته احمد دنیامالی با ۲۵ مدال طلا، بازیهای آسیایی را ترک کند، چرا که این بریز و بپاش تنها نتیجه و مدال آوری را کم دارد! واقعیتی وجود دارد که وقتی «کاروان

عشق بود و جبهه بود و جنگ بود
عرصه بر گردان عاشق تنگ بود
هر که تنها بر سلاحش تکیه کرد
مادری فرزند خود را هدیه کرد
در شبی که اشکمان چون رود شد
یک نفر از بین ما مفقود شد
آنکه که سر دارد به سامان می‌رسد
آنکه که جان دارد به جانان می‌رسد
دیده ام، دستی به سوی ماه رفت
بی سر و جان تا لقاءالله رفت
زندگی‌مان در مسیر تیر بود
خاک جبهه، خاک دامنگیر بود
آنکه خود را مرد میدان فرض کرد
آمد از این نقطه طی الارض کرد
هر که گرد شعله چون پروانه است
پیکر صدپاره اش بر شانه است
تن به خاک و بوی یاسش می‌رسد
بوی باروت از لباسش می‌رسد
دشمن افکنهای بی نام و نشان
پوکه خونین شده تسبیحشان
کار هر کس نیست این دیوانگی
پيله وا می‌ماند از پروانگی

وقت طلایی

ماهنامه اجتماعی و ورزشی

ماهنامه اجتماعی، ورزشی وقت طلایی

● شهر یورماه ۱۴۰۵

● سال: هفتم

● شماره ۷۷

● صاحب امتیاز و مدیر مسئول

محمد رضا نصرالله زاده

● سردبیر

سارا نصرالله زاده

● دبیر تحریریه

محمد هادی صادقی

● زیر نظر شورای نویسندگان

● چاپ: ایران کهن

● صندوق پستی: ۳۵۱۷-۱۵۸۷۵

● خیابان سهروردی جنوبی، کوچه دبیر،

پلاک ۶، طبقه اول تلفن: ۰۲۱۷۷۵۳۵۵۸۸

● سازمان آگهی‌ها

۰۹۳۳۵۳۰۳۶۶۳

● ایمیل

mrn_barzi@yahoo.com

● اینستاگرام: @ ۹۸ goldentime





استقلال ۱ - پرسپولیس ۱

دربی زیبا و پرهیجان جوانان سرخابی

گل‌ها:

گل پرسپولیس:

در شلوغی پشت محوطه جریمه و پس از تعلل و اشتباه عجیب آشورماتوف و قلی‌زاده، محبی که قصد داشت با سرگیف یک و دو کند، پس از برخورد توپ به پای آشورماتوف، صاحب توپ شد و در محوطه جریمه ضربه نرم زمینی را روانه دروازه کرد که توپ او با وجود آنکه از شدت کافی برخوردار نبود، وارد دروازه و به گل نخست بازی تبدیل شد.

گل استقلال

محمدحسین اسلامی ثانیه‌هایی پس از ورود به زمین و پس از اولین لمس توپش، در سمت راست خط حمله استقلال توپ را به یاسر آسانی رساند. تاوینگر اهل آلبانی پس از یک کنترل دیدنی و ضربه پرقدرت روی پای راست به زاویه بسته، موفق شد گل تساوی استقلال را به زیبایی هر چه تمام‌تر به ثمر برساند.

لحظات حساس:

دقیقه ۲: پرسپولیس بازی را هجومی آغاز کرد و یک موقعیت به دست آورد. روی حرکت محبی از سمت چپ، او با یک پاس در عرض توپ را در پشت محوطه جریمه به مجید عیدی رساند که ضربه او با برخورد به مدافع استقلال راهی کرنر شد.

دقیقه ۶: پس از آنکه استقلال روی دروازه پرسپولیس موقعیتی را ایجاد کرد، کوشکی توپ را از دست داد و پوریا پورعلی با ضربه‌ای بلند به زمین استقلال، قصد داشت توپ را بی‌فوما برساند که فرعباسی با خروج از دروازه، ابتدا نتوانست توپ را دفع کند و توپ از او عبور کرد اما گلر استقلال توانست سرنجام به توپ رسیده و آن را به بیرون بزند.

دقیقه ۱۴: ضربه ایستگاهی آسانی بی‌دقت بود و با

برخورد به دیواره دفاعی پرسپولیس دفع شد. دقیقه ۱۶: پرسپولیس‌ها بار دیگر با یک ارسال بلند این بار توسط تیکدری به پشت مدافعان استقلال، صاحب بزرگترین موقعیت بازی شدند. علی علیپور در کورس با رستم آشورماتوف موفق شد با قدرت بدنی بالای خود مدافع ازبکی را سرنگون کند. شوت اول او پس از تکل آقاسی دفع شد و دوباره و در شرایط بهتری مقابل علیپور قرار گرفت که این بار شوت او به شکل بسیار خطرناکی از کنار دروازه به بیرون رفت.

دقیقه ۲۱: پرسپولیس بار دیگر در محوطه جریمه صاحب فرصت شد. پس از آنکه علیپور صاحب توپ شد، یک پاس نرم به سرگیف داد اما شوت پای چپ او توسط مدافعان استقلال برگشت داده شد.

دقیقه ۲۲: پوریا پورعلی در گوشه محوطه جریمه و از راه دور قصد باز کردن دروازه استقلال را داشت که شوت او با فاصله زیادی به بیرون رفت.

دقیقه ۲۵: ارسال محبی از سمت راست به روی دروازه با سایش به سر سرگیف، عرض زمین را طی کرد و در جناح مخالف به صالح حردانی رسید.

دقیقه ۲۷: این بار نیز پرسپولیس صاحب فرصت شد. تیکدری از سمت چپ وارد محوطه جریمه شد و با وجود آنکه حردانی را مقابلش داشت، اما ضربه‌اش رازد که توپ پس از برخورد به تکل حردانی دوباره به تیکدری رسید و ضربه دوم او را این بار آقاسی دفع کرد. در برگشت و حوالی نقطه پنالتی توپ به بازیکنان پرسپولیس رسید ولی نتوانستند استفاده کنند و این موقعیت از دست رفت.

دقیقه ۲۸: صالح حردانی قصد داشت از سمت راست توپ را به روی دروازه ارسال کند که توپ او مستقیم به سمت دروازه رفت و نیازمند با مشت توپ کاپیتان استقلال را دفع کرد.



سعید نصرالله زاده

چهارشنبه: ۱۱/۶/۱۴۰۵، ساعت: ۱۹:۳۰
ورزشگاه: نقش جهان اصفهان تماشاگر: ۵۰ هزار نفر

داور: موعود بنیادی فرد

کمک‌ها: علیرضا ایلدروم، بهمن عبداللہی

داور چهارم: سیدرضا مهدوی

داور VAR: میثم حیدری، کمک: علی احمدی

ناظر: اسماعیل صفیری

استقلال:

حبیب فرعباسی، رستم آشورماتوف، عارف آقاسی، سامان فلاح، صالح حردانی، حسین گودرزی، امیرمحمد رزاقی‌نیا، اسماعیل قلی‌زاده (۸۳- روزه چشمی)، یاسر آسانی، علیرضا کوشکی (۵۹- محمدحسین اسلامی) و سعیدسحرخیزان

سر مربی: سهراب بختیاری‌زاده

پرسپولیس:

پیام‌نیازمند، مهدی زارع، حسین کنعانی، مهدی تیکدری، مجید عیدی، پویا پورعلی، محمد خدابنده‌لو (۹۰- یاسین سلمان)، محمد مهدی محبی (۷۷- اوستون اورونوف)، تیوی بیفوما (۷۷- پوریا شهرآبادی)، ایگور سرگیف (۵۷- محمد عمری) و علی علیپور

سر مربی: مهدی تارتار

اخطار

امیرمحمد رزاقی‌نیا و حسین گودرزی استقلال - مهدی تیکدری و محمد خدابنده‌لو پرسپولیس



ایران عیان ساخت و آن اینکه اعتماد به جوانان بد نیست و می‌تواند منشأ تحولات بزرگ حتی در حساس‌ترین بازی لیگ فوتبال ایران باشد. استقلال و پرسپولیس که خیلی زود و در هفته پنجم رقابت‌های لیگ برتر فوتبال ایران دربی رفت لیگ بیست و ششم را برگزار می‌کردند با بازی خوب شان این امیدواری را هم نوید دادند که علاقه مندان به فوتبال لیگی پویاتر از لیگ های گذشته را در هفته‌های پیش رو شاهد خواهند بود.

پرسپولیس که در چهار هفته گذشته، تیمش سه برد و یک شکست را به دست آورده بود، نخستین تساوی فصل را نیز به دست آورد تا جمع امتیازاتش به عدد ۱۰ برسد. در آن طرف میدان نیز استقلال، دومین تساوی پیاپی خود را به دست آورد. ضمن اینکه برای نخستین بار هم دروازه اش را گشوده دید.

استقلال با این تساوی جمع امتیازاتش را به عدد ۱۱ رساند تا بازیهای آینده برای این دو تیم سرخابی پایتخت از حساسیت های مضاعفی برخوردار باشد

خدابنده‌لو رسدی که شوت زمینی و محکم او به شکل خطرناکی از کنار دروازه راهی اوت شد.

دقیقه ۷۰: استقلال در پشت محوطه جریمه صاحب یک ضربه ایستگاهی شد که ضربه پای چپ آسانی کم جان بود و توپ دقیقاً به همان جایی رفت که نیازمند انتظارش را می‌کشید.

دقیقه ۷۱: ضربه پای چپ علیپور به شکل بسیار خطرناک و نفس‌گیری با کمترین فاصله ممکن از کنار تیرک دروازه استقلال به بیرون رفت.

دقیقه ۷۲: آسانی فرصت داشت تا دومین گل خود و استقلال را به ثمر برساند. باز هم پاس دیدنی اسلامی در محوطه جریمه به وینگر اهل آلبانی رسید که این بار ضربه بغل پای او کم جان بود و در اختیار نیازمند قرار گرفت.

دقیقه ۸۲: ارسال خطرناک و تند و تیز عمری از سمت راست عرض زمین را طی کرد و از مقابل دروازه استقلال عبور کرد.

دقیقه ۸۳: پاس چپ دیدنی اورنوف به پشت مدافعان استقلال نصیب محمد عمری شد و او از زاویه بسته یک شوت محکم را روانه دروازه استقلال کرد که فرعباسی به زحمت توپ را راهی کرر کرد. دفع فرعباسی نیز خطرناک بود و خوش‌شانس بود توپ وارد دروازه اش نشد.

دقیقه ۸۷: اسلامی از سمت راست حرکت بسیار خوبی را آغاز کرد اما پس از آنکه خدابنده‌لو پایش را بالا آورد و به سر اسلامی برخورد کرد، وینگر استقلال ابتدا نزدیک بود روی زمین بیفتد ولی سپس به حرکتش ادامه داد و در نهایت پس از چند رفت و برگشت، سانتر آسانی به شکل خطرناکی از مقابل دو بازیکن استقلال عبور کرد و به بیرون رفت.

اتفاق ویژه: پایان کلین‌شیت‌های استقلال

گل محمدمهدی محبی در دقیقه ۵۰، پایان یک رکورد مهم برای استقلال در شروع فصل بود. آبی‌ها در چهار هفته نخست لیگ برتر برابر مس شهر بابک، نساجی، سپاهان و فولاد هیچ گلی دریافت نکرده بودند و حبیب فرعباسی با خط دفاعی تیمش، دربی را با چهار کلین‌شیت پیاپی آغاز کرد. اشتباه مشترک رستم آشورماتوف و اسماعیل قلی‌زاده پشت محوطه جریمه اما نخستین گل فصل را به استقلال تحمیل کرد تا روند بسته ماندن دروازه آبی‌ها در پنجمین مسابقه به پایان برسد.

بهترین بازیکن:

یاسر آسانی بی‌تردید بهترین بازیکن استقلال و یکی از چهره‌های اصلی دربی بود. او از دقیقه‌های ابتدایی بارها با حمل توپ و ضرباتش خط دفاع پرسپولیس را به دردسر انداخت. در دقیقه ۵۶ تیرک دروازه پیام نیازمند را لرزاند و چهار دقیقه بعد با ضربه‌ای محکم و دقیق، گل تساوی استقلال را به ثمر رساند. آسانی حتی در ادامه نیز با پاس محمدحسین اسلامی در موقعیت گل دوم قرار گرفت، اما این بار نیازمند ضربه او را مهار کرد تا وینگر آلبانیایی با یک گل و یک تیرک، نقش مهمی در یک امتیاز استقلال داشته باشد.

الحق و الانصاف عادلانه‌ترین نتیجه‌ای که دربی ۱۰۷ پایتخت می‌توانست با خود همراه داشته باشد، همان نتیجه تساوی بود، که در پایان ۹۰ دقیقه رقم خورد و هیچکس هم از این تساوی ناراضی نشان نداد.

دربی ۱۰۷ پایتخت یک واقعیت دیگر را نیز برای فوتبال

دقیقه ۳۵: رستم در جدال بین ازبک‌های دو تیم برنده بود. ارسال زارع به روی دروازه به سرگیف رسید. این بازیکن با یک کنترل سینه، اقدام به شوت زدن کرد که پس از تکل آشورماتوف، توپ راهی کرر شد.

دقیقه ۳۷: بالاخره استقلال توانست فشار شدیدی به روی دروازه حریف بیاورد. ارسال تند و تیز حردانی از سمت راست به شکل بسیار خطرناکی از مقابل دروازه پرسپولیس عبور کرد و کوشکی که خودش را به سمت توپ پرتاب کرده بود، نتوانست دروازه را باز کند. در سمت دیگر توپ به قلی‌زاده رسید که ارسال او برای کوشکی با مشیت نیازمند دفع شد.

دقیقه ۴۲: بهترین موقعیت گلزنی استقلال از دست رفت. اسماعیل قلی‌زاده با یک حرکت تکنیکی تماشایی از سمت چپ با عبور از میان مدافعان پرسپولیس وارد محوطه شد و یک شوت سنگین روانه دروازه پرسپولیس کرد کهضربه او را نیازمند دفع کرد. در ادامه باز هم استقلالی‌ها صاحب فرصت شدند که رزاقی‌نیادر محوطه جریمه توپ را برای آسانی کاشت که ضربه چپ او پس از برخورد به پای مدافع پرسپولیس به شکل بسیار خطرناکی راهی کرر شد.

دقیقه ۴۶: استقلال در همان شروع نیمه دوم و ثانیه‌های ابتدایی از سمت چپ صاحب فرصت بسیار خوبی شد. حسین گودرزی با عبور از مدافع روبرویش در شرایط مناسبی قرار داشت که چشم بسته توپ را در عرض به مقابل دروازه پرسپولیس فرستاد ولی توپ عرض زمین را طی کرد و در سمت مقابل به بیرون رفت.

دقیقه ۴۷: صالح حردانی از سمت راست با یک ارسال قصد داشت کوشکی را صاحب فرصت کند که نیازمند با یک خروج خوب از دروازه، با یک دست توپ را دفع کرد و در ادامه خودش توپ را مهار کرد.

دقیقه ۴۸: تیکدری در یکی از محدود نفوذهایش از گوشه سمت چپ محوطه جریمه ضربه نرم بغل پای را روانه دروازه استقلال کرد که فرعباسی به راحتی توپ را از آن خود کرد.

دقیقه ۵۲: استقلالی‌ها کرر به دست آمده را سریع آغاز کردند و ارسال کوشکی در دهانه دروازه به سحرخیزان رسید که ضربه سر او بدون هیچ مزاحمی به شکل بسیار خطرناکی از کنار دروازه به بیرون رفت.

دقیقه ۵۳: پرسپولیس در دو مرحله فرصت‌های خوبی داشت. ابتدا شوت علیپور با برخورد به مدافعان استقلال برگشت داده شد و سپس در ادامه خدابنده‌لو با یک شوت روی پا قصد گلزنی داشت که ضربه او را فرعباسی یک ضرب مهار کرد.

دقیقه ۵۶: استقلال به طرز عجیبی نتوانست دروازه حریف را باز کند. ارسال کرر کوشکی پس از عبور از تمامی بازیکنان در تیر دوم به آسانی رسید که ضربه فنی و زاویه‌دار او به پایه تیرک عمودی دروازه برخورد کرد و به گل تبدیل نشد.

دقیقه ۵۷: شلیک سهمگین و پرقدرت بیغوما از پشت محوطه جریمه به شکل نفس‌گیری از کنار دروازه به بیرون رفت.

دقیقه ۵۸: پاس در عرض کوشکی در پشت محوطه جریمه به سحرخیزان رسید و این بازیکن پس از یک چرخش دیدنی، کنعانی‌زادگان را از پیش رو برداشت و ضربه‌اش را نیز زد که نیازمند با یک پرش توپ را از آن خود کرد.

دقیقه ۶۳: پاس عمری در پشت محوطه جریمه به



وقتی جسارت مربیان ایرانی مرزهای هیجان را جابجا کرد

نبرد هجومی، هدیه‌ای به فوتبال

پرسپولیس، دیواری مستحکم بود. در مقابل، شوت‌های بیفوما و علیپور نیز با بدشانسی مواجه شد. این بازی پرهیجان، با تساوی به پایان رسید، اما تماشاگران شاهد یکی از حماسی‌ترین و فراموش‌نشده‌ترین داری‌های تاریخ بودند.

جرات و شجاعت مربیان این داری، نه تنها یک جشن فوتبالی بود، بلکه پاسخی قاطع به شک‌ها و تردیدها در مورد توانایی مربیان ایرانی بود. سهراب بختیاری‌زاده و مهدی تارتار، با جسارت و مهارت، ثابت کردند که مربیان جوان ایرانی می‌توانند در بزرگ‌ترین صحنه‌ها درخشش داشته باشند. در فصلی که مربیان خارجی در لیگ برتر حضور ندارند، این داری نشان داد که مربیان ایرانی با استعداد و شجاعت، قادر به ارائه فوتبالی جذاب و هجومی هستند. بختیاری‌زاده و تارتار، با انتخاب راهبردهای تهاجمی، به کلیشه‌های منفی در مورد مربیان ایرانی پایان دادند و نشان دادند که جسارت و دانش آن‌ها می‌تواند منجر به خلق نمایش‌های خیره‌کننده شود.

خاطره‌ای جاودانه

داری پایتخت در نقش جهان، برای همیشه در تاریخ فوتبال ایران ثبت خواهد شد. این بازی، با نمایش فوتبال هجومی و زیبای دو تیم، ثابت کرد که داری‌های ایرانی می‌توانند در سطح جهانی نیز تحسین‌برانگیز باشند. تبریک به سهراب بختیاری‌زاده و مهدی تارتار، که با شجاعت و خلاقیت خود، یکی از حماسی‌ترین داری‌های تاریخ را به ارمغان آوردند (!)

یاد ماندنی خلق کرد.

سهراب بختیاری‌زاده و مهدی تارتار، با شجاعتی مثال‌زدنی، تیم‌های خود را در یک نبرد هجومی و تهاجمی به میدان فرستادند. این رویکرد جسورانه، که در ابتدا همه را غافلگیر کرد، به عاملی تعیین‌کننده در خلق یک داری حماسی تبدیل شد. استقلال با دفاعی منسجم و پرسپولیس با خط حمله‌ای آتشین، در یک تقابل دیدنی، تماشاگران را در هر دو نیمه به وجد آوردند. نیمه نخست، با وجود عدم گلزنی، پر از لحظات نفس‌گیر و حملات پیاپی بود. اما نیمه دوم، شاهد توفانی از هیجان و درخشش ستارگان بود. محمدمهدی مجبی، با هوشیاری و دقت، از اشتباه دفاعی استقلال استفاده کرد و پرسپولیس را پیش انداخت. اما استقلال، با ورود محمدحسین اسلامی، بازی را به یک درام جذاب تبدیل کرد. اسلامی، با نخستین لمس توپ، گل تساوی را به ثمر رساند و ورزشگاه را منفجر کرد (!)

هیجان تا ثانیه‌های پایانی

جذابیت این داری، تا آخرین لحظه‌ها ادامه داشت. پاسر آسانی، مهاجم استقلال، فرصت‌هایی طلایی برای گلزنی داشت، اما پیام نیازمند، دروازه‌بان



مجید روان‌ستان

در یک شب حماسی، داری پایتخت مرزهای هیجان را جابجا کرد و در ورزشگاه نقش جهان اصفهان، نمایشی خیره‌کننده از فوتبال ارائه داد. این دیدار، نه تنها برای هواداران متعصب استقلال و پرسپولیس، بلکه برای تمام عاشقان فوتبال، لحظاتی به



رنسانس در نصف جهان

وقتی دربی ۱۰۷ آینه تمام‌نمای «فوتبال اصیل ایرانی» شد

بازی زیبایی‌مندانه تنش‌های بی‌پایان.



فرامرز سنگینی

۲. تجلی «فوتبال ریسکی و هجومی»: آنچه سال‌ها گم‌شده ما بود شهر آورد ۱۰۷ سرانجام همان چیزی را به نمایش گذاشت که فوتبال ما سال‌ها در حسرت آن می‌سوخت: فوتبالی روان، سریع، تاکتیک‌پذیر و شجاعانه. دیداری که در آن دیگر خبری از «عقب‌نشینی بعد از گل» یا «ترس از نتیجه برای بقا» نبود. کادری فنی تماماً ایرانی دو تیم، با شناخت عمیق از بافت فوتبال و روحیات بازیکنان ایرانی، تیم‌های خود را با استراتژی پیروزی، هجوم و پذیرش ریسک روانه میدان کردند.

تاریخ فوتبال ایران به روشنی گواهی می‌دهد: هر زمان لیگ و مسابقات باشگاهی ما پویا، تاکتیکی، پرسرعت و هجومی بوده، خروجی آن یک تیم ملی مقتدر، جسور و سرآمد در آسیا بوده است. بر عکس، هرگاه محافظه‌کاری مدیران و مربیان، لیگ را به ورطه بازی‌های دفاعی، ترسو و خسته‌کننده کشانده، نتیجه‌اش تیمی ملی با بازی‌های بی‌رسم و نتایج ناامیدکننده شده است. اگر این نگرش و کیفیت به تمام ۱۸ تیم لیگ برتر و پس از آن به ساختار لیگ‌های پایین‌تر (دسته یک و دو) تسری یابد، بی‌تردید دربی ۱۰۷ می‌تواند نقطه عطف و مبداء رنسانس فوتبال ایران در فتح قله‌های آسیا لقب بگیرد.

۳. عدالت و آرامش در میدان: شاهکار تیم داوری بارهبری بنیادی‌فر نمی‌توان از زیبایی این دربی گفت و از هنر تیم

داوری به سادگی عبور کرد. قضاوت کم‌نقص، مقتدرانه و توأم با آرامش آقای موعود بنیادی‌فر نشان داد که اعتماد کمیته داوران به تجربه و کلاس بین‌المللی ایشان کاملاً به‌جا و شایسته بوده است. هماهنگی فوق‌العاده میان داور وسط، کمک‌ها، داور چهارم و اتاق VAR باعث شد تا جریان بازی در کمال عدالت پیش برود و هیچ تصمیمی بهانه ایجاد تنش نشود. این مسابقه نشان داد که تکنولوژی در کنار تخصص و قضاوت مسلط، چگونه می‌تواند بستر ساز یک بازی جذاب و کم‌افت شود.

سخن پایانی: پیام روشن مستطیل سبز به مدیران و ستاره‌ها

دربی ۱۰۷ یک پیام بسیار شفاف و ماندگار برای کل اکوسیستم فوتبال ما داشت:

وقتی کادر فنی و بازیکنان ۱۰۰ درصد توان و تمرکز خود را صرف متن مسابقه و برنامه‌های تاکتیکی کنند و از حواشی و رفتارهای غیرورزشی فاصله بگیرند، فوتبال راه خود را به دل هوادار پیدا می‌کند. در چنین میدانی، حتی اگر نتیجه مسابقه به تساوی هم ختم شود، هوادار بار ضایت و احساس احترام ورزشگاه را ترک می‌کند، مدیران به تیم‌های خود می‌بالند و آن‌چه در پایان در ذهن تاریخ ثبت می‌شود، سربلندی، رفاقت، افتخار و جوانمردی است.

باید به فدراسیون فوتبال، کمیته داوران، مدیریت و کادر هر دو باشگاه بزرگ پرسپولیس و استقلال، بازیکنان غیور و تک‌تک هواداران پرشور تبریک و خدا قوت گفت. امید است که روح و الگوی این مسابقه در تاروپود تمام لیگ‌های فوتبال ایران جاری و مستمر گردد.

سال‌ها بود که هواداران فوتبال ایران، آوردگاه سنتی پایتخت را با واژگانی چون «احتیاط مفرط»، «ترس از باخت»، «حواشی ملال‌آور» و بازیهای کش‌دار و کم‌رسم به یاد می‌آوردند. مسابقاتی که بیش از آنکه در خدمت ارتقای سطح فنی فوتبال کشور و هیجان سکوها باشد، در خدمت حفظ صندلی مدیران و محافظه‌کاری مریبان بود. اما شهر آورد ۱۰۷ به میزبانی دبار نصف‌جهان، اصفهان خط بطلانی کشید بر تمام آن کلیشه‌های کسالت‌بار و قاب متفاوتی از زیبایی، شجاعت تاکتیکی و بلوغ ورزشی را پیش روی فوتبال دوستان قرار داد.

۱. اصفهان، نماد میزبانی شایسته و همبستگی ملی بیش از ورود به مستطیل سبز، باید به بیرون از خطوط زمین نگاه کرد. مدیریت درخشان و میزبانی بی‌نقص شورای تأمین استان اصفهان و هیئت فوتبال این استان، بستری امن، استاندارد و در شأن یکی از بزرگ‌ترین بازی‌های قاره کهن را فراهم ساخت. در این میان، نقش تماشاگران برگ زرین دیگری بود؛ هم هواداران فهیم اصفهانی که با فرهنگ والای خود از این رویداد ملی استقبال کردند و هم خیل عظیم عاشقان سرخابی که رنج سفر از تهران و سایر نقاط کشور را به جان خریدند تا شبنم تاریخی را رقم بزنند. رفتار متین، پرشور و فرهنگ‌ساز روی سکوها ثابت کرد که سرمایه اصلی این فوتبال، تماشاگرانی هستند که تشنه



فهرست ۵۲۲ نفره کاروان ورزش ایران به بازیهای آسیایی ۲۰۲۶، ایچی، ناگوبا!

جمع دوستان، جمع است!

اسامی نهایی کاروان اعزامی ورزش ایران به بازیهای آسیایی ۲۰۲۶، ایچی ناگوبا با هدف شفافیت سازی این چنین اعلام شد!



سعید حاتمی

۶۲- حمید صادق شاه نشین، کادر فنی
۶۳- علی بخشی، کادر فنی
۶۴- فرید علیمردی، کادر فنی
۶۵- محسن طاهری، کادر فنی
۶۶- نداد کلایچ، کادر فنی
۶۷- طه شکوهی پور، ورزشکار
۶۸- محمد سیاوشی شاه عنایتی، ورزشکار
۶۹- امید عنایتی جو، ورزشکار
۷۰- محمدحسین زرنندی فرخی، ورزشکار
۷۱- محمدرضا کاظمی، ورزشکار
۷۲- پونس آتاری، ورزشکار
۷۳- علی حیدریان، ورزشکار
۷۴- صابر حیدری رامشه، ورزشکار
۷۵- روح الله عادلخانی پور، ورزشکار
۷۶- محمدمهدی بهنام نیا، ورزشکار
۷۷- علی امیر یوسفی، ورزشکار
۷۸- مهران رهنما فلاورجانی، ورزشکار
۷۹- امید رضا رابط سرپوشی، ورزشکار
۸۰- محمدرضا اورعی، ورزشکار
۸۱- علیرضا پیرزاده اهوازی، ورزشکار
۸۲- میلاد قلندری، ورزشکار

۴۴- مرتضی رضائی، خبرنگار
۴۵- مریم محمدپور، خبرنگار
۴۶- محمدرضا ناصری نژاد، خبرنگار
۴۷- حسین جمشیدی، خبرنگار
۴۸- حسین رامادان، خبرنگار - کادر سرپرستی
۴۹- شکوفه موسوی، عکاس - کادر سرپرستی
۵۰- محمدرضا پشتوتن فرد، خبرنگار
۵۱- پیام پارسائی، عکاس
۵۲- فاطمه عموزاده مهدیرجی، عکاس
۵۳- مجتبی صالح، عکاس
۵۴- فروغ طاهرخانی، عکاس
۵۵- حسین شیروانی سعادت آبادی، عکاس
۵۶- هادی زند، عکاس
۵۷- جاوید نیکپور، عکاس - کادر سرپرستی
۵۸- سعید میرزائیان، عکاس
۵۹- رضا خسروی، خبرنگار
۶۰- علیرضا پاکدل، سرپرست
۶۱- ایرج رضایی، کادر فنی

حراست
۲۸- حسین کمالی، حراست
کادر پزشکی
۲۹- سید اشکان اردیبهشت، کادر پزشکی
۳۰- لاله حاکمی، کادر پزشکی
۳۱- رضا سعیدی نیشاپوری، کادر پزشکی
۳۲- تورج ملک محمدی، کادر پزشکی
۳۳- سید شمس الدین تقوی، کادر پزشکی
۳۴- ساناز کبیری، کادر پزشکی
۳۵- ابراهیم عباسی، فیزیوتراپیست
۳۶- افشین رهبری، فیزیوتراپیست
۳۷- یحانه طریقت، فیزیوتراپیست
۳۸- حسین قاسم آبادی، فیزیوتراپیست
کادر خبری و رسانه ای
۳۹- محمود عبدالهی، رابط خبری - کادر سرپرستی
۴۰- نیما علیپور، خبرنگار
۴۱- سید حسن صفوی، خبرنگار
۴۲- مهدی حمداله زاده منصورف، خبرنگار
۴۳- آرش عبدی، خبرنگار

سازمان بازرسی کل کشور (اعزام منوط به تأیید سازمان ذیربط)
۱۳- محمد علی اعوانی، نماینده دیوان محاسبات
۱۴- حسین چراغی، مدیرکل حوزه وزارتی وزارت ورزش و جوانان
۱۵- علیرضا هدایت پور، نماینده وزارت امور خارجه
کادر سرپرستی
۱۶- اصغر رحیمی، سرپرست کاروان
۱۷- عاطفه اسلامیان، معاون کاروان - بین الملل
۱۸- احمد بابایی، معاون کاروان مالی
۱۹- رضا شجاع، معاون کاروان - فنی
۲۰- فاطمه موسوی زاده، کادر سرپرستی - بین الملل و فنی
۲۱- مسعود حمیدی، کادر سرپرستی - تشریفات
۲۲- رحیم برادری، کادر سرپرستی - تشریفات
۲۳- مرتضی حسین زاده ضرابی، کادر سرپرستی - پشتیبانی
۲۴- صابر نام آور، کادر سرپرستی - اسکان
۲۵- مهرداد اسدالهی، کادر سرپرستی - پشتیبانی
۲۶- محمد مهدی سعیدی، کادر سرپرستی - بین الملل
کادر حراست
۲۷- علی اصغر ملابی،

۱- احمد دنیامالی، وزیر ورزش و جوانان
۲- محمود خسروی وفا، رئیس کمیته ملی المپیک و میهمان شورای المپیک آسیا (OCA)
۳- مهدی علی نژاد، دبیرکل کمیته ملی المپیک و میهمان شورای المپیک آسیا (OCA)
۴- کیومرث هاشمی، رئیس کمیسیون امور بین الملل کمیته ملی المپیک و میهمان شورای المپیک آسیا (OCA)
۵- ثریا آقایی، عضو کمیته بین المللی المپیک (IOC) و میهمان شورای المپیک آسیا (OCA)
۶- مهدی گودرزی، عضو هیأت اجرایی کمیته ملی المپیک
۷- محمدرضا داورزنی، عضو هیأت اجرایی کمیته ملی المپیک
۸- سید شروین اسبقیان، معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه ای وزارت ورزش و جوانان
۹- محمدرضا عابدی محزون، مدیرکل دفتر برنامه ریزی و نظارت ورزش قهرمانی وزارت ورزش و جوانان
۱۰- محسن معتمدکیا، مدیرکل روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت ورزش و جوانان
۱۱- احمد راستینه، رئیس کمیته ورزش مجلس شورای اسلامی (اعزام منوط به تأیید سازمان ذیربط)
۱۲- لقمان کیاپاشا، نماینده

والیبال

- ۸۳- سیدمیلاد تقوی، سرپرست
۸۴- روبرتو پیاتزا، کادر فنی
۸۵- علی فتاحی، کادر فنی
۸۶- رحمان محمدی‌راد، کادر فنی
۸۷- محمدمبین شاکری، کادر فنی
۸۸- حسین کردفیروزجانی، کادر فنی
۸۹- حسین حاجی کلاته، ورزشکار
۹۰- ارسیا بهنژاد، ورزشکار
۹۱- ایلشن داوودی‌پور، ورزشکار
۹۲- علی حاجی‌پور مقدم فاروجی، ورزشکار
۹۳- مرتضی شریفی، ورزشکار
۹۴- پوریا حسین خانزاده فیروزجاه، ورزشکار
۹۵- علی حق‌پرست، ورزشکار
۹۶- مبین نصری‌مستان‌آباد، ورزشکار
۹۷- محمد ولی زاده، ورزشکار
۹۸- سیدعیسی ناصری چناری، ورزشکار
۹۹- امین اسماعیل‌نژاد، ورزشکار
۱۰۰- یوسف کاظمی پشت‌پری، ورزشکار
- فوتبال**
۱۰۱- اجلال نصیری جلال، سرپرست
۱۰۲- حسین عبدی، کادر فنی
۱۰۳- حامد معصومی، کادر فنی
۱۰۴- ابراهیم شکوری شوره، کادر فنی
۱۰۵- محمدرضا مهدوی، کادر فنی
۱۰۶- محمدرضا حاجی اسبوتی، کادر فنی
۱۰۷- هادی نویری، کادر فنی
۱۰۸- سید مهدی مرتضویان کوه کمر، کادر فنی
۱۰۹- پدرام خدقالی زاده، کادر فنی
۱۱۰- علیرضا حسینی پور، کادر فنی
۱۱۱- عباس ذکریاپور بهنمیری، کادر فنی
۱۱۲- امید عرب، کادر فنی
۱۱۳- دانیال ایبری، ورزشکار
۱۱۴- پوریا لطیفی فر، ورزشکار
۱۱۵- فرزین معامله‌گری، ورزشکار
۱۱۶- مهدی جعفری، ورزشکار
۱۱۷- امیرمحمد رزاقی‌نیا، ورزشکار
۱۱۸- مسعود محبی، ورزشکار
۱۱۹- قاسم لطیفی، ورزشکار
۱۲۰- محمد خلیفه، ورزشکار
۱۲۱- پوریا شهرآبادی، ورزشکار
۱۲۲- عباس کهریزی، ورزشکار

- ۱۲۳- ادیب زارعی، ورزشکار
۱۲۴- سعید سحرخیزان گندشمین، ورزشکار
۱۲۵- اسماعیل قلی زاده سامیان، ورزشکار
۱۲۶- یاسین جرجانی، ورزشکار
۱۲۷- امیرحسین حسین زاده تازه قشلاقی، ورزشکار
۱۲۸- آرمین عباسی، ورزشکار
۱۲۹- مبین دهقان، ورزشکار
۱۳۰- کسری طاهری، ورزشکار
۱۳۱- محمدمبین حزب‌ای، ورزشکار
۱۳۲- رضا قندی پور، ورزشکار
۱۳۳- ابوالفضل کوهی، ورزشکار
۱۳۴- یوسف مزرعه، ورزشکار
۱۳۵- سهیل صحرایی، ورزشکار
- بسکتبال سه نفره**
۱۳۶- محمد سیستانی بدویی، کادر فنی
۱۳۷- سحر نجفی، کادر فنی
۱۳۸- فرناز خدامرادی، ورزشکار
۱۳۹- مهلا عابدی، ورزشکار
۱۴۰- مهسا کرانی، ورزشکار
۱۴۱- شمیم نوری، ورزشکار
۱۴۲- سید محمد غفاری، ورزشکار
۱۴۳- محمد بصیر مومنی، ورزشکار
۱۴۴- صرام جعفری، ورزشکار
۱۴۵- محمد مهدی رحیمی، ورزشکار
۱۴۶- مجید صادقی، سرپرست
۱۴۷- سوتیریوس مانولوپولوس، کادر فنی
۱۴۸- الکساندر روس ولیساراکوس، کادر فنی
۱۴۹- محمد کسای پور، کادر فنی
۱۵۰- فرزاد کوهیان، کادر فنی
۱۵۱- مهدی چراغی، کادر فنی
۱۵۲- پیتیر گیرگوریان، ورزشکار
۱۵۳- محمد جمشیدی، ورزشکار
۱۵۴- ارسلان کاظمی نایینی، ورزشکار
۱۵۵- آرمان زنگنه، ورزشکار
۱۵۶- سید مهدی جعفری، ورزشکار
۱۵۷- محمد مهدی حیدری، ورزشکار
۱۵۸- نوید رضایی فر، ورزشکار
۱۵۹- سالار منجی، ورزشکار
۱۶۰- متین آقاجان پور، ورزشکار
۱۶۱- مبین شیخی، ورزشکار
۱۶۲- علیرضا شریفی، ورزشکار
۱۶۳- خشایار علی اکبری، ورزشکار
سنگ نوردی

- ۱۶۴- مرتضی محمدی، کادر فنی
۱۶۵- سارینا غفاری، ورزشکار
۱۶۶- رضا علیپورشانزندی فرد، ورزشکار
۱۶۷- حمید شمالی، سرپرست و مربی
۱۶۸- شهاب خاتم، ورزشکار
- اسکیت برد**
۱۶۹- حمیدرضا ریاحی، کادر فنی
۱۷۰- آریین استحمای، ورزشکار
- هنرهای رزمی ترکیبی**
۱۷۱- یوسف بهتری، سرپرست
۱۷۲- منصور نوروز ویری، کادر فنی
۱۷۳- آرزو سلیمی قلعه‌تکی، ورزشکار
۱۷۴- افشین سلیمی توپقرا، ورزشکار
۱۷۵- امین قافدی فر، ورزشکار
- ووشو**
۱۷۶- امیر صدیقی، سرپرست
۱۷۷- رامین موحد نیا، کادر فنی
۱۷۸- فرشاد عربی، کادر فنی
۱۷۹- مریم هاشمی، کادر فنی
۱۸۰- سید معین تقوی، کادر فنی
۱۸۱- صدیقه دره‌یابی ورکاده، کادر فنی
- فنی**
۱۸۲- محسن محمد سیفی، کادر فنی
۱۸۳- محبوبه کریمی زاد کمارج، کادر فنی
۱۸۴- ابوالفضل قره باغی، ورزشکار
۱۸۵- حسین قبله نما مقدم، تالو
۱۸۶- شاهین بنی طالبی، ورزشکار
۱۸۷- زهرا کیانی، ورزشکار تالو
۱۸۸- هلیا اسدیان، ورزشکار تالو
۱۸۹- مینا پناهی درجه، ورزشکار تالو
۱۹۰- مهدی کرمانی، ورزشکار ساند
۱۹۱- سهیل موسوی، ورزشکار ساند
۱۹۲- شجاع پناهی، ورزشکار ساند
۱۹۳- عرفان محرمی، ورزشکار ساند
۱۹۴- سوگند سینکاتی، ورزشکار ساند
۱۹۵- دیانارحیمی، ورزشکار ساند
- سوارکاری**
۱۹۶- حسین شفیع، سرپرست
۱۹۷- احمدرضا چراغی، کادر فنی
۱۹۸- مهدی مقدسی، کادر فنی
۱۹۹- سید الهام حسینی، کادر فنی
۲۰۰- علی عزیزنیا، ورزشکار
۲۰۱- فائزه غروی، ورزشکار
۲۰۲- سجاده انوشیروانی، سرپرست
۲۰۳- بهداد سلیمی، کادر فنی
۲۰۴- جواد نادری، کادر فنی
۲۰۵- بزرگمهر عنایتی قراء، کادر فنی
۲۰۶- سیده الهام حسینی، کادر فنی
۲۰۷- پوپک بسامی، کادر فنی
۲۰۸- علی عالی پور، ورزشکار
۲۰۹- علیرضا نصیری، ورزشکار
۲۱۰- میرمصطفی جوادی علی

- ۱۹۹- سروش باستانی، کادر فنی -مهر
۲۰۰- علی عزیزنیا، ورزشکار
۲۰۱- فائزه غروی، ورزشکار
- وزنه برداری**
۲۰۲- سجاده انوشیروانی، سرپرست
۲۰۳- بهداد سلیمی، کادر فنی
۲۰۴- جواد نادری، کادر فنی
۲۰۵- بزرگمهر عنایتی قراء، کادر فنی
۲۰۶- سیده الهام حسینی، کادر فنی
۲۰۷- پوپک بسامی، کادر فنی
۲۰۸- علی عالی پور، ورزشکار
۲۰۹- علیرضا نصیری، ورزشکار
۲۱۰- میرمصطفی جوادی علی
- دو و میدانی**
۲۱۱- علی داودی، ورزشکار
۲۱۲- ریحانه کریمی، ورزشکار
۲۱۳- مهسا بهشتی، ورزشکار
۲۱۴- پریسا بهزادی، سرپرست
۲۱۵- هادی سپهرزاد، کادر فنی
۲۱۶- حسن یادپی، کادر فنی
۲۱۷- جعفر ابراهیمی، کادر فنی
۲۱۸- حسن تفتیان، ورزشکار
۲۱۹- بنیامین یوسفی، ورزشکار
۲۲۰- علی امیریان، ورزشکار
۲۲۱- محمدرضا طیبی، ورزشکار
۲۲۲- حسن عجمی، ورزشکار
۲۲۳- زهرا زارعی، ورزشکار
۲۲۴- ریحانه مبینی، ورزشکار
۲۲۵- مریم کاظمی، ورزشکار
۲۲۶- فاطمه محیطی زاده، ورزشکار
۲۲۷- حسین نوری، ورزشکار
۲۲۸- صادق صمیمی، ورزشکار
- کوراش**
۲۲۹- داریوش خسرو یار، سرپرست
۲۳۰- مصطفی دلیریان، کادر فنی
۲۳۱- الیاس علی اکبری، کادر فنی
۲۳۲- بتول پاک روح، کادر فنی
۲۳۳- مریم بیمانی، ورزشکار
۲۳۴- طاهره آذربوند، ورزشکار
۲۳۵- مجید وحید بریمانلو، ورزشکار
۲۳۶- پردیس عیدی وند، ورزشکار
۲۳۷- فاطمه برمکی، ورزشکار
۲۳۸- رامین احمدزاده، ورزشکار
۲۳۹- رضا احمدزاده، ورزشکار
- جوجیتسو**
۲۴۰- فرزانه جعفرزادگان، سرپرست و کادر فنی
۲۴۱- مهران ستار، کادر فنی
۲۴۲- نسیم محمدی، ورزشکار
۲۴۳- شهرزاد خشنودزاده، ورزشکار
۲۴۴- پوریا طاهرخانی، ورزشکار
- والیبال ساحلی**
۲۴۵- رحمان رثوفی، سرپرست و کادر فنی
۲۴۶- عبدالرئوف بستگانی، کادر فنی
۲۴۷- عباس پورعسگری، ورزشکار
۲۴۸- علیرضا آقاجانی، ورزشکار
۲۴۹- ابوالحسن خاکس زاده، ورزشکار
۲۵۰- امیر قلعه نوعی، ورزشکار
- ورزشهای الکترونیک**
۲۵۱- مبین محمدزاده، سرپرست و کادر فنی
۲۵۲- حسن باجانی، ورزشکار

۲۵۳- ابوالفضل آقایی نسب، ورزشکار
۲۵۴- امیرحسین حسینی، ورزشکار
۲۵۵- ایوب رستمی، سرپرست و کادر فنی
۲۵۶- رشاد ممدوف، کادر فنی
۲۵۷- معصومه جعفری، کادر فنی
۲۵۸- سمیرا خاک خواه، ورزشکار
۲۵۹- مهسا شکیبائی، ورزشکار
۲۶۰- مریم بریط، ورزشکار
۲۶۱- ابولفضل محمودی، ورزشکار
۲۶۲- الیاس پرهیزگار، ورزشکار
۲۶۳- امیرعباس چوپان، ورزشکار
بلمینتون
۲۶۴- سید بهادر زکی زاده، سر مربی
۲۶۵- ایسان شوریده، ورزشکار
۲۶۶- نیما رستم پور لگدانی، ورزشکار
کاراته
۲۶۷- محسن آشوری، سرپرست
۲۶۸- فاطمه بغلاتی، کادر فنی
۲۶۹- سید شهرام هروی، کادر فنی
۲۷۰- سجاد گنج زاده، کادر فنی
۲۷۱- پگاه زنگنه، کادر فنی
۲۷۲- مرتضی نعمتی، ورزشکار
۲۷۳- علی اصغر آسیابری، ورزشکار
۲۷۴- محمود نعمتی، ورزشکار
۲۷۵- سپیده امینی، ورزشکار
۲۷۶- آتوسا گلشادنژاد، ورزشکار
۲۷۷- فاطمه صادقی، ورزشکار
۲۷۸- زینب حسینی، ورزشکار
۲۷۹- فاطمه سعیدآبادی، ورزشکار
دوچرخه سواری
۲۸۰- محمود وفائی، سرپرست و کادر فنی
۲۸۱- سعید مبارکی، کارد فنی
۲۸۲- سید محمدنی میرباقری فیروزآبادی، ورزشکار
۲۸۳- ماندانا دهقان منشادی، ورزشکار
روئینگ
۲۸۴- محسن شادی، سرپرست
۲۸۵- عمران پورعسکری پرست، کادر فنی
۲۸۶- افشین فرزاد، کادر فنی
۲۸۷- شهرام احمدی، کادر فنی
۲۸۸- حمیرا برزگر تمرین، کادر فنی
۲۸۹- مهنا حاجی حسینی، ورزشکار
۲۹۰- ساقی ملکی، ورزشکار
۲۹۱- سارا فخری، ورزشکار
۲۹۲- سها فخری، ورزشکار
۲۹۳- زینب نوروزی تازه کند، ورزشکار
۲۹۴- هنگامه کامیاب وسکه،

ورزشکار
۲۹۵- بهمن نصیری، ورزشکار
۲۹۶- هانیه خرسند، ورزشکار
۲۹۷- امیرحسین محمودپور شهرستانی، ورزشکار
۲۹۸- مهسا جاور، ورزشکار
۲۹۹- فاطمه مجلل توپراق قلعه، ورزشکار
۳۰۰- کیمیا زارعی، ورزشکار
تیراندازی با کمان
۳۰۱- غلامرضا شعبانی بهار، سرپرست
۳۰۲- اسماعیل عبادی، کادر فنی
۳۰۳- لیا سحائی فر، کادر فنی
۳۰۴- آرمین پاکزاد، ورزشکار
۳۰۵- میلاد رشیدی، ورزشکار
۳۰۶- فرهنگ خداپرست، ورزشکار
۳۰۷- بیتا عاشق زاده اسکویی، ورزشکار
۳۰۸- گیسو بابیوردی، ورزشکار
۳۰۹- شیوا بختیاری، ورزشکار
۳۱۰- صادق اشرفی باویلی، ورزشکار
۳۱۱- محمد حسین گلشنی اصل، ورزشکار
۳۱۲- رضا شبانی، ورزشکار
۳۱۳- مبینا فلاح، ورزشکار
گلف
۳۱۴- حمید عزیزی، سرپرست
۳۱۵- حسن کریمیان نوشهر، کادر فنی
۳۱۶- سجاد کرم پور برجویی، ورزشکار
۳۱۷- نازنین شهرکی، ورزشکار
موج سواری
۳۱۸- سعید سعیدی، سرپرست و کادر فنی
۳۱۹- داود خدیو، ورزشکار
ژیمناستیک
۳۲۰- وحیده نقوی، سرپرست
۳۲۱- سمیه چراغی، کادر فنی
۳۲۲- محمدرضا خیرخواه، کادر فنی
۳۲۳- ماهان باژرنگ، کادر فنی
۳۲۴- آریا مام عبدالله، ورزشکار
۳۲۵- محمدسعیدآبادی، ورزشکار
۳۲۶- یلدا حسن شوکتی، ورزشکار
۳۲۷- فاطمه توسلی، ورزشکار
۳۲۸- سیاوش سیاهی کولانکوه، ورزشکار
۳۲۹- مهدی احمدکهنی، ورزشکار
۳۳۰- مهدی الفتی، ورزشکار
۳۳۱- آرمان خدایی، ورزشکار
۳۳۲- محمدرضا حمیدی، ورزشکار
۳۳۳- هنگامه هادیانی، ورزشکار
اسکواش
۳۳۴- محسن غلام نژاد جاوید، سرپرست و کادر فنی

۳۳۵- الهام رضانی، کادر فنی
۳۳۶- فرشته اقتداری، ورزشکار
۳۳۷- نرگس سلطانی، ورزشکار
۳۳۸- نجمه پوشهری زاده، ورزشکار
۳۳۹- سپهر اعتمادپور، ورزشکار
ترای اتلون
۳۴۰- امین سقایی دهکردی، سرپرست و کادر فنی
۳۴۱- فرید هادی پور، ورزشکار
کبدی
۳۴۲- زهرا رحیمی نژاد، سرپرست بانوان
۳۴۳- عباد دلیری، سرپرست مردان
۳۴۴- لیلا دوستوندی، کادر فنی
۳۴۵- سمانه افخم، کادر فنی
۳۴۶- غلامرضا مازندرانی، کادر فنی
۳۴۷- آزاده سلگی، کادر فنی
۳۴۸- مهتاب لک علی آبادی، ورزشکار
۳۴۹- زهرا استرکی، ورزشکار
۳۵۰- سانیا نعیمی مرنی، ورزشکار
۳۵۱- حدیثه وارسته، ورزشکار
۳۵۲- نیکتا جلالوند، ورزشکار
۳۵۳- زکیه ململی، ورزشکار
۳۵۴- آیناز فرامرزی، ورزشکار
۳۵۵- فرشته کلاگر، ورزشکار
۳۵۶- آتنا مددی، ورزشکار
۳۵۷- زهرا کریمی، ورزشکار
۳۵۸- سحر یاری سارودی، ورزشکار
۳۵۹- زهرا خدابنده لو، ورزشکار
۳۶۰- نواب تازه قلعه، کادر فنی
۳۶۱- جواد موسوی نسب، کادر فنی
۳۶۲- سامان نورمحمدی، کادر فنی
۳۶۳- محمدرضا شادلو چیانه، ورزشکار
۳۶۴- امیرحسین اجلائی، ورزشکار
۳۶۵- امید خجسته محمدشاه، ورزشکار
۳۶۶- علی صمدی، ورزشکار
۳۶۷- فاضل اترچالی، ورزشکار
۳۶۸- امیرحسین بسطامی، ورزشکار
۳۶۹- علیرضا میرزائیان، ورزشکار
۳۷۰- محمد اسمعیل نبی بخش، ورزشکار
۳۷۱- رضا میرباقری، ورزشکار
۳۷۲- امیرمحمد ظفر دانش، ورزشکار
۳۷۳- امیررضا علی اکبری، ورزشکار
۳۷۴- امیرحسین تقی پور، ورزشکار
شمشیربازی
۳۷۵- محسن وحدانی، سرپرست
۳۷۶- محمد رهبری، کادر فنی

۳۷۷- کریستین بائور، کادر فنی
۳۷۸- محمد فتوحی، ورزشکار
۳۷۹- نیمازاهدی، ورزشکار
۳۸۰- طاهارگرگپور، ورزشکار
۳۸۱- سید علی اسماعیل زاده، ورزشکار
۳۸۲- نجمه سازنجیان، ورزشکار
تکواندو
۳۸۳- هادی ساعی، سرپرست
۳۸۴- پیام خانلرخانی، کادر فنی
۳۸۵- مسعودحجی زواره، کادر فنی
۳۸۶- مهروز ساعی، کادر فنی
۳۸۷- شیما خلیل ارجمندی، کادر فنی
۳۸۸- حسین بهشتی، کادر فنی
۳۸۹- نگار ملامددخانی، کادر فنی
۳۹۰- ابوالفضل زندی، ورزشکار
۳۹۱- مهدی حاجی موسائی نفوتی، ورزشکار
۳۹۲- آریب سلیمی، ورزشکار
۳۹۳- امیرسینا بختیاری، ورزشکار
۳۹۴- سائنا کریمی، ورزشکار
۳۹۵- ناهید کیانی، ورزشکار
۳۹۶- ساغرمرادی، ورزشکار
۳۹۷- فاطمه احمدی، ورزشکار
۳۹۸- مرتضی زنده دل، ورزشکار
۳۹۹- یاسمن لیموچی، ورزشکار
ورزشهای آبی
۴۰۰- محسن رضوانی، سرپرست کل سه رشته شنا، شیرجه و واترپلو
۴۰۱- سیروس طاهریان، سرپرست - واترپلو
۴۰۲- مهدی پنام تاش، کادر فنی - واترپلو
۴۰۳- امیر هوشنگ همراهی، کادر فنی - واترپلو
۴۰۴- علیرضا شادپی، کادر فنی - واترپلو
۴۰۵- شهنام نظر پور، کادر فنی - شیرجه
۴۰۶- محمدرضا کیانی پور، کادر فنی - شنا
۴۰۷- وحید نویدی، کادر فنی - شنا
۴۰۸- آرمان شمس، ورزشکار - واترپلو
۴۰۹- اشکان ایرانپور طاری، ورزشکار - واترپلو
۴۱۰- امید آقائی کریم، ورزشکار - واترپلو
۴۱۱- امیررضا جلیل پور، ورزشکار - واترپلو
۴۱۲- امین قوبدل حاجی آقا، ورزشکار - واترپلو
۴۱۳- حامد کریمی، ورزشکار - واترپلو
۴۱۴- سید عرفان صدرنیا، ورزشکار - واترپلو
۴۱۵- علیرضا مهری کهنه شهری، ورزشکار - واترپلو

۴۱۶- فرید بهزاد صبور، ورزشکار - واترپلو
۴۱۷- مرصاد ادهم، ورزشکار - واترپلو
۴۱۸- مهدی برزگری شریف آباد، ورزشکار - واترپلو
۴۱۹- مهدی یزدان خواه، ورزشکار - واترپلو
۴۲۰- پیمان اسدی آقاجری، ورزشکار - واترپلو
۴۲۱- خشایار قره ضیاء الدینی، ورزشکار - واترپلو
۴۲۲- امیر عطا خزاعی، ورزشکار - واترپلو
۴۲۳- سام واژیر هل آباد، ورزشکار - شیرجه
۴۲۴- سید محمد مقدسی، ورزشکار - شیرجه
۴۲۵- هومر عباسی، ورزشکار - شنا
۴۲۶- امیر مطاعی، ورزشکار - شنا
۴۲۷- سامیار عبدلی، ورزشکار - شنا
۴۲۸- محمد قاسمی، ورزشکار - شنا
پدل
۵۰۱- داریوش صابر، سرپرست و کادر فنی
۵۰۲- صلیبه فرد، کادر فنی و ورزشکار
۵۰۳- زهرا کهریزی، ورزشکار
۵۰۴- حامی گلستان، ورزشکار
۵۰۵- آریا روغنی، ورزشکار
۵۰۶- امیر محمد جمشیدی، ورزشکار
۵۰۷- فرساد شاهی، ورزشکار
۵۰۸- صبا نجفی دهقی، ورزشکار
۵۰۹- ندا محمد تقی پور، ورزشکار
قایقرانی آبهای آرام
۵۱۰- سرهی بژلی، کادر فنی
۵۱۱- ایمان پورعزیزمقری، کادر فنی
۵۱۲- آرش بصارت دار، کادر فنی
۵۱۳- نادیه تالانک، کادر فنی
۵۱۴- علی آقامیرزائی جناقرد، ورزشکار کایاک
۵۱۵- پیمان قوبدل سیاه صوفیانی، ورزشکار کایاک
۵۱۶- محمدنی رضائی، ورزشکار کلو
۵۱۷- الناز شفیعیان نویر، ورزشکار کایاک
۵۱۸- نرجس کارگرپور، ورزشکار کایاک
۵۱۹- کیانا کمال زاده، ورزشکار کایاک
۵۲۰- هیوا افضلی، ورزشکار کانو
۵۲۱- مائده شورگشتی، ورزشکار کلو
۵۲۲- هدیه خیرآبادی اصل، ورزشکار کانو

رونمایی از چهره‌هایی که در فهرست اعلام شده به ژاپن نیستند اما در ناگویا هستند!

چرا اگر فهرست ممتمی بود، آن فهرست انتشار نیافت؟

فهرست ۵۲۲ نفره مرجع تعریف اهالی ورزش از کاروان اعزامی باشد. فهرستی که با اتفاقات این روزهای ورزشی ایران در ناگویا و حضور افراد بسیار دیگر، اگر اعلام نمی‌شد خیلی بهتر و برای آینده قابل دفاع تر بود. هر چند که این دوستان خارج از فهرست اولیه در مواجهه با اصحاب رسانه بعضاً اعلام می‌دارند که با هزینه شخصی خود راهی ژاپن شده‌اند که این ادعا را حتی خوش‌باورترین افراد نیز نمی‌توانند بپذیرند!

و با آیدی کارت و لباس‌های فرم در مقابل دوربین ایستاده و عکس‌های یادگاری می‌اندازند و آن را به ایران می‌فرستند تا مشخص شود آن فهرست اولیه احتمالاً فهرست ممتمی هم داشته است که دوستان صلاح ندانسته‌اند آن را منتشر و در مسیر شفافیت گام بردارند! فهرستی که شاید اگر می‌خواست به درستی اعدام شود، تعدادش به یک عدد چهار رقمی می‌رسید که دوستان با پیش‌بینی‌های لازم این کار را نکردند تا همچنان همان

کمیته ملی المپیک به منظور شفافیت فهرست ۵۲۲ نفره کاروان اعزامی به رقابت‌های آسیایی ناگویای ژاپن را چند روز مانده به آغاز این بازیها منتشر کرد. کار خوبی که جامعه ورزشی آرزو دارد که برای رقابت‌های آتی دیگر نیز چنین کاری تداوم داشته باشد! اما خوشبختانه یا متأسفانه این روزها عکس‌هایی از ژاپن به تهران می‌رسد که نشان می‌دهد نفراتی هم هستند که بدون آنکه نام‌شان در فهرست اعزامی‌ها باشد، در ژاپن حضور داشته

شاهکاری از سرپرست اعزامی به رقابت‌های آسیایی ناگویا

رژه‌ای که می‌توانست خیلی بهتر از اینها انجام شود



که می‌دانستیم مثل همیشه جایی برای ما و امثال ما در جلسات رسانه‌ای کمیته ملی المپیک تعریف نشده و نخواهد شد و به همین دلیل هم منتظرشان گذاشتیم، تا دوستان از سفر ژاپن برگردند، تا بشنویم و بشوند که دوستان چه توجیهاتی را در خصوص رژه آنچنانی کاروان ورزش ایران داشته و دارند! البته موضوع به همین جا ختم نمی‌شود چرا که بیست و اندی روز زودتر رفتن به ژاپن، یعنی بیست و اندی روز حق ماموریت بورویی و یا دلاری دریافت داشتند! یعنی هزینه‌های بیست و اندی روزه حضور آنها را از بیت‌المال پرداخت کردن و شاید هم به خاطر این رژه به یاد ماندنی پادشاه آنچنانی هم دریافت داشتن و ...

سرپرست کاروان اعزامی ورزش ایران به محل برگزاری بازیهای آسیایی ۲۰۲۶ ایچی، ناگویا در ژاپن بیست و اندی روز جلوتر از شروع بازی‌ها به ژاپن رفت که چه کاری را انجام دهد؟

این سوال پرتکرارترین سوال دیروز و امروز مردم و اهالی ورزش در رویارویی با یکدیگر و با اصحاب رسانه بود و شرمند ما که نمی‌دانستیم چه پاسخ قانع‌کننده‌ای را باید به دوستان بدهیم! هر چند که اطمینان داشتیم آنها این حق را دارند که از پاسخ ما و امثال ما هم قانع نشوند! قول هم نمی‌توانستیم به آنها بدهیم که در بازگشت کاروان و در کنفرانس مطبوعاتی احتمالی بعد از بازیها، این سوال آنها را از مسئولان کاروان اعزامی خواهیم پرسید! چرا

چرا برخی از فدراسیون ورزشی در آستانه بازیهای ناگویا «سراب» به ورزشکاران خود نشان می‌دهند؟

وعده‌های آنچنانی روسای رشته‌های کم‌شانس و سکوت منطقی روسای رشته‌های پرشانس!

البته منطق هم همین را می‌پسندد. بدون شک و تردید اگر کسب مدال طلا و افتخار را در بازیهای آسیایی ناگویا شرطی کنیم و برای آن پول و پاداش بسیار تعیین نمائیم، آنگاه لذت کسب مدال‌های طلا تحت تاثیر آن وعده و وعیدها آن شیرینی همیشگی خود را از دست خواهد داد. رویه غلطی که متأسفانه هر چه که جلوتر می‌رویم، نمود بیشتری پیدا می‌کند و مشخص می‌شود که هدف دوستان چیز دیگری است! چرا که اغلب آنهایی که قول داده و می‌دهند، به درستی می‌دانند که هیچ اتفاقی برای ورزشکاران آنها در جریان بازی آسیایی ناگویا نخواهد افتاد! و پول و مبلغ پاداش اعلامی آنها در حساب‌های خودشان باقی خواهد ماند! که خدا را شکر امروز مردم خیلی خوب متوجه این ترغیب جدید برخی از مسئولان فدراسیون‌های ورزشی شده‌اند و خوب می‌دانند که این حرف‌ها تنها وسیله‌ای برای مورد توجه قرار گرفتن است و نه هیچ چیز دیگر!

خوب است. آنهایی که وعده‌های پوشالی داده و خودشان را به تعبیری عزیز کرده‌اند و گرنه ... اصلاً چرا روسای رشته‌های پر مدال و آنهایی که شانس کسب مدال دارند، چنین وعده‌هایی را نداده و نمی‌دهند. چرا آنها برای ورزشکاران خود انتظار ایجاد نمی‌کنند، که

به راستی از کجا شروع شد، که به اینجا رسید؟ اصلاً عامل اصلی این همه وعده و وعید به ورزشکاران ایرانی برای کسب مدال طلای بازیهای آسیایی ناگویا که بود؟ دوستان وعده دهنده چه در ورزشکاران شایسته کشورمان دیدند که با بهانه‌های جورواجور مالی و ... بنوعی مدال آوری آنها را تحت‌الشعاع وعده‌های خود قرار دادند.

یکی پای پاداش چند میلیاردی را پیش کشید! یکی وعده آپارتمان ۸۰ متری را داد! یکی بر اساس بضاعت خود پرداخت پاداش زیر یک میلیارد تومان را مطرح کرد و ... اما هر چه که بود و هر چه که هست، وقتی به اسامی فدراسیون‌ها و افراد وعده‌دهنده نگاه می‌کنیم می‌بینیم که همه آنها و فدراسیون‌هایشان در زمره رشته‌هایی هستند که اصلاً انتظار هیچ مدالی از نفرات آنها نمی‌رود! یعنی قرار و امیدی نیست که مدالی توسط ورزشکاران آنها کسب شود و متعاقب آن قرار می‌نماید که پاداشی پرداخت گردد! فقط این ترغیب برای تبلیغ و مورد توجه دیگران قرار گرفتن



جام جهانی؛ ویتترین میلیارد دلاری فوتبال

ایران از فرصت بزرگ اقتصادی در فصل نقل و انتقالات باز ماند



مهدی حاجی وند

جام جهانی ۲۰۲۶ نه تنها بزرگ‌ترین رویداد فوتبال جهان، بلکه یکی از مهم‌ترین موتورهای ایجاد ارزش اقتصادی در بازار فوتبال بود؛ موضوعی که تازه‌ترین آمار فیفا از بازار نقل و انتقالات پس از این رقابت‌ها، ابعاد آن را آشکارتر کرده است. بر اساس تازه‌ترین گزارش فدراسیون بین‌المللی فوتبال، در فاصله اول ژوئن تا دوم سپتامبر ۲۰۲۶ بیش از ۹.۸۹ میلیارد دلار برای نقل و انتقال بازیکنان در فوتبال مردان هزینه شده است؛ رقمی که بالاترین میزان ثبت‌شده در یک پنجره نقل و انتقالات میان فصل محسوب می‌شود. همزمان بیش از ۱۲ هزار و ۵۰۰ انتقال بین‌المللی به ثبت رسیده که آن نیز رکورد جدیدی است. اما مهم‌ترین بخش این آمار برای اقتصاد فوتبال، سهم مستقیم بازیکنانی است که در جام جهانی ۲۰۲۶ حضور داشتند. طبق اعلام فیفا، ۲۶۷ بازیکن از ۴۷ ملیت که در این جام به میدان رفتند، پس از پایان مسابقات باشگاه خود را تغییر داده‌اند و مجموع مبالغ انتقال آنها از ۳.۳ میلیارد دلار فراتر رفته است. این ارقام نشان می‌دهد جام جهانی برای بسیاری از بازیکنان صرفاً یک رقابت ورزشی نبوده؛ بلکه یک بازار بزرگ کشف و بازتعیین ارزش سرمایه انسانی فوتبال است. عملکرد یک بازیکن در چند مسابقه می‌تواند توجه باشگاه‌های بزرگ، مدیران ورزشی و استعدادیاب‌ها را جلب کرده و در نهایت به افزایش تقاضا و ارزش انتقال او منجر شود.

از این منظر، جام جهانی را می‌توان یکی از مهم‌ترین ویتترین‌های جهانی برای صادرات استعداد فوتبال دانست. کشورهای که بازیکنان جوان و مستعد خود را در چنین رویدادی به نمایش می‌گذارند، در صورت برخورداری از ساختار حرفه‌ای و ارتباط مناسب با بازارهای بین‌المللی، می‌توانند از این حضور برای افزایش ارزش اقتصادی سرمایه انسانی فوتبال خود استفاده کنند.

انگلیس؛ بزرگ‌ترین بازیگر بازار

در میان کشورهای مختلف، باشگاه‌های انگلیسی بیش از ۳.۰۲ میلیارد دلار بیشترین هزینه را برای خرید بازیکنان انجام داده‌اند. پس از انگلیس، ایتالیا با حدود ۱.۱ میلیارد دلار، اسپانیا با ۹۴۰ میلیون دلار، آلمان با ۹۰۴ میلیون دلار و فرانسه با ۶۴۱ میلیون دلار قرار گرفته‌اند. در طرف دیگر بازار نیز باشگاه‌های فرانسوی با دریافت حدود ۱.۷ میلیارد دلار بیشترین درآمد را از محل انتقال بازیکن داشته‌اند و انگلیس، آلمان، اسپانیا و پرتغال در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

این اعداد نشان می‌دهد فوتبال حرفه‌ای امروز تنها درباره درآمد حاصل از بلیت‌فروشی یا اسپانسرینگ نیست؛ بازیکن خود یک دارایی اقتصادی قابل معامله است. باشگاهی که بتواند بازیکن را در سن مناسب شناسایی، آموزش و در بازار بین‌المللی عرضه کند، می‌تواند از محل انتقال او ارزش قابل توجهی خلق کند.

سهم فوتبال زنان هم در حال افزایش است

روند رشد اقتصادی فوتبال تنها به بخش مردان محدود نمانده است. فیفا اعلام کرده در همین دوره، ۱۴۰۶ انتقال بین‌المللی در فوتبال زنان ثبت شده که رکوردی تاریخی است. مجموع هزینه انتقال بازیکنان زن نیز به ۲۸.۶ میلیون دلار رسیده که بیش از دو برابر رقم دوره مشابه سال قبل است. اگرچه فاصله مالی فوتبال زنان و مردان همچنان بسیار زیاد است، اما رشد تعداد انتقال‌ها و افزایش ارزش قراردادهای نشان می‌دهد این بخش نیز به تدریج در حال تبدیل شدن به یک بازار اقتصادی جدی‌تر است.

ایران؛ حضور در جام جهانی، بدون تبدیل فرصت به ارزش اقتصادی

در این میان، وضعیت ایران از زاویه اقتصاد ورزش قابل تأمل است. تیم ملی ایران در جام جهانی ۲۰۲۶ با یکی از با تجربه‌ترین و البته مسن‌ترین ترکیب‌های تاریخ خود حاضر شد. میانگین سنی فهرست ۲۶ نفره ایران حدود ۲۹.۸ سال بود و ۱۶ بازیکن، یعنی بیش از ۶۱ درصد فهرست، حداقل ۳۰ سال داشتند.

این مساله از منظر ورزشی ممکن است مزیت‌هایی مانند تجربه و شناخت شرایط مسابقات بین‌المللی داشته باشد، اما از منظر اقتصاد بازیکن و بازار نقل و انتقالات یک محدودیت مهم ایجاد می‌کند.

بازار جهانی نقل و انتقالات معمولاً برای بازیکنان جوانی که امکان رشد، افزایش ارزش و استفاده بلندمدت دارند، جذابیت بیشتری دارد. در چنین شرایطی، حضور بازیکنان جوان ایرانی در جام جهانی می‌توانست فرصتی برای معرفی آنان به بازارهای بزرگ‌تر و افزایش ارزش اقتصادی سرمایه انسانی فوتبال ایران باشد.

این فرصت در حالی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که فیفا تأکید کرده جام جهانی ۲۰۲۶ مستقیماً بر بازار

نقل و انتقالات اثر گذاشته و بیش از ۳.۳ میلیارد دلار از مجموع انتقال‌های بازیکنان حاضر در این رقابت‌ها را رقم زده است. بنابراین مساله فقط این نیست که ایران چه نتیجه‌ای در جام جهانی گرفته است؛ پرسش اقتصادی مهم‌تر این است که چه مقدار ارزش اقتصادی از حضور ایران در این ویتترین جهانی خلق شد؟

ایران با در اختیار داشتن بازیکنانی با سابقه حضور

در لیگ‌های اروپایی و آسیایی می‌توانست جام جهانی را به سکویی برای معرفی نسل جدید فوتبال خود تبدیل کند. اما انتخاب ترکیبی با میانگین سنی بالا، در کنار محدود بودن حضور بازیکنان جوان در سطح اول فوتبال اروپا، ظرفیت ایران برای بهره‌برداری از بازار پس از جام جهانی را کاهش داد.

جام جهانی؛ فرصت کوتاه، اثر اقتصادی بلندمدت

تجربه جام جهانی ۲۰۲۶ نشان می‌دهد مسابقات ملی و بازار باشگاهی دیگر دو حوزه کاملاً جدا از یکدیگر نیستند. جام جهانی می‌تواند مستقیماً بر ارزش بازیکنان، درآمد باشگاه‌ها، قراردادهای تجاری و جریان سرمایه در فوتبال تأثیر بگذارد.

برای فوتبال ایران نیز درس اقتصادی بزرگی در این میان مطرح است: حضور در جام جهانی زمانی به یک دستاورد اقتصادی تبدیل می‌شود که پشت آن برنامه‌ای برای کشف استعداد، پرورش بازیکن جوان، حضور در بازارهای بین‌المللی و تجاری‌سازی سرمایه انسانی وجود داشته باشد. در غیر این صورت، ممکن است یک کشور میلیارد‌ها دلار ارزش جدید در بازار جهانی فوتبال ایجاد شده پس از جام جهانی را تماشا کند، بدون آنکه سهم قابل توجهی از این جریان اقتصادی نصیب باشگاه‌ها و فوتبال آن کشور شود.



۲۵۰ میلیون یورو برای بازی

اقتصاد پشت پرده ورزش های الکترونیکی

همچنین در شرایطی عربستان در سال ۲۰۲۲ استراتژی ملی بازی و ورزش های الکترونیکی خود را اعلام کرده است که بر اساس اهداف اعلام شده، این کشور قصد دارد تا سال ۲۰۳۰ حدود ۲۵۰ شرکت بازی سازی ایجاد کند، ده ها هزار فرصت شغلی به وجود آورد و حدود ۵۰ میلیارد ریال عربستان به اقتصاد خود اضافه کند. صندوق سرمایه گذاری عمومی عربستان نیز از طریق شرکت Savvy Games Group به یکی از بازیگران بزرگ سرمایه گذاری در صنعت جهانی بازی تبدیل شده است. خرید شرکت بازی سازی Scopely به ارزش حدود ۴۰۹ میلیارد دلار، یکی از نمونه های مهم این رویکرد است. بنابراین پرداخت هزینه برگزاری یک مسابقه در پاریس را نباید یک هزینه منفرد و بدون ارتباط با استراتژی اقتصادی عربستان دانست چرا که ریاض در حال تلاش برای ایجاد یک زنجیره کامل ارزش از سرمایه گذاری در شرکت های بازی سازی و تیم های حرفه ای گرفته تا برگزاری مسابقات بین المللی، جذب ستاره های این صنعت، توسعه زیرساخت و ایجاد مقاصد گردشگری مرتبط با بازی و ورزش های الکترونیکی است. در چنین مدلی، مسابقات بزرگ در واقع ویرتین یک صنعت هستند و ارزش آنها فقط به درآمد حاصل از فروش بلیت یا تبلیغات محدود نمی شود.

منطق اقتصادی میزبانی ورزش های الکترونیکی برای پاریس

از سوی دیگر، میزبانی چنین رویدادی برای پاریس نیز منطق اقتصادی دارد؛ جایی که ورود بازیکنان، تیم ها، مربیان، مدیران، خبرنگاران و هواداران بین المللی می تواند تقاضا برای هتل ها، رستوران ها، حمل و نقل، خرید، سرگرمی و سایر خدمات را افزایش دهد. به همین دلیل، رقم ۶۰۰ میلیون یورو که برای اثر اقتصادی غیرمستقیم این مسابقات اعلام شده، الزاماً به معنای سود خالص یا درآمد دولت فرانسه نیست؛ بلکه ارزش فعالیت اقتصادی ایجاد شده در بخش های مختلف را نشان می دهد. همین تفاوت میان «اثر اقتصادی» و «سود مستقیم» در تحلیل اقتصادی رویدادهای ورزشی اهمیت زیادی دارد.

کمرنگ شدن مرز میان ورزش و سرگرمی

از سوی دیگر جام جهانی ورزش های الکترونیکی همچنین نشان می دهد مرز میان ورزش، سرگرمی و فناوری در حال کمرنگ شدن است؛ چرا که در ورزش سنتی، مدل اقتصادی بیشتر بر فروش بلیت، حق پخش تلویزیونی، تبلیغات و اسپانسرینگ استوار بود، اما در ورزش های الکترونیکی یک هوادار می تواند همزمان بیننده مسابقه، کاربر یک بازی، دنبال کننده یک بازیکن، خریدار محصولات دیجیتال و مخاطب یک پلتفرم رسانه ای باشد. همین ارتباط مستقیم و دائمی با مخاطب، ظرفیت های اقتصادی تازه ای برای باشگاه ها و شرکت ها ایجاد کرده است.

از این منظر، سرمایه گذاری عربستان را می توان بخشی از رقابت بر سر «اقتصاد هوادار دیجیتال» نیز دانست. کشوری که بتواند تیم ها، مسابقات، بازیکنان، محتوا و پلتفرم های پرمخاطب این صنعت را در اختیار داشته باشد، در واقع به جامعه ای جهانی از مصرف کنندگان دسترسی پیدا می کند. این موضوع برای عربستان که به دنبال ساختن تصویری جدید از اقتصاد و جامعه خود و توسعه صنایع غیرنفتی است، اهمیت مضاعف دارد. برای فرانسه نیز ماجرا فقط برگزاری یک مسابقه نیست؛ چرا که این کشور تلاش می کند جایگاه خود را در اقتصاد دیجیتال و صنایع خلاق تقویت کند و از ظرفیت بازی های ویدئویی و ورزش های الکترونیکی برای جذب گردشگر، سرمایه و استعداد استفاده کند. به همین دلیل، همکاری پاریس و ریاض را می توان نمونه ای از پیوند اقتصاد ورزش، فناوری، گردشگری و دیپلماسی اقتصادی دانست. در مجموع با استفاده از تجربه عربستان می تواند نتیجه گرفت بازی های ویدئویی و ورزش های الکترونیکی را نمی توان صرفاً یک پدیده سرگرمی یا فرهنگی دانست. این صنعت می تواند برای باشگاه ها، رسانه ها، شرکت های فناوری، تبلیغ کنندگان و

جام جهانی ورزش های الکترونیکی ۲۰۲۶ (2026 Esports World Cup) چندی پیش با حضور بیش از ۲ هزار بازیکن، ۲۰۰ باشگاه و نمایندگان بیش از ۱۰۰ کشور در پاریس برگزار شد. این رویداد قرار بود در ریاض عربستان برگزار شود اما به پاریس منتقل شد؛ بر اساس گزارش لوموند، علت اصلی این انتقال جنگ و تشدید ناامنی در منطقه خاورمیانه بوده است. در نتیجه، برگزار کنندگان این رویداد به دنبال یک گزینه جایگزین برای حفظ برگزاری مسابقات بودند. در همین مقطع، شرکت ESL که به طور غیرمستقیم تحت مالکیت صندوق سرمایه گذاری عمومی عربستان قرار دارد، موضوع انتقال مسابقات به فرانسه را با وزارت اقتصاد این کشور مطرح کرد. همزمان، متیو دالون، از چهره های قدیمی صنعت Esports فرانسه، نیز پیشنهاد فرانسه را مطرح کرد. موضوع در نهایت به سطح عالی سیاسی رسید. طبق گزارش لوموند، در اواسط ماه مه، محمد بن سلمان با امثالون مکرون درباره امکان میزبانی فرانسه از جام جهانی ورزش های الکترونیکی رایزنی کرد و پاسخ فرانسه مثبت بود. پس از آن یک کار گروه اضطراری در فرانسه تشکیل شد تا مسائل مربوط به میزبانی، روادید و هماهنگی های اجرایی را مدیریت کند.

وقتی ورزش های الکترونیکی به اقتصاد تبدیل می شوند

در این میان هر چند جام جهانی ورزش های الکترونیکی ۲۰۲۶ یک مسابقه میان بازیکنان حرفه ای بازی های رایانه ای بود، اما پشت این رویداد، اقتصادی چند میلیارد دلاری قرار دارد که در سال های اخیر توجه دولت ها، سرمایه گذاران و شرکت های بزرگ فناوری را به خود جلب کرده است. شاید مهم ترین نشانه اهمیت اقتصادی این صنعت، تصمیم عربستان سعودی برای پرداخت حدود ۲۵۰ میلیون یورو برای میزبانی این رقابت ها در پاریس باشد؛ در حالی که طبق گزارش روزنامه فرانسوی لوموند، فرانسه برای برگزاری این رویداد از بودجه عمومی خود هزینه ای نکرده و در مقابل، انتظار دارد این مسابقات حدود ۶۰۰ میلیون یورو اثر اقتصادی غیرمستقیم برای این کشور ایجاد کند. این ارقام به خوبی نشان می دهد بازی های الکترونیکی دیگر صرفاً یک سرگرمی برای نوجوانان و جوانان نیستند و به بخشی از اقتصاد جهانی سرگرمی، رسانه و فناوری تبدیل شده اند. البته باید میان «صنعت بازی های ویدئویی» و «ورزش های الکترونیکی» تفاوت قائل شد؛ جایی که بازار بازی های ویدئویی بسیار بزرگ تر است و فروش بازی، خرید های درون برنامه ای، تبلیغات، اشتراک ها و سایر خدمات دیجیتال را در بر می گیرد. بر این اساس باید گفت: ورزش های الکترونیکی بخش رقابتی این صنعت است؛ بخشی که در آن بازیکنان و تیم های حرفه ای در مسابقات سازمان یافته شرکت می کنند و از محل جوایز، اسپانسرینگ، تبلیغات، حقوق رسانه ای، فروش کالا و سایر فعالیت های تجاری درآمد کسب می کنند.

اکوسیستم بزرگ ورزش های الکترونیکی

اهمیت اقتصادی این بازار زمانی بیشتر مشخص می شود که بدانیم بر اساس برآورد شرکت تحقیقاتی Newzoo، بازار جهانی بازی های ویدئویی در سال ۲۰۲۵ به حدود ۲۰۱۶ میلیارد دلار رسیده است. بنابراین، سرمایه گذاری در ورزش های الکترونیکی را باید در چارچوب یک اکوسیستم بسیار بزرگ تر دید؛ اکوسیستمی که شرکت های بازی سازی، تولید کنندگان سخت افزار، پلتفرم های پخش، رسانه ها، تبلیغ کنندگان، تیم های حرفه ای، بازیکنان، تولید کنندگان محتوا و حتی صنعت گردشگری را به یکدیگر متصل می کند.

اهمیت حضور عربستان در برگزاری ورزش های الکترونیکی

در این میان، اقدام عربستان سعودی از منظر اقتصاد ورزش اهمیت ویژه ای دارد. ریاض طی سال های اخیر تلاش کرده است بازی و ورزش های الکترونیکی را به یکی از پایه های اقتصاد جدید خود تبدیل کند. این کشور

در چارچوب برنامه های تنوع بخشی اقتصادی و چشم انداز ۲۰۳۰، به دنبال کاهش وابستگی اقتصاد به نفت و ایجاد صنایع جدید است. از این رو، بازی های الکترونیکی به دلیل ارتباط مستقیم با فناوری، جوانان، رسانه های دیجیتال و اقتصاد خلاق، یکی از حوزه هایی است که عربستان روی آن سرمایه گذاری سنگینی انجام داده است.





لیست همراهان نانوشته به ناگویا

ورزش چه بدهی به این آقایان دارد؟



سید رضا فیض آبادی

مشمول محدودیت شده است، چرا درباره برخی افراد قانون یکسان اجرا نمی‌شود؟ چرا درباره برخی رؤسای هیئت‌های ورزشی، موضوع «عطف به ماسبق نشدن» مطرح می‌شود و برای برخی دیگر چنین تفسیری صورت نمی‌گیرد؟ آقای وزیر، اگر قرار است قانون اجرا شود، شفاف و یکسان اجرا شود.

رؤسای هیئت‌های ورزشی نیز باید تعیین تکلیف شوند. اگر کسی مشمول محدودیت قانونی است، باید کنار برود و فرد واجد شرایط جایگزین شود. نمی‌شود قانون را برای یک عده اجرا کرد و برای عده‌ای دیگر با تفسیرهای مختلف، استثناساخت.

حالا همه اینها را بگذارید کنار ماجرای میزبانی ناگویا. ژاپنی‌ها بارها تأکید کرده‌اند که ظرفیت محل اسکان محدود است و از کشورهای مختلف خواسته‌اند تا حد امکان نفرات اضافه اعزام نکنند. حتی صحبت از استفاده از چادر، کانکس و فضاهای موقت برای اسکان برخی افراد مطرح شده است.

اما سؤال اینجاست: اگر قرار است کمبود جا وجود داشته باشد، چه کسی باید هزینه آن را بدهد؟

آیا قرار است ورزشکار و مربی و خبرنگار در شرایط نامناسب اسکان پیدا کنند و در مقابل، مدیران و همراهان غیرضروری در هتل‌های چندستاره اقامت داشته باشند؟ اگر واقعاً چنین اتفاقی رخ دهد، دیگر نمی‌توان اسم آن را «مدیریت کاروان» گذاشت.

کاروان ورزشی ایران باید در درجه اول متعلق به ورزشکاران و مربیان و کادر تخصصی باشد؛ نه محلی برای پاداش سفر، گردش مدیران و اعزام افراد غیرضروری.

این بار، بیش از همیشه، فهرست کامل کاروان باید منتشر شود؛ با ذکر نام، سمت، عنوان مأموریت و ضرورت حضور هر یک از همراهان.

مردم حق دارند بدانند برای هر نفر چقدر هزینه می‌شود و هر فرد دقیقاً چه خدمتی قرار است به کاروان ایران ارائه کند.

این مطالبه زیادی نیست؛ شفافیت، حداقل انتظار از مدیریت ورزش کشور است.

هر جا کاروانی راهی می‌شود، نام آنها هم به شکلی دیده می‌شود.

حتی نمونه سفرهای قبلی به منطقه و بازی‌های ناشنوايان ژاپن نیز هنوز از یادها نرفته است؛ سفرهایی که درباره هزینه‌ها و ضرورت حضور برخی افراد در آنها پرسش‌های جدی مطرح شد.

امروز اگر هزینه اعزام، پرواز، اقامت و سایر مخارج هر نفر را حدود یک میلیارد و پانصد میلیون تومان در نظر بگیریم، دیگر نمی‌توان از کنار این موضوع به سادگی عبور کرد.

اگر گفته می‌شود کاروان حدود ۵۲۲ نفر است، افکار عمومی حق دارد بداند چند نفر از این تعداد ورزشکار، مربی، کادر فنی، داور، پزشک، سرپرست و عوامل ضروری کاروان هستند و چند نفر با عناوین مختلف به این سفر اضافه شده‌اند.

چرا برخی افراد تلاش می‌کنند چندان در معرض دوربین‌ها دیده نشوند؟ چرا فهرست کامل همراهان با عنوان، سمت و مأموریت منتشر نمی‌شود؟ چرا باید مردم از تعداد و هویت واقعی افرادی که با هزینه عمومی به یک رویداد ورزشی اعزام می‌شوند، بی‌خبر باشند؟

آنجایی زور به آدم می‌آید که که مسافران یا همان بارهای اضافی تا سوال می‌شود: شما هم سلامتی عازم هستید بلافاصله گارد می‌گیرند که ما با هزینه شخصی می‌رویم و اصلاً در هتل جداگانه هستیم!

خب سلامتی. اما کسی که شخصی اقدام می‌کند یا کمبود دارد و یا ...

اینها سؤال‌های ساده‌ای است و پاسخ پیچیده‌ای هم نمی‌خواهد.

از طرف دیگر، موضوع بازنشستگان و مدیران فدراسیون‌ها هم نیازمند شفاف‌سازی است. اگر وزارت ورزش درباره ادامه فعالیت افرادی که بیش از سقف قانونی یا مقرر، در مسئولیت‌های ورزشی حضور داشته‌اند، دستورالعمل و بخشنامه‌ای صادر کرده است، باید دقیقاً مشخص شود این دستورالعمل شامل چه کسانی می‌شود و از چه تاریخی لازم‌الاجراست.

اگر فردی سال‌ها در یک مسئولیت حضور داشته و اکنون

این روزها انتشار فهرست کاروان اعزامی ایران به بازی‌های آسیایی ناگویا، دوباره سر و صداها و علامت سؤال‌های همیشگی را به وجود آورده است؛ سؤال‌هایی که هنوز پاسخی روشن و قانع‌کننده برای آنها داده نشده است. ورزشکاران که جای خود را دارند. آنها از کانال‌های رسمی عبور کرده‌اند، در مسابقات انتخابی شرکت کرده‌اند، مجوز حضور گرفته‌اند و به نمایندگی از کشورشان راهی مسابقات می‌شوند. قرار هم نیست همه آنها مدال بگیرند. ورزش قهرمانی همین است؛ یک نفر قهرمان می‌شود و دیگری شاید بدون مدال بر گردد، اما حضورش در چارچوب ضوابط و بر اساس شایستگی ورزشی تعریف شده است. اما مسئله اصلی، همراهان کاروان هستند.

امروز در فهرست اعزامی، نام بعضی از رؤسای فدراسیون‌ها دیده نمی‌شود، اما می‌دانیم که صدرصد در ناگویا حضور خواهند داشت. از سوی دیگر، آنچه بیش از همه محل سؤال است، حضور گسترده مدیران ستادی وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک است؛ مدیرانی که برخی رفته‌اند و برخی دیگر در حال بستن بار سفر هستند.

سؤال ساده است: این افراد دقیقاً با چه سمتی و برای انجام چه مأموریتی عازم ناگویا می‌شوند؟ اگر مأموریت مشخصی دارند، اعلام کنند. اگر مسئولیتی در کاروان دارند، عنوان و شرح وظایفشان را منتشر کنند. اما اگر قرار است مدیرانی که هیچ مسئولیت مستقیم و مشخصی در کاروان ندارند، صرفاً برای سفر و حضور در یک رویداد ورزشی اعزام شوند، باید پرسید: ورزش چه بدهی به این افراد دارد که حتماً باید آنها را به سفر ببرد؟

نمونه‌های این اتفاق را در سال‌های گذشته هم دیده‌ایم. مدیران و کارشناسانی که در سفرهای مختلف، از رویدادهای روستایی و عشایری گرفته تا مسابقات دانشجویی و کارگری، حضور دارند و تقریباً

خداداد مسئله نیست؛ آینه‌ای از فوتبال ماست



علیرضا فارسی

گاهی یک رفتار جنجالی در فوتبال، بیشتر از آنکه درباره فرد باشد، درباره محیطی است که آن فرد در آن رشد کرده و دیده شده است. رفتارهای تند و واکنشی برخی چهره‌های فوتبال، از جمله خداداد عزیزی، را نمی‌توان صرفاً با «عصبانی بودن» یا «بی‌پروایی» توضیح داد. بدون ارزیابی حرفه‌ای نیز نمی‌توان درباره شخصیت یا انگیزه‌های درونی یک فرد قضاوت کرد؛ اما می‌توان این رفتارها را از منظر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مدیریت بررسی کرد.

از منظر روان‌شناختی، یکی از کلیدهای اصلی خودتنظیمی هیجانی است. فوتبال محیطی سرشار از فشار، رقابت، شکست، انتقاد و قضاوت عمومی است. تفاوت آدم‌ها در این نیست که چه کسی عصبانی نمی‌شود؛ تفاوت در این است که چه کسی می‌تواند میان «احساس» و «واکنش» مکث ایجاد کند. گاهی یک جمله تند یا واکنش هیجانی، نتیجه سال‌ها عادت رفتاری و الگویی است که فرد در محیط رقابتی آموخته است. اگر این رفتار همزمان با توجه رسانه‌ای و محبوبیت بیشتر پاداش

بگیرد، احتمال تکرارش نیز افزایش پیدا می‌کند. اما رسانه نیز در این داستان بی‌تقصیر نیست. امروز یک جمله جنجالی بیشتر از یک تحلیل عمیق دیده می‌شود. یک درگیری لفظی می‌تواند ساعت‌ها سوز و برنامه‌های ورزشی باشد، در حالی که یک نقد کارشناسی شاید چند دقیقه بیشتر دوام نیاورد. بنابراین یک چرخه شکل می‌گیرد: جنجال، دیده‌شدن می‌آورد و دیده‌شدن، جنجال را تقویت می‌کند.

از منظر جامعه‌شناختی، فوتبال فقط ورزش نیست؛ میدان قدرت، هویت و سرمایه اجتماعی است. ستاره‌ای که سال‌ها تشویق شده و در مرکز توجه بوده، پس از پایان دوران بازی نیز سرمایه اجتماعی خود را با خود حمل می‌کند. طبیعی است که بعضی ستاره‌ها برای پذیرش نقش جدید خود به زمان نیاز داشته باشند. مسئله زمانی پیچیده می‌شود که منطق دوران بازی — جنگیدن، جواب دادن و عقب‌نشینی نکردن — وارد فضای رسانه و مدیریت شود.

فرهنگ فوتبالی نیز گاهی تندی را با «جسارت» اشتباه می‌گیرد. کسی که بلندتر حرف می‌زند، بیشتر جواب می‌دهد و کمتر کوتاه می‌آید، ممکن است «رک و شجاع» نامیده شود. اما مرز بسیار مهمی میان صراحت و پرخاشگری وجود دارد. از نگاه مدیریت، درس بزرگ‌تر اینجاست: ستاره بودن با رهبر بودن یکی نیست. کاریزما، شهرت و سابقه فنی می‌توانند فرد

را به یک چهره تأثیرگذار تبدیل کنند، اما رهبری حرفه‌ای به مهارت‌هایی مانند خودکنترلی، مدیریت تعارض، گوش دادن، ارتباط مؤثر و ایجاد اعتماد نیاز دارد.

رهبر واقعی کسی نیست که هیچ وقت عصبانی نمی‌شود؛ کسی است که اجازه نمی‌دهد خشم، هدف او را تعیین کند. می‌تواند محکم باشد بدون آنکه تحقیر کند، منتقد باشد بدون آنکه دشمن بسازد و صریح باشد بدون آنکه از مرز احترام عبور کند.

بنابراین شاید مسئله اصلی، خداداد عزیزی یا هر چهره دیگری نباشد. مسئله، فرهنگی است که از یک طرف از چهره‌های صریح می‌خواهد حرف بزنند و از طرف دیگر برای جنجال، پاداش رسانه‌ای بیشتری در نظر می‌گیرد.

فوتبال به آدم‌های متفاوت نیاز دارد؛ به صداها منتقد، جسور و حتی گاهی تند. اما فوتبال حرفه‌ای باید از آنها یک گام بیشتر بخواهد: مسئولیت‌پذیری در قبال قدرتی که در اختیار دارند. شاید بلوغ واقعی یک ستاره زمانی اتفاق می‌افتد که بفهمد در زمین مسابقه، قدرت یعنی غلبه بر حریف؛ اما در رهبری، قدرت واقعی یعنی توانایی کنترل خود و ساختن اعتماد در دیگران. بنابراین یک جمله کلیدی می‌توان گفت: خداداد مسئله فوتبال ما نیست؛ خداداد می‌تواند آینه‌ای باشد که بخشی از فرهنگ فوتبال ما را به خودمان نشان می‌دهد.

فدراسیون فوتبال و تصمیمی که می‌تواند برای همیشه جلوی ناهنجاری‌ها را بگیرد!

خداداد با خودش و با فوتبال چه می‌کند؟!

نوع رفتارها پایان دهد و یا اینکه بر شدت چنین رفتارهایی بیافزاید و این دیگر با مدیران تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز فدراسیون فوتبال است که ببینند کدام راه را باید انتخاب کرده و برای مقابله با این بی‌اخلاقی برگزینند و این همان کار بزرگی است که مردم از فوتبال و مسئولان آن انتظار دارند. اینکه چنین اتفاقاتی را به دست گذشت زمان بسپاریم تا به نوعی از حافظه مردم و اهالی فوتبال دور شود اشتباه مضاعف دیگری است که نباید مسئولان فوتبال ایران مرتکب آن شوند.

هرچند که پاسخ به چنین سوالی را دیگر، همگان می‌دانند و نیازی هم به توضیحات اضافه ندارد!

بدون شک خداداد عزیزی خودش مقصر تمامی این اتفاقات است و جالب اینکه آتن نیز به او داده می‌شود تا اهالی فوتبال و مردم عادی سوالات بسیاری در ذهنشان نقش ببندد که چه بر سر حماسه‌ساز ملبورن آمده است که به این اندازه از خود بیخود شده و خودش را در حد و اندازه مدعی العموم فوتبال ایران می‌داند. فوتبالی که خودش به اندازه کافی حواشی دارد و دیگر حرکات و گفتارهای امثال خداداد عزیزی تنها بر حواشی بیشتر آن دامن می‌زند.

چنین بنظر می‌رسد که فدراسیون فوتبال و کمیته انضباطی و اخلاق آن امروز در مقابل یکی از سخت‌ترین تصمیمات دوران کاری خود قرار گرفته‌اند. تصمیمی که می‌تواند یا برای همیشه به این



یعقوب سالکی‌نیا

بدون شک مقصر اصلی اتفاقات اخیر فوتبال ایران، نه خداداد عزیزی است، نه امید عالیشاه و نه ... بلکه مقصر اصلی فدراسیون فوتبالی است که در برخورد با ناهنجاری‌های این چنینی همواره مماشیات می‌کند و از کنار آنها به سادگی می‌گذرد تا فضا را برای کارهای این چنینی دیگر باز بگذارد. خداداد عزیزی در اتفاقات اخیر حرفه‌هایی را به زبان آورده است که کلمه به کلمه اش برای او و برای فوتبال ایران تبعات بسیاری را می‌تواند به همراه داشته باشد. البته این را هم باید یادآور شد که این اولین اشتباه فاحش خداداد عزیزی نبوده و آخرین آن هم نخواهد بود. چرا که حماسه‌ساز ملبورن مدت‌های مدیدی است که با کلماتش و با رفتارش در مسیر سقوط قرار گرفته و رنگ تیره‌ای بر خاطرات خوب مردم از ملبورن می‌پاشد. در کنار فدراسیون فوتبال باشگاه تراکتورسازی هم مقصر است! باشگاهی که مدیرانش باید توضیح دهند که با چه هدف و منظوری خداداد عزیزی را به خدمت گرفته‌اند.

«» خبرهای چند خطی «»

هزینه ۵۰۰ میلیاردی پرسپولیس برای رضایتنامه



با اختلاف قابل توجهی همراه بود. حالا با آغاز فصل جدید، سؤال مهم برای هواداران پرسپولیس این است که خروجی این هزینه سنگین چه خواهد بود؟ آیا بازیکنانی که برای جذب آنها میلیاردها تومان هزینه شده، می‌توانند در ترکیب تیم مهدی تارنار به مهره‌های تأثیرگذار تبدیل شوند و انتظارات را برآورده کنند یا بخشی از این هزینه‌ها در طول فصل بدون بازده فنی باقی خواهد ماند؟

تومان برآورد می‌شود؛ رقمی قابل توجه که طبیعتاً انتظارات از خریدهای جدید سرخپوشان را نیز افزایش داده است. پرسپولیس در شرایطی چنین هزینه‌ای را برای جذب بازیکنان جدید متحمل شده که برخی از این بازیکنان از تیم‌هایی جذب شده‌اند که برای صدور رضایتنامه آنها رقم‌های سنگینی مطالبه کرده‌اند. برای نمونه، مذاکرات پرسپولیس با نساجی برای جذب دانیال ایری نیز بر سر مبلغ رضایتنامه

باشگاه پرسپولیس در نقل و انتقالات تابستانی یکی از فعال‌ترین تیم‌های بازار بوده و برای تقویت ترکیب خود سراغ چند بازیکن تحت قرارداد با باشگاه‌های دیگر رفته است؛ بازیکنانی که جذب آنها مستلزم پرداخت مبالغ قابل توجهی بابت رضایتنامه بوده است.

با اعلام پیمان حدادی مدیرعامل باشگاه پرسپولیس، مجموع مبالغی که این باشگاه برای دریافت رضایتنامه بازیکنان جدید در این پنجره نقل و انتقالاتی هزینه کرده، در حدود ۵۰۰ میلیارد

صفحه خبری الکره الاماراتیه اعلام کرد طارمی زیر قیمت به امارات رفت



نهایت امارات را انتخاب کند. حالا سایت اماراتی باذوق زدگی می‌نویسد: مهدی طارمی یکی از سرشناس‌ترین بازیکنان بین‌المللی ایران است و برای تیم‌های مطرح اینتر و پورتو بازی کرده اما الوصل برای جذب این ستاره «مبلغی ناچیز» به المپیکوس برای دریافت رضایت‌نامه پرداخت کرده است. مبلغی که باشگاه الوصل برای خرید طارمی پرداخت کرده یک ششم پولی است که المپیکوس برای خرید طارمی به اینتر (۲.۵ میلیون یورو) پرداخت کرده بود.

یک رسانه اماراتی مهدی طارمی را خریدی «ارزان و اقتصادی» نامید.

صفحه خبری الکره الاماراتیه مبلغ انتقال مهدی طارمی از المپیکوس به الوصل را تنها ۴۰۰ هزار یورو اعلام کرد. طارمی با این مبلغ ارزان‌ترین لژیونر الوصل لقب گرفت. باشگاه الوصل روز گذشته امضای قرارداد با مهدی طارمی را اعلام کرد.

مهاجم تیم ملی کشورمان بعد از یک سال بازی برای المپیکوس در لیست فروش تیم یونانی قرار گرفت تا در

ورزشکار ۱۰۶ ساله در مسابقات جهانی



و رقابت‌های امسال در ورزشگاه دایگو برگزار می‌شود. حضور یک ورزشکار ۱۰۶ ساله در چنین سطحی، بار دیگر توجه رسانه‌ها را به ورزشکاران سالخورده و ادامه فعالیت حرفه‌ای آنها در بالاترین سطح رقابت‌های پیشکسوتان جلب کرده است.

ورزشکار ۱۰۶ ساله تایلندی، ساوانگ جانپرام، به عنوان مسن‌ترین شرکت‌کننده مسابقات جهانی دوومیدانی پیشکسوتان ۲۰۲۶ در دنگو کره جنوبی حضور دارد.

مسابقات جهانی پیشکسوتان دوومیدانی، ورزشکاران رده‌های سنی مختلف را دربرمی‌گیرد

یوفا خواستار استعفای اینفانتینو شد



یوفا می‌گوید: ۵۵ فدراسیون عضو آن از این اقدام حمایت می‌کنند. برای آغاز روند رأی عدم اعتماد، کسب ۴۳ رأی لازم است.

اتحادیه فوتبال اروپا (UEFA) به جیانی اینفانتینو، رئیس فدراسیون بین‌المللی فوتبال «فیفا»، اعلام کرده است که در صورت کنارگیری نکردن، با رأی عدم اعتماد روبه‌رو خواهد شد.

اندک منبع در آمد ملوانان هم قطع شد!

پلمپ فروشگاه!

هواداری یکی از پایدارترین منابع در آمد باشگاه‌های حرفه‌ای محسوب می‌شود و توقف فعالیت فروشگاه رسمی، علاوه بر کاهش در آمد، از تباطؤ تجاری باشگاه با هواداران را نیز تضعیف می‌کند. در حالی که بسیاری از باشگاه‌های جهان بر توسعه درآمدهای تجاری و فروش کالاهای دارای برند سرمایه‌گذاری می‌کنند، از دست رفتن چنین ظرفیتی برای ملوان، نشانه‌ای از ضعف زیرساخت‌های اقتصادی و مدیریتی در فوتبال ایران است.

در شرایطی که ملوانان با مشکلات مالی بسیاری روبرو هستند، خبر رسید که فروشگاه رسمی این باشگاه به دلیل نداشتن پروانه کسب پلمپ شده است. این فروشگاه که تنها فروشگاه رسمی یکی از باشگاه‌های حاضر در لیگ ایران است، محل اندک درآمدهای برای باشگاه از طریق فروش پیراهن و اقلام دیگر ورزشی با نام ملوان بود. اینکه چرا تا امروز پروانه کسب فروشگاه اخذ نشده بود سؤال مهمی است. از منظر اقتصاد ورزش، فروش محصولات



HOODIE

هودی طرح ملوان

خرید هودی

پیشنهاد دیوانه‌وار عربستان به مسی

۱۵۰۰ میلیون یورو

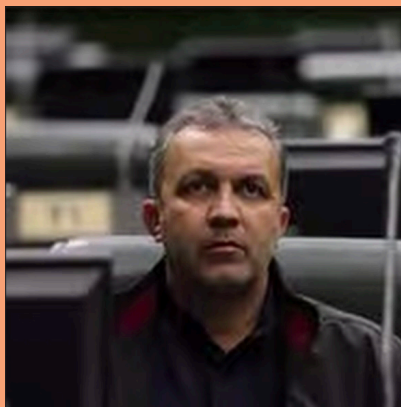


میامی آمریکا با دستمزد سالانه ۵۰ میلیون دلار منتقل شد. رئیس وقت باشگاه الاتحاد فاش می‌کند «چیزی که بیش از همه ما را شگفت زده کرد این بود که مسی حتی یک ثانیه هم تردید نکرد و این پیشنهاد را رد کرد.» براساس اعلام این مدیر باشگاه سعودی، مسی می‌توانست تلاش کند خانواده‌اش را متقاعد کند، اما خانواده را بر پول ترجیح داد و به آمریکا رفت. پیشنهادی که عربستان به مسی داده اندازه در آمد ۲۰ ساله این اسطوره در دوران فوتبالی‌اش بود.

مسی پیشنهاد ۱۵۰۰ میلیون یورویی ما را رد کرد، این افشاگری انمار الحائلی، رئیس وقت باشگاه الاتحاد از پیشنهاد نجومی که به اسطوره آرژانتینی قبل از انتقال به اینتر میامی دادند، است. این پیشنهاد سعودی‌ها ۱۵ برابر پیشنهاد باشگاه آمریکایی بود. صندوق سرمایه‌گذاری سعودی با درخواست محمد بن سلمان تابستان ۲۰۲۳ برای جذب لیونل مسی اقدام کرد؛ اما اسطوره آرژانتینی در آن زمان این پیشنهاد بزرگ سعودی‌ها رد کرد و به اینتر

اعتراض یکی از نمایندگان خانه ملت به اعزام کاروانی که به قرقیزستان رفت

فروردین: اعزام مبهم و غیر شفاف کاروان ورزشی به نام عشایر را با حساسیت دنبال خواهیم کرد!



انتخاب شده است باید سهم و جایگاه واقعی جامعه ورزش عشایری نیز در آن به صورت روشن مشخص باشد و فرصت‌ها و ظرفیت‌های متعلق به عشایر نباید خارج از چهارچوب‌های شفاف و عادلانه در اختیار افراد یا مجموعه‌های دیگر قرار گیرد. فروردین تصریح کرد؛ همانگونه که نمایندگان مناطق عشایر نشین در مجلس در موضوع ادغام سازمان امور عشایر با معاونت مناطق محروم ریاست جمهوری با جدیت از حفظ جایگاه و هویت مستقل حوزه عشایر دفاع کرده و مانع اجرای این تصمیم شدند در حوزه ورزش نیز تمام قد از حقوق و منافع جامعه عشایری دفاع خواهیم کرد.

محمد مهدی فروردین نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی با اشاره به ابهامات مطرح شده درباره اعزام یک کاروان ورزشی به نام عشایر به کشور قرقیزستان بر ضرورت شفاف‌سازی کامل فرایند انتخاب اعزام و بهره‌مندی ورزشکاران از این ظرفیت تأکید کرد. فروردین گفت: موضوع اعزام این کاروان را با حساسیت و دقت دنبال خواهیم کرد و انتظار می‌رود متولیان امر به صورت شفاف اعلام کنند این کاروان بر اساس چه سازوکاری و با چه شاخص‌هایی و از میان کدام ورزشکاران و مجموعه‌ها انتخاب و اعزام شده‌اند. وی افزود؛ اگر عنوان عشایر برای این اعزام



باشگاهدار، کجای نظام باشگاهداری ایستاده است؟

پانزده پرسش جدی درباره لایحه

نظام باشگاهداری و آیین نامه‌های در حال تدوین



حسن میرزا آقاییک

دولتی باشند و فقط یک نفر باشگاهدار باشد، این پرسش جدی مطرح می‌شود این کمیسیون برای باشگاه‌ها تصمیم می‌گیرد یا باشگاه‌ها؟ باشگاهدار نباید فقط یک عضو تشریفاتی باشد. کسی که سرمایه خود را وارد ورزش کرده، اشتغال ایجاد کرده، هزینه پرداخت می‌کند بدون کمک دولتی و مسئولیت فعالیت باشگاه را بر عهده دارد، باید در تصمیم‌گیری درباره سرنوشت باشگاه‌ها سهم واقعی داشته باشد.

سؤال ششم: دولت ناظر است یا مدیر باشگاه؟

هدف نظام جدید باشگاهداری باید کاهش تصدی‌گری و افزایش نظارت حرفه‌ای باشد اگر قرار باشد دولت از یک طرف مجوز بدهد، از طرف دیگر عضو کمیسیون باشد، سپس درباره فعالیت باشگاه تصمیم بگیرد و در نهایت خودش نیز در ساختارهای مختلف ورزشی حضور داشته باشد، سؤال این است:

پس نقش واقعی بخش خصوصی کجاست؟ دولت باید سیاست‌گذار و ناظر باشد؛ باشگاهدار باید باشگاه را اداره کند. این مرز اگر روشن نشود، هر قانون جدیدی نیز ممکن است دوباره ما را به همان نقطه اول بازگرداند.

سؤال هفتم: چرا باشگاه حرفه‌ای حتماً باید حقوقی باشد؟

یکی از موضوعاتی که نیازمند توضیح کارشناسی است، الزام شخصیت حقوقی برای فعالیت حرفه‌ای است واقعاً چرا؟

آیا شخص حقیقی نمی‌تواند سرمایه‌گذاری کند، باشگاه ایجاد کند، حساب مالی شفاف داشته باشد، مالیات بپردازد، بیمه کارکنان را پرداخت کند و پاسخگوی عملکرد خود باشد؟ اگر مشکل، شفافیت و پاسخگویی است، شفافیت و پاسخگویی را الزام کنیم. اگر مشکل، فرار مالیاتی است، نظام مالیاتی و حسابرسی دقیق ایجاد کنیم، اگر مشکل، قراردادهای استاندارد و ضمانت اجرایی تعریف کنیم. اما صرفاً تغییر «حقیقی» به «حقوقی» الزاماً مشکل باشگاهداری را حل نمی‌کند در صورتی که مغایر با قانون تاسیس باشگاه می‌باشد که به هر دو اجازه فعالیت داده است.

سؤال هشتم: چرا از اساسنامه‌هایی که خودشان محل نقدند الگوبرداری کنیم؟

نظام جامع باشگاهداری باید محصول یک مطالعه جامع باشد. نباید برای نوشتن قانون جدید، صرفاً

مالی و سایر امتیازات برای باشگاه‌های حرفه‌ای، قهرمانی و همگانی، سلامت‌محور پیش‌بینی شده است؟ یا قرار است بیشترین حمایت‌ها نصیب باشگاه‌های حرفه‌ای شود؟ باشگاه سلامت‌محور که هزاران نفر را برای سلامتی و پیشگیری از بیماری‌ها فعال می‌کند، چه جایگاهی در نظام حمایتی دارد؟ اگر چنین باشگاهی در کاهش هزینه‌های درمان و افزایش سلامت جامعه نقش دارد، چرا نباید در نظام باشگاهداری کشور جایگاه مشخصی داشته باشد؟

سؤال سوم: اتحادیه باشگاه‌ها نماینده چه کسانی است؟

یکی از موضوعات مهم، تشکیل اتحادیه‌های استانی باشگاه‌هاست اما اگر عضویت در اتحادیه به باشگاه‌های حرفه‌ای محدود شود، باید پرسید پس تکلیف باشگاه‌های قهرمانی، پایه، استعدادیابی و همگانی چه می‌شود؟ آیا آنها باشگاه نیستند؟ آیا مالیات، اجاره، بیمه، حقوق مربیان، هزینه تجهیزات و سایر مشکلات اقتصادی آنها متفاوت است؟ اگر اتحادیه قرار است «اتحادیه باشگاه‌های ورزشی» باشد، باید نماینده کل باشگاه‌های ورزشی باشد

سؤال چهارم: شرط تعداد باشگاه حرفه‌ای در استان چقدر عملی است؟

در برخی پیشنهادها، تشکیل اتحادیه استانی منوط به وجود حداقل تعداد مشخصی باشگاه حرفه‌ای از یک رشته در استان شده است. اینجا باید با واقعیت ورزش کشور مواجه شویم. برای مثال در فوتبال، با وجود قدمت تاریخی و گستردگی این رشته، آیا در همه استان‌ها تعداد مورد نیاز باشگاه حرفه‌ای وجود دارد؟ یا در گیلان با این همه قدمت، سابقه و ظرفیت فوتبال، می‌توان صرفاً بر مبنای چنین شرطی درباره امکان تشکیل اتحادیه تصمیم گرفت؟ اگر پاسخ منفی است، آیا نباید معیار را اصلاح کرد؟ قانون باید واقعیت‌های ورزش کشور را ببیند، نه اینکه ورزش کشور را مجبور کنیم خود را با یک جدول اداری تطبیق دهد

سؤال پنجم: چرا باشگاهدار در اقلیت است؟

اگر قرار باشد کمیسیون استانی درباره باشگاه‌ها تصمیم بگیرد، ترکیب آن باید منعکس‌کننده واقعیت باشگاهداری باشد. وقتی از اعضا بیشترین نفر نماینده دستگاه‌های

سال‌هاست جامعه ورزش ایران منتظر یک نظام جامع، شفاف و عادلانه برای باشگاهداری است؛ نظامی که بتواند تکلیف دولت، فدراسیون‌ها، بخش خصوصی، باشگاه‌ها و صاحبان سرمایه را روشن کند.

اصل این حرکت، بدون تردید، اقدامی مثبت و ضروری است؛ اما یک نگرانی جدی وجود دارد: آیا در مسیر تدوین نظام جدید باشگاهداری، واقعاً قرار است مشکلات باشگاه‌ها حل شود یا فقط یک ساختار اداری جدید به ساختارهای قبلی اضافه خواهد شد؟ این نگرانی زمانی جدی‌تر می‌شود که برخی مفاد و دستورالعمل‌های در حال تدوین را در کنار واقعیت امروز باشگاهداری کشور قرار می‌دهیم.

معتقدم اگر امروز اشکالات احتمالی را نبینیم، فردا اصلاح آنها بسیار دشوار خواهد بود. پس مراقب باشیم برای خروج از چاله، به چاه نیفتیم.

سؤال اول: باشگاه در نظام جدید دقیقاً چیست؟ آیا باشگاه فقط یک مجموعه حرفه‌ای است؟

پاسخ روشن است: خیر امروز باشگاه‌های کشور حداقل در سه حوزه مهم فعالیت می‌کنند باشگاه حرفه‌ای، باشگاه قهرمانی و استعدادیابی، باشگاه همگانی و سلامت‌محور باشگاه حرفه‌ای به دنبال رقابت حرفه‌ای، درآمد، سرمایه‌گذاری و حضور در مسابقات است. باشگاه قهرمانی، کارخانه تولید قهرمان و یکی از پایه‌های ورزش ملی است. باشگاه همگانی و سلامت‌محور نیز مستقیماً با سلامت مردم، کاهش کم‌تحرکی، نشاط اجتماعی و سبک زندگی جامعه ارتباط دارد. بنابراین سؤال اساسی این است. آیا این سه بخش در نظام جدید باشگاهداری به صورت عادلانه و متوازن دیده شده‌اند؟ اگر قرار است باشگاهداری را یک نظام واحد بدانیم، نباید یکی را اصل و دیگری را فرع بدانیم.

سؤال دوم: امتیازات هم برای همه است؟

اگر دولت برای توسعه باشگاهداری حمایت‌هایی در نظر می‌گیرد، این حمایت‌ها شامل چه کسانی خواهد شد؟ آیا تسهیلات، معافیت‌ها، کمک‌های دولتی، دسترسی به اماکن ورزشی، حمایت‌های

به مقررات موجود نگاه کنیم و آنها را با تغییر چند واژه وارد ساختار جدید کنیم. به خصوص اگر قرار باشد از اساسنامه فدراسیون فوتبال الگوبرداری شود، باید پرسید آیا تمام مفاد آن اساسنامه بی نقص است؟ اگر خود ساختارهای موجود نیازمند اصلاح هستند، چرا باید مشکلات احتمالی آنها را به قانون جدید منتقل کنیم؟ ما باید از تجربه فوتبال و سایر رشته‌ها استفاده کنیم، اما کپی برداری نباید جای قانون گذاری کارشناسی را بگیرد.

سؤال نهم: باشگاه‌های کوچک چه می‌شوند؟ ورزش ایران فقط چند باشگاه بزرگ که با پول دولتی اداره می‌شود و شناخته شده نیست. هزاران باشگاه کوچک و متوسط در سراسر کشور فعالیت می‌کنند، بسیاری از آنها بدون حمایت دولتی و با سرمایه شخصی اداره می‌شوند. اگر نظام جدید، فقط بر اساس باشگاه‌های بزرگ و حرفه‌ای طراحی شود، چه اتفاقی برای این مجموعه‌ها خواهد افتاد؟ آیا قرار است نظام جدید، باشگاه‌های کوچک را توانمند کند یا آنها را از میدان خارج کند؟

سؤال دهم: باشگاه‌دار چه سهمی از تصمیم‌گیری دارد؟

یکی از اصول مهم نظام باشگاه‌داری باید این باشد. هیچ تصمیم مهمی درباره باشگاه‌ها بدون حضور و نظر واقعی باشگاه‌ها اتخاذ نشود، اگر قرار است آیین‌نامه‌ای برای باشگاه نوشته شود، حداقل باید از نمایندگان واقعی باشگاه‌ها نظرخواهی شود، نه اینکه آیین‌نامه ابتدا نوشته شود و بعد برای اطلاع باشگاه‌ها ارسال شود.

سؤال یازدهم: حمایت از باشگاه یعنی چه؟

حمایت فقط پرداخت پول نیست، حمایت می‌تواند شامل، معافیت یا تخفیف‌های قانونی، دسترسی عادلانه به اماکن ورزشی، تسهیلات بانکی، کاهش بروکراسی، حمایت بیمه‌ای، مشوق‌های مالیاتی، حمایت از استعدادیابی، تسهیل صدور مجوز و حمایت از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی باشد. بنابراین باید مشخص شود. دولت دقیقاً چه تعهداتی در برابر باشگاه‌ها خواهد داشت؟

سؤال دوازدهم: آیا باشگاه سلامت محور هم به اندازه باشگاه حرفه‌ای مهم است؟
جامعه امروز با کم تحرکی، چاقی، بیماری‌های غیرواگیر و کاهش

فعالیت بدنی مواجه است باشگاه همگانی می‌تواند یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست سلامت کشور باشد پس چرا باشگاه سلامت محور نباید از حمایت‌های قانونی و اقتصادی مشخص برخوردار باشد؟

اگر باشگاه قهرمان تولید می‌کند، باشگاه همگانی انسان سالم تولید می‌کند. هر دو برای کشور ارزشمندند

سؤال سیزدهم: آیا آیین‌نامه جدید سرمایه‌گذار را جذب می‌کند؟

سرمایه‌گذار با یک سؤال ساده وارد ورزش می‌شود. آیا محیط کسب و کار من قابل پیش‌بینی است؟

اگر مقررات هر سال تغییر کند، مجوزها پیچیده باشد، مسئولیت‌ها روشن نباشد و تصمیم‌گیری‌ها سلیقه‌ای باشد، سرمایه‌گذار حرفه‌ای وارد این حوزه نخواهد شد. بنابراین نظام باشگاه‌داری باید قبل از هر چیز امنیت سرمایه‌گذاری ایجاد کند.

سؤال چهاردهم: باشگاه‌دار باید شریک باشد، نه متهم‌همیشگی؟

متأسفانه در بخشی از نگاه مدیریتی، باشگاه خصوصی ابتدا به عنوان یک متهم بالقوه دیده می‌شود. این نگاه باید تغییر کند. باشگاه‌دار سرمایه خود را وارد ورزش کرده است. او باید

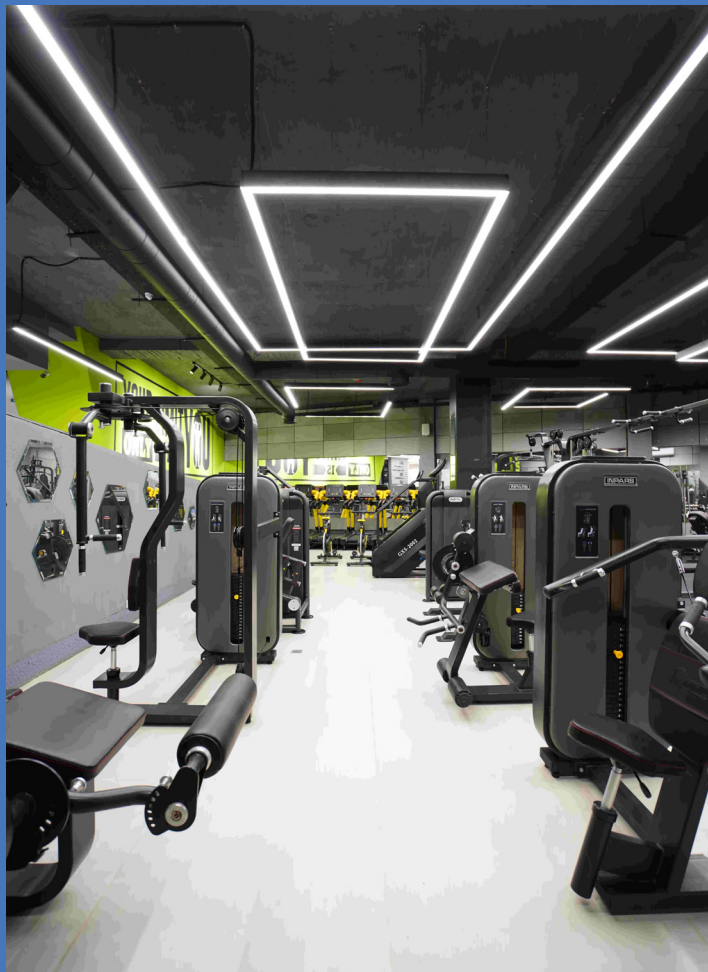
قانونمند، شفاف و پاسخگو باشد؛ اما در مقابل، دولت نیز باید قانونمند، شفاف و پاسخگو باشد. رابطه دولت و باشگاه نباید رابطه «دستوردهنده و دستورگیرنده» باشد. باید رابطه سیاست‌گذار و مجری حرفه‌ای باشد

سؤال پانزدهم: آیا صدای واقعی باشگاه‌داران شنیده شده است؟

شاید مهم‌ترین سؤال همین باشد قبل از نهایی شدن آیین‌نامه‌ها، آیا با باشگاه‌داران رشته‌های مختلف جلسه گذاشته شده است. آیا مشکلات باشگاه‌های حرفه‌ای شنیده شده؟ آیا باشگاه‌های قهرمانی و پایه نظر داده‌اند؟ آیا باشگاه‌های همگانی و سلامت محور در تدوین مقررات حضور داشته‌اند؟ آیا تشکل صنفی باشگاه‌داران در این فرآیند نقش واقعی داشته است؟ اگر پاسخ مثبت است، نتایج این مشورت‌ها کجاست؟ و اگر پاسخ منفی است، هنوز فرصت داریم. حالا وقت اصلاح است، نه بعد از اجرا.

معتقدم اصل حرکت به سمت نظام جامع باشگاه‌داری باید با جدیت دنبال شود. ورزش ایران به یک قانون جامع، شفاف و پایدار نیاز دارد. اما قانون خوب، قانونی نیست که فقط در اتاق‌های اداری نوشته شود. قانون خوب باید صدای میدان ورزش را بشنود. اگر قرار است نظام باشگاه‌داری تصویب شود، باید باشگاه‌دار در قلب آن قرار داشته باشد. نه در حاشیه، نه به عنوان یک عضو اقلیت، نه صرفاً برای دریافت مجوز، بلکه به عنوان یکی از ارکان اصلی تصمیم‌سازی و اداره ورزش کشور. امروز هنوز فرصت داریم، ترکیب کمیسیون‌ها را اصلاح کنیم. فرصت داریم تعریف باشگاه را کامل کنیم، فرصت داریم باشگاه‌های حرفه‌ای، قهرمانی و همگانی را عادلانه ببینیم. فرصت داریم جایگاه اتحادیه‌ها را بازتعریف کنیم، فرصت داریم درباره شخصیت حقیقی و حقوقی باشگاه‌ها با نگاه کارشناسی تصمیم بگیریم و فرصت داریم از تجربه‌های گذشته استفاده کنیم، بدون آنکه اشتباهات گذشته را دوباره تکرار کنیم

بیایید از اول راه، درست حرکت کنیم، چون اگر قرار است برای نجات باشگاه‌داری از چاله بیرون بیاییم، باید مطمئن شویم مسیری که انتخاب کرده‌ایم، ما را به چاه نمی‌رساند، نظام باشگاه‌داری باید برای باشگاه‌ها، با باشگاه‌ها و با حضور واقعی باشگاه‌داران نوشته شود



آیا مشکل داوری ایران، داور است یا سیستم؟

وقتی از افت کیفیت داوری صحبت می کنیم آیا فقط باید داور را ببینیم؟



علیرضایزدانی

هرگاه سخن از مشکلات داوری فوتبال ایران به میان می آید، معمولاً نخستین نگاه‌ها متوجه خود داوران است؛ تصمیم اشتباه، مدیریت ضعیف مسابقه، خطای تشخیص، عدم تمرکز یا حتی عملکرد نامناسب در استفاده از فناوری، اما شاید لازم باشد یک قدم عقب‌تر بایستیم و سؤال مهم‌تری مطرح کنیم: آیا مشکل داوری ایران، فقط داور است یا باید سیستم را نیز مورد ارزیابی قرار داد؟ این سؤال نه برای تبرئه داوران مطرح می‌شود و نه برای متهم کردن مدیران، بلکه برای یافتن ریشه مسئله است. زیرا داور خوب، محصول یک اتفاق نیست.

داور خوب نتیجه یک فرآیند است، فرایندی که از استعدادیابی آغاز می‌شود، با آموزش علمی و مستمر ادامه پیدا می‌کند، در مسابقات مختلف با نظارت و ارزیابی تخصصی تکامل می‌یابد و در نهایت از طریق یک مسیر شفاف و حرفه‌ای ارتقاء به سطوح بالاتر می‌رسد. اگر در هر حلقه‌ای از این زنجیره اشکالی وجود داشته باشد، نمی‌توان انتظار داشت که خروجی نهایی همیشه مطلوب باشد. آیا ما داور تربیت می‌کنیم یا فقط کلاس داوری برگزار می‌کنیم؟

این شاید یکی از جدی‌ترین پرسش‌هایی باشد که باید امروز در فوتبال ایران مطرح شود.

برگزاری کلاس داوری، آموزش قوانین، برگزاری آزمون و صدور گواهینامه، قطعاً بخشی از فرایند آموزش است، اما تربیت داور با برگزاری کلاس تفاوت دارد.

تربیت داور یعنی: استعدادیابی صحیح، آموزش قوانین و تفسیر آنها، آموزش مدیریت مسابقه، آمادگی جسمانی، تجربه عملی، نظارت و ارزیابی بازخورد مستمر، اصلاح اشتباهات و در نهایت، ایجاد مسیر مشخص برای رسیدن به سطح حرفه‌ای. در فوتبال مدرن، قوانین بازی نیز دائماً در حال تحول است و از فصل ۲۰۲۶ تغییرات متعددی در حوزه‌هایی مانند مدیریت زمان، تعویض‌ها، مصدومیت‌ها، VAR و حتی

استفاده احتمالی از دوربین بدنی داوران اعمال شده است. بنابراین، آموزش داور نمی‌تواند با یک دوره آموزشی و یک آزمون پایان یابد. داور باید دائماً آموزش ببیند، ارزیابی شود و به روز بماند.

درآمدزایی از آموزش؛ مسئله کجاست؟

باید در اینجا منصف بود، دریافت شهریه برای برگزاری دوره‌های آموزشی، به خودی خود نمی‌تواند موضوع انتقاد باشد. آموزش هزینه دارد و طبیعی است که برگزاری دوره، مدرسه، امکانات، آزمون و سایر فرایندهای آموزشی هزینه‌هایی داشته باشد. اما پرسش اصلی جای دیگری است: آیا هدف اصلی، تربیت داور با کیفیت است یا افزایش تعداد کلاس‌ها و شرکت‌کنندگان؟

این دو هدف الزاماً یکسان نیستند. اگر آموزش به یک فرایند صرفاً درآمدزا تبدیل شود، ممکن است به تدریج تعداد کلاس‌ها افزایش پیدا کند، تعداد گواهینامه‌ها بیشتر شود و آمار آموزش جذاب‌تر به نظر برسد؛ اما این سؤال همچنان باقی است:

از این تعداد داور آموزش دیده، چند نفر واقعاً به داوران با کیفیت تبدیل شده‌اند؟ به اعتقاد من، شاخص موفقیت آموزش داوری نباید فقط تعداد دوره‌های برگزار شده باشد. شاخص واقعی باید کیفیت خروجی باشد.

اگر داور ضعیف است، سیستم چه سهمی دارد؟

فرض کنیم داوری در یک مسابقه مهم اشتباه می‌کند.

اولین واکنش معمولاً این است که بگوییم داور ضعیف بود. اما یک سیستم حرفه‌ای باید سؤال‌های دیگری هم مطرح کند: این داور چگونه وارد سیستم شد؟ چه کسی استعداد او را شناسایی کرد؟ چه آموزش‌هایی دیده است؟ چند مسابقه برای کسب تجربه قضاوت کرده است؟ چند بار توسط ناظران متخصص ارزیابی شده است؟ پس از اشتباهاتش چه بازخوردی دریافت کرده‌اند؟ آیا اشتباهات او تحلیل شده‌اند؟ آیا برنامه مشخصی برای اصلاح نقاط ضعفش وجود داشته است؟ و مهم‌تر از همه: چه کسی مسئولیت دارد مطمئن شود داوری که به یک سطح بالاتر می‌رسد، واقعاً برای آن سطح آماده است؟ اگر پاسخ این پرسش‌ها روشن نباشد، نمی‌توان تمام مسئولیت را بر دوش داور گذاشت. آیا سطح داوری ایران کاهش یافته است؟

اینجا باید بسیار محتاط و حرفه‌ای صحبت کنیم. نمی‌توان صرفاً بر اساس چند اشتباه داوری یا ابلاغ یک داور به مسابقات سطح پایین‌تر، حکم به افت کلی داوری ایران داد. اما می‌توان و باید روندها را بررسی کرد.

برای مثال: چند داور جوان در پنج سال گذشته وارد سطح بالای فوتبال شده‌اند؟ چند داور مستعد از سطوح پایه شناسایی و حفظ شده‌اند؟ میانگین سنی داوران سطوح مختلف چگونه تغییر کرده است؟ چند داور ایرانی به سطوح بالای AFC و FIFA رسیده‌اند؟ چه تعداد از داوران جوان توانسته‌اند مسیر ارتقای خود را به‌طور مستمر طی کنند؟ نمرات و ارزیابی‌های فنی داوران در یک دوره چندساله چه روندی داشته است؟

اینها سؤال‌هایی هستند که می‌توانند به جای برداشتهای شخصی، تصویر واقعی‌تری از وضعیت داوری ایران ارائه کنند.

ابلاغ لیگ پایین‌تر، الزاماً به معنای افت داور نیست.

گاهی گفته می‌شود که چرا برخی داوران، به خصوص داوران با تجربه، بیشتر در مسابقات

سطوح پایین‌تر قضاوت می‌کنند. اما باید توجه داشت که یک ابلاغ به تنهایی نمی‌تواند معیار ارزیابی کیفیت داور باشد. ممکن است این موضوع به دلیل جوان‌گرایی، برنامه ارزیابی، آماده‌سازی برای ارتقاء، شرایط جسمانی، سیاست‌های کمیته داوران یا عوامل دیگر باشد. اما اگر بررسی چندساله نشان دهد که داوران با تجربه و حتی مستعد، بدون مسیر روشن ارتقاء در سطوح پایین باقی می‌مانند، آن زمان باید پرسید:

مشکل از خود داور است یا از سیستمی که مسیر رشد او را طراحی کرده است؟ این همان مرزی است که باید بین یک تصمیم موردی و یک مشکل ساختاری تفاوت قائل شد.

سیستم خوب، وابسته به افراد نیست.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های یک سیستم حرفه‌ای این است که با تغییر افراد، کیفیت آن نباید دچار نوسان شدید شود. اگر یک مدیر، یک مدرس، یک مسئول یا یک ناظر تغییر کرد، نباید مسیر رشد یک داور نیز به‌طور اساسی تغییر کند.

سیستم باید قوی‌تر از افراد باشد.

یعنی معیارهای استعدادیابی مشخص باشد، معیارهای ارزیابی روشن باشد، مسیر ارتقاء تعریف شده باشد و عملکرد افراد نیز قابل سنجش باشد. در چنین شرایطی، حتی اگر افراد تغییر کنند، فرایند توسعه داوری ادامه پیدا خواهد کرد. امروز باید «سیستم داوری» را داوری کنیم.

شاید زمان آن رسیده باشد که به جای اینکه همیشه داور را در جایگاه متهم قرار دهیم، یک بار خود سیستم را در جایگاه ارزیابی قرار دهیم. آیا آموزش ما به‌روز است؟ آیا استعدادیابی ما علمی است؟ آیا ارزیابی‌ها استاندارد و قابل اندازه‌گیری است؟ آیا بازخورد واقعی به داور داده می‌شود؟ آیا مسیر ارتقاء برای داور شفاف است؟ آیا موفقیت آموزش را با تعداد کلاس‌ها می‌سنجیم یا با تعداد داوران با کیفیتی که تربیت کرده‌ایم؟ و شاید مهم‌تر از همه:

آیا ما برای آینده داوری ایران برنامه داریم یا فقط برای مسابقه بعدی داور تعیین می‌کنیم؟

این پرسش‌ها، حمله به هیچ فرد یا نهادی نیست. اتفاقاً دفاع از آینده داوری ایران است. زیرا داوران سرمایه فوتبال هستند و اگر در عملکرد یک داور مشکل وجود دارد، باید ابتدا ببینیم سیستمی که این داور را تربیت، ارزیابی و به میدان فرستاده است، چه مسئولیتی در قبال آن دارد.

سخن پایانی

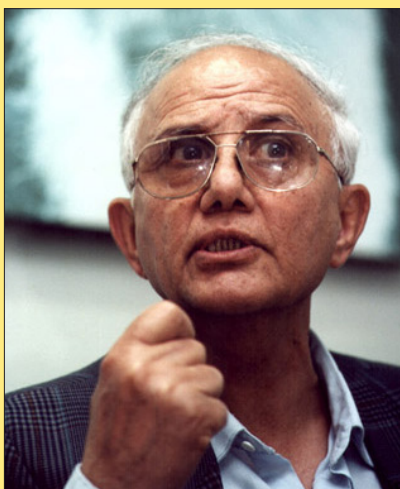
بایستی به این اصل اعتقاد داشت که داوری ایران همچنان استعداد، تجربه و ظرفیت انسانی ارزشمندی دارد.

بنابراین، راهحل را نباید صرفاً در تعویض چند داور یا افزایش تعداد کلاس‌ها جستجو نمود. آنچه نیاز داریم، بازنگری در زنجیره کامل توسعه داوری است؛ از استعدادیابی و آموزش گرفته تا ارزیابی، نظارت، آمادگی جسمانی، روان‌شناسی، فناوری و مسیر ارتقاء. زیرا اگر سیستم درست طراحی شود، داور خوب تولید می‌کند. اما اگر سیستم اشکال داشته باشد، حتی بهترین استعدادها نیز ممکن است در میانه راه از بین بروند. و شاید امروز مهم‌ترین پرسش داوری فوتبال ایران همین باشد: قبل از اینکه بپرسیم چرا داوران ما بهتر قضاوت نمی‌کنند؟ باید بپرسیم آیا ما سیستم لازم برای بهتر شدن آنها را فراهم کرده‌ایم؟

شاید مشکل داوری ایران فقط داور نباشد، شاید لازم است یک بار، خود سیستم را هم داوری کنیم.



مروری بر «نام‌ها» که سبب ساز تاریخ ژیمناستیک شدند



فرامرز سنگینی

به قول بزرگی در سپهر ورزش مفرح، پایه، مادر، بنیان ساز و پر مدال ژیمناستیک نام‌هایی حضور داشته و دارند که چه خواهند و چه نخواهند، تاریخی را با این ورزش، رقم زده اند.

بدون مقدمه:

کجا و چگونه می شود از نقش برجسته، شفاف و پررنگ نام‌هایی بزرگ همچون نصرت الله حاج عظیمی، محمد تقی وصالی، عبدالله رسولی، سید عبدالکریم سادات رضاعی و ... نگفت و نوشت.

مگر می شود نام بلند غضنفر جباری را بر زبان نیاورد و از کوشش‌ها و دلسوزی‌های عبدالحسین ملک در شهر پر از تاریخ گریان یاد نکرد.

از برادران بهرام، بهمن، حسین (بیژن) افشار زاده، ناصر منصف، اصغر نکوگل، علی نکویی و ... در ژیمناستیک استان اصفهان، از حسین اعظمی، عباسعلی (نادر) توانا، ناصر گلچین، رحیم حسن نائینی، علی اکبر گنجور، محمد فیلی، مجید نائینی، فریدون کوچکی، حمید قربانی، اسماعیل رسا، علی اکرمی و ... در ژیمناستیک استان فارس، از محمد تقی خسروی در کنار محسن خسروی، غلامرضا همتی و ... در ژیمناستیک استان کرمانشاه، از ناصر پایه گذار، محمد رضا شکول و ... در رنسانس ژیمناستیک استان آذربایجان شرقی، از علی خسروی، حامد اخوان، علی عرفانیان و ... در استان گلستان، از فرخ سقراطی، محمد رضا آقایی، حسین علیزاده، کیانوش سقراطی و ... در استان گیلان، از محمد شریف یوری، فریبرز یخچالی و ... در استان کردستان، از مجید قبایی در کنار برادران عبدالرحیم و عبدالجلیل نیسی، عبدالکاکم سیاحی، حمید عزیز، ایرج رشدی، ناصر هلاوی، ایوب خضری، رحمان (رحمت الله علی) گلزار، عبدالامیر ادریس خلف، شاهرخ نور و ... در استان خوزستان، از جمشید اصغری، جمشید آلام و ... در استان اردبیل، از غلامرضا شیخ، محمود اصلی، عبدالواحدریگی، ابراهیم معقول و ... در استان سیستان و بلوچستان، از علی یزدانه، علی کاویانی، حسین معماریان، مسعود حافظی، سید حسین احمدی زاده، احمد ابری، حسین قریشی، سید علی حسینی، هادی قاسم پور و ... در استان

اعظمی در شهر شیراز و محمد تقی خسروی در شهر کرمانشاه به جای گرفتن خانه برای خودشان، درخواست شان از مسوولان وقت ورزش کشور، خانه ای برای ژیمناستیک استان شان بود.

در ادامه ... مگر می شود از کنار نام احمد محتشمی و تیم مدیریتی اش به سادگی گذشت و چیزی نگفت و نوشت که در زمانه ایشان، زیر شاخه‌ها و رشته‌های تحت پوشش، چه راه و مسیر روشنی را در ژیمناستیک کشور پیمودند.

آیا شدنی است علیرغم تمام حواشی به وجود آمده (چه وارد باشد و چه وارد نباشد) در سالهای ریاست خانم اینچه درگاهی بر فدراسیون ژیمناستیک، زحمات، عملکرد فنی و موفقیت‌های وی و تیم مدیریتی اش را رد، نفی و نادیده گرفت و از آن نگفت.

بلاشک و بدون تردید، در همین ایام هم، ژیمناستیک، دستش پر است از زنان و مردان و دختران و پسران و جوانان پر شور و تلاشگری که خودشان را وقف این ورزش می کنند، حتی پویاتر و پر قدرت تر از گذشته.

بنابراین، چنانچه ژیمناستیک در طول عمر رسمی و غیر رسمی خود، توفیقاتی را صاحب شده، تحقیقا همه اهل این خانواده محترم در آن بهروزی‌ها سهیم بوده‌اند و اگر غیر از این می‌اندیشند و در طول چند دهه فعالیت ژیمناست‌ها، خسران و زیانی، عاید این ورزش شده، باز هم همین فعالین، در آن نامایمات مقصرد و سهم دارند و این بار مسوولیت، بر دوش همه اهل این خانواده، سنگینی می‌کند.

خراسان رضوی، از برادران محمودی، محمد سبحانی، یدالله جمشیدی، حسین ثقفی، امید حق شناس، بیژن جوانبخت، خدای، حمید رضا هاشمی، حسن یوری و ... در استان مازندران، از سید احمد شیوایی، برادران گرامی، حمید احمدی، کامران داودی، محسن جواهری، سعید خائری، برادران ثقفی، مجید اسکویی، محمد رضا خیرخواه و ... در استان قزوین، از کمال تشکر، ناصر ملی، حیدر علی کاظمی، ابراهیمی، اسماعیل ادهمی و ... در استان البرز نگفت و نوشت.

تاریخ شفاهی ژیمناستیک ایران زمین، هنوز زنده است. این تاریخ شفاهی، باید بگوید و بنویسد تا نقش مثبت، برجسته و تاثیر گذار ایشان فراموش نشود. از نقش پررنگ حسن لطیفی، حسن (امیر) معتقد الحق و ... در ژیمناستیک پر از استعداد آموزش و پرورش کشور، نمی شود غافل بود. در کنار استاد فقید غضنفر جباری مگر می شود از احمد عسگری نیک، غلامعلی خرمی، ابراهیم چیتگر، حمید به آیین، فرامرز شفیع، بهروز برجسته، روح الله وین، علی نصیری، محمد آذری، عباس بیداریان، برادران حسین، حسن و ناصر محمد قلی، فریبرز مفید، برادران محمد و علی توکلی، ناصر تأمین، امیر ملک زاده، علی فتحی، برادران اسماعیل و جواد خرسند، منصور راضی نژاد، جعفر درویش زاده، برادران محمود و حمید جدیری و ... نام نبرد.

سزاوار است که امروزان در ژیمناستیک، این نامها را به خاطر بسپارند و تاریخ ژیمناستیک را بدانند. آگاه باشند که در مقطعی از تاریخ، شادروانان حسین



لاجرم اگر می‌خواهید چشمانتان را بر روی واقعیت‌های تاریخی ببندید و در به در به دنبال یک مقصر بگردید، نیازی نیست راه دور بروید، نگارنده این سطور و نوشته تمام تقصیرها را به گردن می‌گیرد تا توفیق و پیروزی‌های این خانواده محترم، در فضای غیردوستانه و خدای ناکرده دشمنانه، خدشه دار نشود. ... و اما، مهم و مهمتر از همه این قیل و قال‌ها؛ زمان، زمانه درخشش شیر فرزندان ژیمناستیک ما در آوردگاه بازیهای آسیایی ناگوبا - ۲۰۲۶ در ژاپن است و شایسته است همه تمرکز خانواده محترم ژیمناستیک به این میدان و رویداد عظیم بوده و دعای خیرشان بدرقه راه ایشان باشد.

با پول بیت المال چه می کنید؟

از ایثار سرمربی، تاسندسازی آقایان در ترکیه!



احمد میرزاییان

آنچنانی در مناسبت ها دارند. این اتفاقات، جفای دیگری است که آقایان به کشور روا می دارند! تکرار این وقایع تلخ و گزنده، نشان از سومدیریت در فوتبال دارد.

در جلسه ای که نمایندگان مردم و مجلس هم حضور داشتند، به صراحت گفتیم، افرادی که در مقطع انتخابات و در ادامه راه از این افراد حمایت کردند و آنها که سکوت اختیار کرده و با مصلحت اندیشی از مقابله و برخورد نظارتی و مراقبتی با این طیف اجتناب کردند، باید پاسخگو باشند.

این سطور شاید، با واکنش برخی افراد ذی مدخل یا طیف همراه با فدراسیون مواجه شود یا به شال قباي برخی برخورد و اسباب دلخوری آنها را فراهم کرده باشد.

برای آنها که با فکر، مرام و مسلک صاحب این قلم آشنا هستند، به وضوح می دانند، این رنج نامه ها را از سر دلسوزی قلمی می کنم. هیچ وابستگی به این و آن ندارم اما صریحا از نهادهای نظارتی تمنا می کنم که با شجاعت و عزم جدی با سومدیریت ها برخورد کنید.

این مطالبه مردم کوچه و خیابان است که در میدان فریاد می زنند. لطفا به این فریاد ها گوش جان بسپارید. ریخت و پاش و حاتم بخشی برخی و عدم برخورد و مبارزه با خاطیان و نبود نظارت بر عملکردها از جمله مواردی است که باعث آزرده گی خاطر مردم می شود.

صورت حساب هتل براساس قیمت های واقعی هریک از اتاق ها با مدت اقامت تیمها، با آنچه که پرداخت شده است، اختلافی وحشتناک دارد!

در قضایای انتخاب ویلموتس در تیم ملی و افتضاحی که در خسارت وارده به بیت المال صورت گرفت، علیرغم ورود نمایندگان مجلس و برخی نهادهای نظارتی، هیچ اقدام بازدارنده ای را شاهد نبودیم. همه وعده ها تو خالی از آب در آمد و تخلفات صورت گرفته نادیده گرفته شد!

اخیرا در برگزاری دیدارهای سه جانبه، که اساسا دست های پشت پرده در آن دخالت داشت، بجای تیم چادرملو - و به ناحق - تیم گل گهر به عنوان نماینده ایران در آسیا معرفی شد! موضوع اخیری که در هزینه کرد عجیب تیمهای جوانان و امید در ترکیه روی داد، بار دیگر بر عدم صلاحیت این افراد صحه گذاشت.

وقتی اوضاع اجتماعی و معیشت مردم را می بینیم که چگونه روزگار را به سختی سپری می کنند، اما مسئولان فوتبالش چگونه پول پاشی کرده و با بی تفاوتی به امور جاری می نگرند، افسوس می خوریم و حسرت می خوریم! یکی که ادعای تعهد دارد، ۱۴۰ میلیارد تومان برای کار نکرده می گیرد و تازه منت بر سر مردم می گذارد، که این پول را به صورت ریال گرفته و ایثار کرده است! تفاوت دلار و ریال در بازار!!

در مدیریت ارشد فوتبال هم همگی ادعای تعهد، تدین و تقید به انقلاب و برپایی جلسات

مدیریت اجرایی کشور و ورود افراد در این حوزه، نیازمند تخصص، کارآمدی و تعهد و دلسوزی است. به ویژه آنکه کشور عزیزمان تحت شدیدترین تحریم های ظالمانه قرار دارد. لذا در پیشبرد امور محوله باید به شدت مراقب هزینه کردها باشیم و با نظارت دقیق در برنامه های جاری اجازه اسراف، پول پاشی و احتمالا سند سازی به برخی افراد ندهیم.

در این زمینه اگر مدیرانی داعیه انقلابی گری دارند و با ادعای تعهد و تدین و... وارد عرصه مدیریت می شوند، توقع می رود اجازه حاتم بخشی و پول پاشی به برخی افراد نداده و در حفظ حقوق بیت المال با رعایت غبطه عمل کنند.

متأسفانه در اعزام تیمهای فوتبال جوانان و امید ایران در سه مرحله به آنکارا و آنتالیا هزینه هایی گزاف و خارج از عرف به بیت المال تحمیل شد. برخی افراد با استعلام از هتل های مورد نظر در مدت اقامت تیم های مذکور (اتاق های دبل و سینگل) به یک جمع کلی رسیده و آن را با هزینه های پرداخت شده از سوی فدراسیون مطابقت دادند!



شبی برای پاسداشت از یک چهره ماندگار فوتبال ایران

مجید جلالی، مکتبی جدید را به فوتبال ایران هدیه کرد

شبی برای آقا معلم فوتبال ایران



با فاصله بسیار و بدون هیچ شک و شبهه ای باید گفت که در بین تمامی مربیان گذشته و حال فوتبال ایران کمتر کسی را یاری برابری با مجید جلالی است و این یک ادعا نیست، بلکه واقعیتی است که جامعه فوتبال بر روی آن صحنه گذاشته است. در مراسم بزرگداشت مجید جلالی مربی اخلاق مدار فوتبال ایران که در تالار همایش‌های اندیشه تهران برگزار شد خیلی‌ها آمده بودند، تا بر این ادعای اهالی فوتبال صحنه گذاشته و بگویند که مجید جلالی اگرچه در حال حاضر هیچ مسئولیتی در فوتبال ایران ندارد، اما فوتبال ایران به او بدهکار است! مهدی محمدنبی، کاظم اولیایی، مصطفی آجورلو، امیر قلعه نویی، محمد مومنی، وحید امیری، سید هادی طباطبایی، مجید خاتونی و خیلی‌های دیگر در مراسم پاسداشت مجید جلالی آمدند و بر گونه‌های او بوسه زده و به مراسمی که برای او برگزار می‌شد اعتبار بخشیدند. آقا معلم دیروز دبیرستان ابوریحان منطقه ۱۴ آموزش و پرورش و مربی بزرگ امروز فوتبال، حالا برای فوتبال ایران مکتب جدیدی به نام مکتب جلالی را به ارمغان آورده است، که بابت آن باید از او سپاسگزار بود. مجید جلالی را اهالی فوتبال نه بخاطر بحث فنی، بلکه به خاطر انسانیت، صداقت، سلامت کاری، تواضع و فروتنی، و خیلی از امتیازات دیگر است که دوست دارند.



مردی که در مراسمی که خیلی‌ها به افتخارش ایستاده به تشویقش پرداختند، وقتی که بر روی استیج آمد تا برای میهمانانش صحبت کند، آنقدر فروتنانه شروع کرد که خیلی‌ها غافلگیر شدند. آنجا که گفت آنهايي که به او اعتماد کرده‌اند را بیشتر از آنهايي که مجید جلالی را دوست دارند را دوست دارد.

مجید در مراسمی که به خاطر او با شکوه هر چه تمام تر برگزار می‌شد، خضاعانه همسر، فرزندان، داماد و عروسش را نیز شایسته آن تقدیر دانست. همان کسانی که او را در تمامی این سال‌ها همراهی کرده بودند. مجید جلالی همچنین به رسم ادب و قدرشناسی اسم‌هایی را بر زبان آورد که برای خیلی‌ها یک

نوستالژی به حساب می‌آمد که این نشان از بزرگی آقا معلم فوتبال ایران داشت. مربی صبور و نجیبی که می‌تواند الگویی تمام عیار برای همه مربیان فوتبال ایران باشد. یک مربی که در تمام طول دوران مربیگری اش برای بردن به هر وسیله‌ای متوسل نشد. رفتار و ارتباطاتش تعریف شده است. با هر کسی نشست و برخاست نمی‌کند. برای خودش حریم قائل است و بهترین صفتی هم که می‌توان برای او تعریف کرد این است. آقا معلم تمام دوران فوتبال.

نوستالژی به حساب می‌آمد که این نشان از بزرگی آقا معلم فوتبال ایران داشت. مربی صبور و نجیبی که می‌تواند الگویی تمام عیار برای همه مربیان فوتبال ایران باشد. یک مربی که در تمام طول دوران مربیگری اش برای بردن به هر وسیله‌ای





پنج حلقه المپیک و یک حلقه مفقوده در ورزش ایران

حسین جان

پنج حلقه المپیک را همه می‌شناسیم؛ پنج حلقه درهم تنیده که نماد ورزش، رقابت، همبستگی و حضور ملت‌ها در کنار یکدیگر است. اما برای ورزش ایران شاید بتوان از یک حلقه دیگر هم سخن گفت؛ حلقه‌ای که روی پرچم المپیک نیست، اما نبودش گاهی بیش از هر چیز دیگری به چشم می‌آید:

حلقه شفافیت؛ حلقه روح پاک.

شفافیت یعنی اینکه مردم بدانند در ورزش کشور چه می‌گذرد؛ چه تصمیمی گرفته می‌شود، چه کسانی اعزام می‌شوند، با چه مأموریتی و با چه هزینه‌ای!

اینجاست که درباره برخی اعزام‌های ورزشی، پرسش‌هایی جدی مطرح می‌شود؛ از جمله درباره تعداد نفرات اعزامی به ریاض، ترکیب همراهان و هزینه‌هایی که برای این سفرها انجام شده است. در جامعه ورزش، حرف و حدیث‌هایی درباره برخی تخلفات نیز مطرح است؛ موضوعاتی که اگر نادرست است، باید با ارائه اسناد و اطلاعات روشن تکذیب شود و اگر واقعیتی پشت آن وجود دارد، باید بررسی و پاسخ داده شود. اما مسئله فقط تعداد نفرات نیست. گاهی این تصور در جامعه ورزش شکل می‌گیرد که برخی آقایان، هنگام سفرهای خارجی، برای هتل‌های لوکس‌تر، خودروهای در اختیار و امکانات ویژه از یکدیگر سبقت می‌گیرند؛ امکاناتی که اگر قرار است منابع ورزش صرف آن شود، انتظار طبیعی آن است که نخست در اختیار ورزشکاران و مربیان و تیم‌های اعزامی قرار گیرد، نه اینکه سهم مدیران از رفاه و امکانات، از سهم کسانی که برای افتخار کشور به میدان می‌روند بیشتر باشد.

واقعاً متأسفیم؛ متأسفیم که گاهی در ورزش ما مسیر امکانات به جای آنکه از مدیر به ورزشکار برسد، برعکس طی می‌شود.

ورزشکار برای چند دقیقه حضور در میدان مسابقه، ماه‌ها و سال‌ها تمرین می‌کند، اما گاهی مدیری که برای همراهی او اعزام شده، از امکاناتی برخوردار می‌شود که همان ورزشکار حتی در خواب هم نمی‌بیند و این همان نقطه‌ای است که باید درباره فرهنگ مدیریت در ورزش سؤال کرد.

آیا شأن مدیر ورزشی، داشتن بهترین هتل و خودروست یا فراهم کردن بهترین شرایط برای ورزشکار؟

آیا مأموریت ورزشی قرار است فرصتی برای ارتقای عملکرد کاروان باشد یا تبدیل به سفری با امکانات ویژه برای برخی از مسئولان شود؟ و باز هم همان یک واژه: شفافیت

اگر همه این هزینه‌ها ضروری و در چارچوب مأموریت است، اعلام شود؛ مردم هم خواهند فهمید. نمونه دیگر، نوع نگاه به پاداش‌هاست. وقتی برای حضور ورزشکاران در یک رویداد یا فستیوال ورزشی، از سوی مقام عالی وزارت ورزش، برای مدال‌های طلا، نقره و برنز جوایز چندصد میلیون تومانی تعیین می‌شود، این پرسش جدی مطرح می‌گردد که مبنای چنین پاداش‌هایی چیست و آیا میان اهمیت واقعی رویداد و میزان جایزه تناسبی وجود دارد؟ به‌ویژه درباره رویدادهایی مانند مسابقات قرقیزستان که اگر صرفاً در قالب یک فستیوال یا رویداد شناسایی و آشنایی با بازیها و رشته‌های مرسوم در کشورهای مختلف برگزار شده و مدال‌های آن در رنکینگ رسمی محاسبه نمی‌شود، باید پرسید: آیا منطقی است برای چنین مدال‌هایی، جوایزی در مقیاس چند صد میلیون تومانی از منابع عمومی تعیین شود؟ این سؤال به هیچ عنوان ارزش تلاش ورزشکار را زیر سؤال نمی‌برد. ورزشکار هر جا که برای پرچم ایران رقابت می‌کند، شایسته احترام و حمایت است. بحث بر سر اولویت‌بندی منابع است. وقتی برای اردو، تجهیزات، حقوق مربی، اعزام‌های ضروری و حمایت از استعدادهای جوان محدودیت منابع داریم، باید بدانیم چرا برای یک مدال بدون اثر در رنکینگ رسمی، چنین پاداش‌هایی در نظر گرفته می‌شود؛ در حالی که ممکن است ورزشکار دیگری برای تأمین حداقل امکانات تمرینی خود مشکل داشته باشد. پول ورزش باید اول به ورزش برسد. این یک مطالبه ساده است، نه یک شعار. در شرایطی که کشور با فشار اقتصادی روبه‌روست، مسئول ورزشی باید بیش از همه مراقب باشد که بیت‌المال چگونه هزینه می‌شود. سفر خارجی، هتل، خودرو، مأموریت و پاداش، همه زمانی قابل دفاع‌اند که ضرورت، تناسب و سازوکار روشنی پشت آنها وجود داشته باشد و باز برمی‌گردیم به همان حلقه مفقوده: شفافیت.

اگر مدیری یک ماه زودتر به محل بازیها اعزام می‌شود، شرح مأموریتش منتشر شود. اگر هتل خاصی انتخاب می‌شود، دلیل و هزینه آن مشخص باشد. اگر خودرو در اختیار کسی قرار می‌گیرد، معلوم باشد برای چه مأموریتی است. اگر پاداش چند صد میلیونی تعیین می‌شود، معیار و منطق آن اعلام شود. این‌ها خواسته‌های عجیب و غیرممکنی نیستند.

امروز دیگر دهه ۶۰ نیست. ارتباطات از طریق ایمیل، ویدئو کنفرانس و ده‌ها ابزار دیگر امکان‌پذیر است. حضور فیزیکی در محل مسابقات هر جا ضرورت داشته باشد، کاملاً قابل دفاع است؛ اما ضرورت باید قابل توضیح باشد، نه قابل حدس.

ناگویا هم شهری زیباست و طبیعتاً فرصت خرید، عکس

یادگاری و گردش در آن وجود دارد؛ هیچ‌کس با تفریح شخصی مخالف نیست. اما اگر تفریحی قرار است انجام شود، هزینه‌اش باید شخصی باشد، نه از جیب بیت‌المال.

پنج حلقه المپیک نماد اتحاد و رقابت پاک هستند؛ اما ورزش ایران یک حلقه مفقوده دارد: حلقه شفافیت. شفافیتی که می‌تواند اعتماد از دست‌رفته را برگرداند.

ورزشکار ایرانی برای مدال، از آسایش و زندگی خود می‌گذرد. مربی او ساعت‌ها کنار اوست. خانواده‌اش هزینه می‌دهد. مردم هم از منابع عمومی برای ورزش هزینه می‌کنند.

پس طبیعی است که مردم بپرسند:

سهم ورزشکار از این امکانات چقدر است و سهم مدیر چقدر؟ چه کسی در هتل لوکس اقامت دارد و چه کسی در گریز کمبود امکانات تمرینی است؟

چرا گاهی برای مدیر، خودرو و امکانات ویژه فراهم می‌شود اما برای ورزشکار و مربی، هنوز باید دنبال حداقل‌ها بود؟ و در نهایت، شاید حلقه مفقوده ورزش ایران فقط شفافیت نباشد؛ انصاف هم هست.

انصاف یعنی امکانات بهتر برای کسی که بیشتر برای ایران زحمت می‌کشد.

انصاف یعنی پاداش متناسب با اهمیت و اثر واقعی یک رویداد. انصاف یعنی مسئول، خود را صاحب بیت‌المال نداند.

وطن پرستی فقط هنگام نواخته شدن سرود ملی نیست. گاهی وطن پرستی یعنی وقتی می‌توانی بهترین هتل را انتخاب کنی، از خودت بپرسی آیا این هزینه ضروری است؟

وقتی می‌توانی خودروی اختصاصی داشته باشی، بپرسی آیا ورزشکار من به این امکان نیاز بیشتری ندارد؟ و وقتی می‌توانی برای یک مدال پول زیادی تعیین کنی، از خودتان بپرسید آیا جای دیگری در ورزش، این پول نیاز ضروری‌تری ندارد؟ این همان روح پاک ورزش است. روح پاک یعنی مسئولیت بدون منفعت‌طلبی، قدرت بدون سوءاستفاده و مدیریت بدون پنهان‌کاری.

پنج حلقه را همه می‌بینیم.

اما ورزش ایران هنوز چشم‌انتظار حلقه‌ای است که باید خودش آن را بسازد: حلقه شفافیت، پاکدستی، انصاف و وطن پرستی.

و شاید وقت آن رسیده باشد که مسئولان ورزش، به جای ترس از سؤال، خودشان پیش‌قدم شوند و همه چیز را روشن کنند. چون مردم فقط مدال نمی‌خواهند؛ می‌خواهند بدانند پشت آن مدال، چه میزان صداقت وجود دارد و این شاید مهم‌تر از هر مدالی باشد.

آقای وزیر؛ شفافیت و شایسته سالاری، مطالبه امروز ورزش ایران است

توجه جدی است. این سؤال همچنان باقی است که آن توصیه‌ها و مطالبات به کجا رسید و چه اقدامی برای اصلاح وضعیت انجام شد؟

امروز این نگرانی وجود دارد که عده‌ای بیش از آنکه دغدغه برنامه‌ریزی، توسعه ورزش و حل مشکلات ورزشکاران را داشته باشند، به دنبال سفرها و اعزام‌ها هستند؛ آن هم در شرایطی که نتایج برخی از این اعزام‌ها با هزینه‌های انجام‌شده همخوانی ندارد. در شرایط سخت اقتصادی و جنگ اقتصادی، هزینه کرد بیت‌المال باید با حساسیت بیشتری انجام شود. صرف منابع عمومی برای سفرها و اعزام‌هایی که خروجی و نتیجه قابل دفاعی ندارند، نیازمند پاسخگویی است. بیت‌المال متعلق به مردم است و هر ریالی که هزینه می‌شود باید دارای برنامه، ضرورت و دستاورد مشخص باشد. از سوی دیگر، عملکرد برخی مدیران نیز پرسش‌هایی را در میان اهالی ورزش ایجاد کرده است؛ مدیرانی که سابقه مدیریتی ضعیف یا حاشیه‌های مدیریتی داشته‌اند و آثار تصمیمات گذشته آنان هنوز در بدنه ورزش احساس می‌شود. با این حال، همچنان شاهد حضور و حمایت از برخی چهره‌ها هستیم؛ موضوعی که برای جامعه ورزش قابل تأمل است.

آقای وزیر، ورزش ایران امروز بیش از هر چیز به آرامش، تخصص، برنامه، پاک‌دستی و شایسته‌سالاری نیاز دارد. جامعه ورزش انتظار دارد ملاک انتصاب، توانایی، تخصص، تجربه و کارنامه باشد؛ نه تعلقات جغرافیایی، روابط شخصی یا ملاحظات انتخاباتی.

اگر مدیری کارنامه موفق دارد، باید حفظ و تقویت شود و اگر مدیری عملکرد قابل دفاعی ندارد، صرفاً به دلیل ارتباطات و حمایت‌ها نباید همچنان در جایگاه تصمیم‌گیری باقی بماند. کشور امروز بیش از هر زمان دیگری به مدیرانی نیاز دارد که پاسخگوی عملکرد خود باشند.

طرح استیضاح اگرچه یک فرآیند قانونی در مجلس است، اما مهم‌تر از آن، صدای بدنه ورزش است؛ صدایی که سال‌ها در این عرصه خدمت کرده و انتظار دارد مدیران نیز در برابر مردم و تاریخ ورزش پاسخگو باشند. ورزش ایران سرمایه ملی است؛ نه ملک شخصی افراد و نه سکوی پرتاب برای رسیدن به صندلی‌های مدیریتی. آقای وزیر؛ هنوز فرصت اصلاح وجود دارد، اما این فرصت نباید از دست برود. بازگشت به شایسته‌سالاری، احترام به نیروهای باسابقه و متخصص، توجه واقعی به ورزش همگانی، اصلاح مدیریت در برخی استان‌ها، کنترل هزینه‌های غیرضروری و ایجاد انتخاباتی شفاف و سالم در ساختار ورزش کشور، مطالبه امروز جامعه ورزش ایران است.

امروز از شما انتظار می‌رود صدای منتقدان دلسوز را بشنوید؛ چراکه نقد منصفانه دشمنی نیست. گاهی یک تذکر صادقانه می‌تواند جلوی یک تصمیم اشتباه و هزینه‌های سنگین برای ورزش کشور را بگیرد. آقای وزیر؛ فرصت اصلاح هنوز باقی است. اجازه ندهید ورزش ایران بیش از این هزینه تصمیمات مدیریتی، روابط و ملاحظات انتخاباتی را بپردازد.

با مطرح شدن طرح استیضاح وزیر ورزش و جوانان در مجلس، فرصت مناسبی است تا فارغ از هرگونه نگاه سیاسی، عملکرد مدیریتی وزارت ورزش و مطالبات بدنه ورزش مورد توجه قرار گیرد.

آقای دنیامالی، عرض مردم و دلسوزان ورزش، به شما این است که وزارت ورزش باید خانه شایسته‌سالاری باشد، نه محل ترجیح روابط، رفاقت‌ها و همشهری‌گری بر تخصص و تجربه.

جامعه ورزش انتظار دارد نیروهای باسابقه، متخصص، پاک‌دست و کاربلد صرفاً به دلیل تغییرات مدیریتی کنار گذاشته نشوند و در مقابل، انتصاب افراد بر اساس توانایی، سابقه و کارنامه واقعی آنان انجام شود.

یکی از موضوعاتی که نیازمند شفاف‌سازی جدی است، استفاده از کارکنان بازنشسته دستگاه‌های غیرورزشی در

پست‌ها و مسئولیت‌های مهم مجموعه ورزش است؛ افرادی که پس از بازنشستگی از دستگاه اصلی خود، با دریافت مجوزهای لازم به فعالیت در ساختار ورزش کشور ادامه می‌دهند.

سؤال روشن جامعه ورزش این است: چه منطقی وجود دارد که در وزارت ورزش، با وجود نیروهای جوان‌تر، متخصص،

باسابقه و آشنا با مسائل ورزش، برای ادامه فعالیت بازنشستگان دستگاه‌های

غیرورزشی در مسئولیت‌های مهم مجوز گرفته شود؟ اگر چنین

انتصاب‌هایی ضرورت و توجیه قانونی و مدیریتی دارد، انتظار می‌رود

سوابق، تخصص، ضرورت حضور و مبنای صدور مجوز آنها برای افکار

عمومی و بدنه ورزش شفاف شود.

یکی از نگرانی‌های جدی که در فضای ورزش مطرح است، شائبه اثرگذاری

و مهندسی انتخابات برخی فدراسیون‌ها

با هدف تأثیرگذاری بر انتخابات آینده کمیته ملی المپیک است. طبیعی است که چنین موضوعی باید

با شفافیت بررسی شود؛ به خصوص وقتی برخی عوامل داخلی کمیته ملی المپیک که خود سودای ریاست

دارند، ممکن است در فرآیندهای انتخاباتی نقش‌آفرین باشند.

انتخابات فدراسیون‌ها و کمیته ملی المپیک باید محل انتخاب آزادانه و مستقل جامعه ورزش باشد، نه عرصه‌ای برای طراحی آرایش انتخاباتی از پیش تعیین‌شده. اگر چنین شائبه‌ای وجود دارد، بهترین راه، شفاف‌سازی و نظارت دقیق است.

آقای وزیر؛ چندین بار خدمت تان نوشتیم که وضعیت ورزش در برخی از استان‌های نزدیک شما و همچنین سفارش‌ها و مطالبات بزرگان و دلسوزان در خصوص ورزش همگانی، نیازمند





به نام ورزش، به کام بعضی ها

وقتی از فضای ورزش، بهره‌برداری تبلیغاتی می‌شود!

وزیر ورزش و جوانان وعده کسب ۲۵ مدال طلا را داده است و خیلی‌های دیگر در ورزش اعتقاد دارند که اگر ورزش ما بتواند در ناگویا ۲۰ مدال طلا کسب کند، در ترسیم اهدافش موفق عمل کرده است. هر چند که در این فضا، مدیرانی هم هستند که صرفاً برای انجام کارهای تبلیغاتی خودشان استفاده می‌کنند. آنها با هیأتی همراه در اردوها حاضر می‌شوند. از لحظه پائین آمدن از ماشین شان تا لحظه خروج شان فیلم تهیه می‌کنند. در فضای مجازی آن را پخش می‌کنند و ... تا نشان داده باشند که خیلی در صحنه ورزش فعال هستند. غافل از اینکه مخاطب ورزشی بسیار باهوش است و می‌داند که این کارها برای چه دارد انجام می‌شود.

بگذریم؛ و به بازیهای آسیایی ناگویا و نتایج حاصله از آن به اندازه تعطیل کردن کل ورزش ایران اهمیت ندهیم و فشار و استرس خواسته یا ناخواسته‌ای را که بر روی ورزشکاران رشته‌های مختلف وارد آورده ایم را از آنها دور کرده و بگذاریم که آنها همانی باشند که ورزش ایران از آنها انتظار دارد.

است و اولویت اول و آخر آن مدال آوری است. واقعیتی که مسئولان ورزش کشور و کمیته ملی المپیک در انکار آن هر چه هم که تلاش کنند کسی آن را باور نخواهد کرد.

وقتی قرار می‌گذاریم که به فوتبالیست‌های خود در قبال کسب نتیجه مساوی در جام جهانی ۶۰۰ میلیون تومان پاداش بدهیم، باید در چنین فضایی با وعده و وعید برای مدال آوری در آسیا تلاش کنیم! وقتی که یک فوتبالیست برای کسب پیروزی پاداش می‌گیرد. برای بدست آوردن یک تساوی پاداش می‌خواهد و ... چرا کسی نمی‌پرسد پس وظیفه اصلی و ذاتی آنها در میادین مختلف ورزشی و مسابقاتی چیست؟ ورزشکارانی که یک عمر تلاش می‌کنند تا حاصل تلاش‌های خود را بر روی سکوی کسب مدال در میادین مختلف ببینند. برای آنها آنچه که در درجه اول اهمیت قرار دارد شان، اعتبار و برند اسم شان است که باید برای حفظ آن بکوشند و بجنگند. همانهایی که باید برایشان حرمت قائل شد و میزان تلاش شان را با مادیات و جوایز این چنینی ارزشگذاری نکرد.

این روزها فضای رسانه‌ای واقعی و مجازی ورزش ایران پر شده است از خبرهای این چنینی که از میزان جوایز میلیاردی به مدال آوران بازیهای آسیایی ناگویا خبر می‌دهند.

جایزه طلایی‌های بازیهای آسیایی ناگویا مشخص شد! وزارت ورزش و جوانان به مدال آوران طلایی بازیهای آسیایی ناگویا ۳ میلیارد تومان پاداش می‌دهد. کمیته ملی المپیک نیز به همین میزان پاداش به طلایی‌های ناگویا پرداخت خواهد کرد. فدراسیون‌های ورزشی مرتبط نیز پاداش‌هایی را برای طلایی‌های ناگویا در نظر گرفته‌اند. ادارات کل ورزش و جوانان استان‌های سراسر کشور نیز پاداش‌هایی را به طلایی‌های ناگویا در اختصاص خواهند داد. ورزشکارانی که در سن مشمولیت قرار دارند در صورت کسب مدال با استفاده از طرح سرباز قهرمان از خدمت مقدس سربازی معاف خواهند شد و جوایز پیدا و پنهان دیگری که بدون شک شامل حال طلایی‌ها ناگویا و مدال آوران آن خواهد شد و ..

خبرهایی که در عمل ثابت می‌کند، ورزش ما نتیجه‌گرا

گنه کرد در بلخ آهنگری...

بار دیگر ژیمناستیک تهران، به محاق رفت!



محمد رضا کاظمی

ژیمناستیک کشورمان باید طی روزهای آینده در بازی های آسیایی ناگویا شرکت کنند و از آن مهمتر، قرار است انتخابات فدراسیون کوتاه زمانی پس از بازی های آسیایی برگزار شود در حالی که تعداد قابل توجهی از هیات های استانی با سرپرست اداره می شوند و به میمنت و مبارکی و عزم مسئولین ذیربط، هیات تهران هم به این جمع اضافه شد! معلوم نیست انتخاباتی که احتمالا یک سوم از اعضای اصلی مجمع آن در مقام سرپرست نمی توانند رای بدهند با کدام وزن و پتانسیل رییس آینده فدراسیون را انتخاب خواهد کرد؟ البته اشکالات انتخابات و ترکیب مجمع به همین مقدار ختم نمی شود اما چون قصد نداریم در این مختصر به ابعاد آن بپردازیم لذا غرض از نوشتار حاضر را به ضایع شدن حق فردی محدود کردیم که طی دوران خدمت از هیچ کوششی جهت به سامان رساندن هیات ورزشکته فروگذار نکرد اما در نهایت مزد زحمات خود را به بهای اشتباه دیگران گرفت.

ممکن است در هیات تحت مسئولیت محسن خوش طینت هم مانند هر جای دیگر کم و کاستی هایی وجود داشت اما این کاستی ها در برابر اقدامات و تلاش های شبانه روزی وی بسیار اندک بود. کسی که هیات را با دهها میلیون بدهی تحویل گرفت و علیرغم سنگ اندازی ها و کم لطفی های بسیار با صدها میلیون موجودی تحویل خواهد داد.

برگزاری انتخابات یک نکته ریز را از نظر دور داشتند. آنها باید برای گرد شدن عدد رای دهندگان دستور تجدید انتخابات و رای گیری دوباره را همانجا و همان ساعت صادر می کردند، اما به واسطه اینکه پیروزی خوش طینت را محرز می دانستند ختم جلسه را اعلام کردند. همین امر مستمسکی شد تا کاندیداهای رقیب از نحوه انتخابات شکایت و پس از طی مراحل طولانی دادرسی عاقبت مرجع قانونی حکم به ابطال انتخابات داد.

به این ترتیب چوب بی تدبیری دیگران، بر پیکر پیروز انتخابات یعنی محسن خوش طینت نواخته شد و مسئولین فردی را که از سیستم اداره متبوعه است را به عنوان سرپرست هیات منصوب کردند! به این ترتیب بار دیگر ژیمناستیک تهران برای مدت زمان نامعلومی به محاق رفت!

فرجام تدابیر مشعشع آقایان یک پیام بیشتر ندارد و آن، اینکه، فکر نکنید هر کسی برای ورزش زحمت کشید و احتمالا یک مجموعه ورزشکته و بدهکار را سروسامان داد، قدر شناخته می شود و بر صدر می نشیند.

خوش طینت امروز تقاضا شبیهی را داد که حاصل سهل انگاری و بی دقتی دیگران بود، و بیت معروف گنه کرد در بلخ آهنگری/ به شوشتر زدند گردن مسگری، مصداق حال این مسئول است که باید تقاضا اشتباه دیگران را بپردازد. این اتفاق در حالی رخ می دهد که تیم و قهرمانان

هیات ژیمناستیک استان تهران پس از چهار سال بلا تکلیفی و آمدن و رفتن سرپرستان متعدد، نهایتا در نیمه سال ۱۴۰۲ صاحب رییس شد.

آقایان مسئولین ورزش، استحضار داشته باشید تهران پایتخت بیش از چهار سال رییس هیات نداشت. چون اراده بر این بود، که قطب اصلی ژیمناستیک کشور آنقدر در بلا تکلیفی سیر کند تا فرد مورد نظر بعضی ها سکان هدایت را در دست بگیرد اما چون این مهم میسر نمی شد و تهرانی ها حاضر نبودند به افراد غیر مرتبط یا سفارشی فدراسیون رای دهند لذا ۵۰ ماه طول کشید تا مسئولین وقت همان فدراسیون با من بمیرم تو بمیری و خواهش و تمنا رضایت دادند تا مجمع انتخاباتی تشکیل و نهایتا فردی به نام محسن خوش طینت از قهرمانان اسبق ژیمناستیک دارای پیشینه فعالیت در مسئولیت های فنی و اجرایی فدراسیون، سکان هدایت هیات را در دست گرفت.

جامعه ژیمناستیک تهران خوشحال بودند که بالاخره هیات مسئول پیدا کرده است غافل از اینکه متولیان



MEHR NEWS AGENCY

فدراسیون کشتی زیرِ خَم وزارت صمت را گرفت؟

معدن، تشک کشتی نیست



محمدرضا ابراهیمی

اتفاقات اخیر در خصوص ورود فدراسیون کشتی به موضوع معدن یادداشت مدیرمسئول پایگاه خبری معدن نامه را این چنین با خود به همراه داشت. ورود سرمایه به معدن اتفاق بدی نیست؛ حتی اگر این سرمایه از جایی بیاید که هیچ سابقه‌ای در معدن ندارد. معدن ایران به سرمایه، فناوری و سرمایه‌گذار تازه نیاز دارد. اگر فدراسیون کشتی هم سرمایه‌ای دارد و می‌خواهد بخشی از آن را در معدن به کار گیرد، اصل این تصمیم نه عجیب است و نه لزوماً قابل انتقاد. مسئله از جای دیگری آغاز می‌شود: آیا فدراسیون کشتی قرار است مثل هر سرمایه‌گذار دیگری وارد معدن شود یا قواعد ورود به معدن برای این فدراسیون طور دیگری خوانده شده است؟

فرق این دو، فرق سرمایه‌گذاری با «امتیاز» است.

در روزهای گذشته درباره تصمیم شورای عالی معادن برای فدراسیون کشتی مطالب مختلفی منتشر شد. بعضی آن را «واگذاری معدن» خواندند؛ تعبیری که دقیق نیست. فدراسیون کشتی نیز در بیانیه رسمی خود تأکید کرده که معدنی به آن واگذار نشده، حق مکتسبی نسبت به محدوده مشخصی ایجاد نشده و تصمیم شورای عالی معادن صرفاً به نحوه احراز صلاحیت برای ورود به فرآیند ثبت محدوده‌های اکتشافی یا شرکت در مزایده مربوط است. این توضیح را باید پذیرفت و همان را مبنای بحث قرار داد. اما درست از همین جا پرسش اصلی آغاز می‌شود. برای دیگران ۶ امتیاز مالی و ۶ امتیاز فنی؛ برای کشتی چه؟

بخشنامه جامع معدنی ویرایش ۱۴۰۳ صراحت دارد که در فرآیند صدور گواهی صلاحیت فنی و مالی در سامانه کاداستر، متقاضی باید حداقل ۶ امتیاز در بخش مالی و حداقل ۶ امتیاز در بخش فنی کسب کند. این دو حدنصاب مستقل‌اند. متقاضیان مزایده عمومی، فراخوان پهنه‌های اکتشافی و بسته‌های سرمایه‌گذاری نیز باید دارای صلاحیت فنی و مالی باشند. یعنی قاعده‌ای که وزارت صمت خود نوشته، پیام ساده‌ای دارد:

پول به تنهایی برای ورود به معدن کافی نیست.

یک شرکت ممکن است صدها میلیارد تومان دارایی داشته باشد، اما اگر حداقل توان فنی مقرر را نداشته باشد، صرف برخورداری از سرمایه نباید جای تخصص را بگیرد.

آیین‌نامه اجرایی قانون معادن نیز از این روشن‌تر سخن گفته است. ماده ۵ آن درباره اشخاص حقوقی می‌گوید در اساسنامه آنان باید موضوع فعالیت‌های معدنی درج شده باشد و در کنار آن حداقل توان فنی و مالی نیز احراز شود.

اینجاست که باید از شورای عالی معادن پرسید: فدراسیون کشتی دقیقاً کدام یک از این شرایط را احراز

کرده است؟ امتیاز مالی آن چند بوده؟ امتیاز فنی چند بوده؟ و اگر روش دیگری برای احراز صلاحیت در نظر گرفته شده، مستند صریح قانونی آن چیست؟ این سؤال، مخالفت با کشتی نیست؛ دفاع از قاعده‌ای است که برای همه نوشته شده است.

«فعالیت اقتصادی» مساوی «فعالیت معدنی» است؟ فدراسیون کشتی در دفاعیه خود به اساسنامه سال ۱۳۹۶ استناد کرده و گفته است طبق آن، مجاز به انجام فعالیت‌های اقتصادی، بازرگانی، تبلیغاتی و تولیدی برای تقویت بنیه مالی خود است. همچنین استدلال کرده که برای نهادهای عمومی غیردولتی می‌توان نحوه احراز توانایی را متناسب با وضعیت حقوقی آنها تعیین کرد و الزام فنی عملیات معدن در مراحل بعد همچنان پابرجاست.

این دفاع قابل شنیدن است، اما پرسش حقوقی را برطرف نمی‌کند.

اساسنامه عمومی فدراسیون‌های ورزشی مصوب ۱۴۰۰ نیز به همه فدراسیون‌ها اجازه فعالیت اقتصادی و تبلیغاتی داده، اما با دو قید مهم: این فعالیت باید در راستای اهداف فدراسیون و با رعایت قوانین و مقررات مربوط باشد. همین اساسنامه حتی تشکیل شرکت‌های وابسته برای فعالیت اقتصادی را پیش‌بینی کرده است.

بنابراین داشتن اجازه کلی برای فعالیت اقتصادی، با داشتن صلاحیت تخصصی برای هر فعالیت اقتصادی یکی نیست.

اگر در اساسنامه یک شرکت نوشته شده باشد «انجام فعالیت‌های اقتصادی»، آیا همین عبارت برای تأسیس بانک، شرکت بیمه، شرکت هواپیمایی یا بهره‌برداری از معدن کافی است؟ روشن است که هر کدام ضوابط تخصصی خود را دارند.

در حوزه معدن نیز آیین‌نامه از عبارت عمومی «فعالیت اقتصادی» استفاده نکرده؛ مشخصاً گفته است «موضوع فعالیت‌های معدنی» باید در اساسنامه شخص حقوقی درج شده باشد.

حتی بخشنامه جامع معدنی در برخورد با شهرداری‌ها نیز این تفکیک را حفظ کرده است: برای برخی شهرداری‌ها صدور گواهی صلاحیت هنگامی پیش‌بینی شده که فعالیت معدنی در اساسنامه آنها ذکر شده باشد؛ در غیر این صورت مسیر دیگری مانند مجوز برداشت مطرح شده است.

پس سؤال من بسیار ساده است:

چرا عبارتی که برای دیگر اشخاص حقوقی «فعالیت معدنی» خوانده می‌شود، برای فدراسیون کشتی می‌تواند با عنوان عام «فعالیت اقتصادی» پاسخ داده شود؟

اگر پاسخ حقوقی محکمی وجود دارد، وزارت صمت آن را منتشر کند. اگر چنین تفسیری یک قاعده عمومی جدید است، آن را برای همه اعلام کند.

اگر مسیر عادی باز است، چرا مسیر ویژه؟

اگر مسیر عادی باز است، چرا مسیر ویژه؟

نکته عجیب‌تر این است که فدراسیون کشتی اصولاً برای سرمایه‌گذاری اقتصادی مجبور نیست خودش

مستقیماً تبدیل به یک مجموعه معدنی شود. اساسنامه عمومی فدراسیون‌ها اجازه تأسیس شرکت‌های وابسته اقتصادی را با تصویب مجمع داده است.

فدراسیون می‌تواند یک شرکت ایجاد کند، نیروی متخصص معدن و زمین‌شناسی جذب کند، سرمایه خود را در آن شرکت قرار دهد، صلاحیت فنی و مالی بگیرد و مانند هر سرمایه‌گذار دیگری وارد کاداستر، مزایده یا پروژه معدنی شود.

همین پرسش را سهراب حسینی، کارشناس معدن، نیز در گفت‌وگویی که اخیراً منتشر شد مطرح کرده است: وقتی مسیر تأسیس شرکت و اخذ صلاحیت وجود دارد، چرا مسیر معمول طی نشده است؟

اگر فدراسیون کشتی از مسیر عمومی وارد شود، نه تنها ایرادی ندارد، بلکه باید از ورود چنین سرمایه‌ای به معدن استقبال کرد.

اما اگر برای ورود آن قاعده دیگری تعریف شود، دیگر فقط درباره سرمایه‌گذاری صحبت نمی‌کنیم؛ درباره کیفیت حکمرانی منابع معدنی صحبت می‌کنیم.

فدراسیونی که برای ورزش دنبال پول است، سرمایه معدن را از کجای آورد؟

این پرسش شاید از بحث حقوقی هم مهم‌تر باشد.

علیرضا دبیر در اسفند ۱۴۰۰ در توضیح مشکلات مالی فدراسیون گفته بود: «دو سوم وقت من برای آوردن پول می‌گذرد». او همان زمان از نیاز حداقل ۱۴۰ میلیارد تومانی کشتی سخن گفته بود.

در سال‌های بعد البته مقیاس مالی فدراسیون به شدت بزرگ‌تر شده است. عبدالمهدی نصیرزاده، نایب‌رئیس فدراسیون، در ۲۰ خرداد ۱۴۰۵ اعلام کرد در سال ۱۴۰۴ حدود ۶۶۰ میلیارد تومان اعتبار از وزارت ورزش به فدراسیون اختصاص یافته و گردش مالی فدراسیون از ۱۳۵۰ میلیارد تومان عبور کرده؛ بخش مهمی از منابع نیز از طریق اسپانسرها و ظرفیت‌های خارج از بودجه دولتی تأمین شده است. او همان‌جا هزینه‌های سنگین اعزام‌ها را نیز تشریح کرد.

این ارقام نشان می‌دهد کشتی ایران امروز مجموعه‌ای کوچک و فاقد منابع نیست. همچنین توانایی فدراسیون در جذب اسپانسر و منابع غیردولتی را نباید نادیده گرفت.

اما «گردش مالی» با سرمایه آزاد و ریسک‌پذیر برای اکتشاف معدن یکی نیست.

سؤال اصلی هنوز بی‌پاسخ است:

فدراسیون کشتی دقیقاً چه مبلغی برای معدن کنار گذاشته است؟

صد میلیارد تومان؟ یا صد میلیارد؟ بیشتر؟ کمتر؟

این پول از کجای آید؟

از درآمدهای تجاری فدراسیون؟ از اسپانسر؟ از تسهیلات؟ از شریک خصوصی؟ از منابعی که برای فعالیت ورزشی دریافت شده یا از یک شرکت مستقل؟ تا زمانی که این اعداد منتشر نشده، عبارت «توان مالی» برای ورود به معدن یک عنوان است، نه یک تصویر شفاف از سرمایه‌گذاری.

خطر اصلی: فروش معدن نیست، قابل معامله شدن

پاسخ به این سؤال‌ها مجرمانه تجاری نیست؛ بخشی از پاسخگویی درباره نحوه دسترسی به فرصت‌های معدنی کشور است.

معدن تشک کشتی نیست

من با درآمدزایی فدراسیون کشتی مخالفتی ندارم. برعکس، فدراسیونی که بتواند وابستگی خود را به بودجه عمومی کاهش دهد و از فعالیت اقتصادی سالم درآمد کسب کند، باید تشویق شود.

حتی با سرمایه‌گذاری فدراسیون در معدن هم مخالفتی ندارم.

اما یک شرط دارد:

فدراسیون باید سرمایه‌گذار باشد، نه صاحب یک مسیر متفاوت برای رسیدن به سرمایه‌گذاری.

اگر پول دارد، سرمایه بیاورد.

اگر تخصص ندارد، متخصص استخدام کند.

اگر شرکت معدنی لازم است، شرکت تأسیس کند.

اگر ۶ امتیاز فنی لازم است، مثل دیگران آن را به دست آورد.

اگر باید موضوع فعالیت معدنی در اساسنامه یا شخصیت حقوقی مربوط درج شود، همان مسیری را طی کند که دیگر متقاضیان طی می‌کنند.

افتخارات کشتی ایران فراوان است؛ هیچ‌کس نمی‌تواند جایگاه کشتی در ورزش ایران را انکار کند. اما مدل المپیک، قهرمانی جهان یا محبوبیت اجتماعی نباید واحد سنجش صلاحیت معدنی باشد.

در کشتی، هر دو ورزشکار روی یک تشک و زیر یک قانون مسابقه می‌دهند.

در معدن هم باید همین‌طور باشد.

اگر وزارت صمت برای یک متقاضی قاعده‌ای متفاوت دارد، باید آن را با صدای بلند، با ماده قانونی و با عدد و سند توضیح دهد؛ نه اینکه جامعه معدن مجبور شود از لابه‌لای یک مصوبه و یک بیانیه حدس بزند چه اتفاقی افتاده است. فدراسیون کشتی شاید بتواند زیر تخم حریف را بگیرد؛ اما در حکمرانی معدن، این قانون است که باید داور باشد.

معیار قانونی این استثنا چیست؟

نام رشته؟

تعداد مدال؟

قدرت مالی؟

خسارت وارد شده؟

جایگاه اجتماعی؟

اگر «ماهیت فرهنگی - ورزشی» ملاک است، همه فدراسیون‌ها چنین ماهیتی دارند.

اگر «جبران خسارت» ملاک بوده، باید روشن شود کدام مقرر اجازة می‌دهد جبران خسارت یک نهاد ورزشی از مسیر تسهیل دسترسی به فرصت معدنی انجام شود.

اگر «توان مالی» ملاک است، شرکت‌های خصوصی بسیاری نیز توان مالی دارند و باید قواعد برای آنان نیز به همان شکل اعمال شود.

هشت پاسخ ساده می‌تواند پرونده را روشن کند

وزارت صمت و فدراسیون کشتی با انتشار چند داده می‌توانند بخش بزرگی از این ابهام را پایان دهند:

امتیاز مالی فدراسیون کشتی دقیقاً چند است و بر اساس چه دارایی‌ها و اسنادی محاسبه شده؟

امتیاز فنی فدراسیون چند است و شیوه احراز آن چه بوده؟

مستند قانونی تفاوت روش احراز صلاحیت فدراسیون با قاعده عمومی ۶ امتیاز مالی و ۶ امتیاز فنی چیست؟

شرط «موضوع فعالیت معدنی در اساسنامه» چگونه درباره فدراسیون احراز شده است؟

سرمایه مشخص و مصوب فدراسیون برای معدن چقدر است و منبع آن چیست؟

آیا فدراسیون در این فعالیت شریک خصوصی، شرکت وابسته یا تأمین‌کننده مالی خواهد داشت؟

چه تضمینی وجود دارد که ظرفیت یا حقی که از این تصمیم حاصل می‌شود به ابزار معامله یک مزیت مقرراتی تبدیل نشود؟

آیا همین سازوکار برای سایر فدراسیون‌ها و اشخاص حقوقی مشابه نیز قابل استفاده است؟

«مزیت دسترسی» است

من هیچ سسندی ندیده‌ام که نشان دهد فدراسیون کشتی قصد فروش مجوز، واگذاری پنهانی محدود یا شراکت غیر شفاف با شخص ثالث دارد. بنابر این نسبت دادن چنین اقدامی به فدراسیون، بدون سند، نادرست و غیر منصفانه است.

اما قانون و سیاست عمومی برای روزی نوشته نمی‌شوند که همه چیز خوب پیش برود؛ باید برای ریسک‌ها هم طراحی شوند.

حقوق و مجوزهای معدنی در اقتصاد واقعی ارزش دارند. دستیابی به یک محدوده امیدبخش، پروانه اکتشاف، گواهی کشف یا پروانه بهره‌برداری می‌تواند ارزش اقتصادی ایجاد کند. به همین دلیل هم نظام صلاحیت فنی و مالی اساساً ایجاد شده تا ورود به این عرصه صرفاً به خرید و فروش موقعیت و سفته‌بازی تبدیل نشود. این نگرانی در گزارش‌های تخصصی اخیر درباره همین پرونده نیز مطرح شده است.

حالا یک فرض کاملاً نظری را در نظر بگیریم.

یک سرمایه‌گذار خصوصی پول دارد، اما به هر دلیل مسیر ورود مستقلی را طی نکرده است. فدراسیونی دارای دسترسی یا گواهی وارد مذاکره با او می‌شود؛ سرمایه را شخص ثالث می‌آورد و طرفین در منافع پروژه شریک می‌شوند.

اصل مشارکت جرم نیست. مشارکت مالی در معدن کاملاً عادی است.

مسئله از جایی آغاز می‌شود که آورده اصلی یک طرف، مزیت مقرراتی‌ای باشد که به دلیل هویت نهادی خود به دست آورده و دیگران برای رسیدن به همان نقطه مجبور به احراز شرایط بیشتری بوده‌اند.

این همان جایی است که خطر «رانت مقرراتی» ایجاد می‌شود.

تأکید می‌کنم: خطر ایجاد رانت، با اثبات رانت‌خواری یک شخص تفاوت دارد.

وظیفه سیاست‌گذار این است که قبل از وقوع هر سوءاستفاده‌ای، راه تبدیل یک استثنای اداری به دارایی قابل معامله را ببندد.

امروز کشتی؛ فردا فوتبال و والیبال چه؟

و شاید مهم‌ترین سؤال همین باشد.

اساسنامه عمومی فدراسیون‌های ورزشی فقط برای کشتی نوشته نشده است. فوتبال، والیبال، شنا، تکواندو،

وزنه‌برداری و سایر

فدراسیون‌ها نیز در

چارچوب عمومی

خود امکان فعالیت

اقتصادی دارند.

اگر استدلال

پذیرفته شده درباره

کشتی این باشد که

«فدراسیون یک نهاد

عمومی غیردولتی با اختیار فعالیت اقتصادی است و می‌توان نحوه احراز صلاحیت آن را متفاوت تعیین کرد». از فردا فدراسیون فوتبال می‌تواند همین استدلال را مطرح کند.

والیبال چه؟

شنا چه؟

تکواندو چه؟

و اگر پاسخ وزارت صمت این باشد که تصمیم مربوط به کشتی موردی و استثنایی بوده، سؤال مهم‌تری ایجاد می‌شود:



فدراسیون شمشیربازی



فدراسیون دوومیدانی جمهوری اسلامی ایران

نظارت بر عملکرد فنی فدراسیون‌های ورزشی بیشتر شود

برای اعزام را طی کرده باشد. نمی‌توان در زمان مقرر برای حضور اعلام آمادگی نکرد و پس از نهایی شدن فرایند اعزام، انتظار داشت تصمیمات و فهرست‌های قطعی شده دوباره تغییر کند. همان‌گونه که از نهادهای مسئول کاروان انتظار می‌رود جایگاه مدیریتی فدراسیون‌ها را به رسمیت بشناسند، از رؤسای فدراسیون‌ها نیز انتظار می‌رود مسئولیت خود را در قبال زمان‌بندی‌ها، ضوابط و فرایندهای اجرایی اعزام بپذیرند.

اگر قرار است پس از ناگویا عملکرد فدراسیون‌ها با دقت بیشتری ارزیابی شود، منطقی است که پیش از مسابقات نیز الزامات و اختیارات لازم برای ایفای مسئولیت در اختیار آنها قرار گیرد. پاسخ‌گویی بدون اختیار کافی با اصول ارزیابی حرفه‌ای عملکرد سازگار نیست و می‌تواند به عدم توازن میان مسئولیت و اختیار منجر شود. بنابراین پیش از آنکه نتایج ناگویا مبنای قضاوت درباره مدیران، مربیان و فدراسیون‌ها قرار گیرد، باید روشن باشد هر یک از بازیگران چه میزان اختیار، چه میزان مسئولیت و چه نقشی در فرایند آماده‌سازی و مدیریت تیم‌ها داشته‌اند.

نظارت فنی زمانی می‌تواند به ارتقای ورزش کشور کمک کند که فقط ابزاری برای ارزیابی پس از مسابقات نباشد؛ بلکه از مرحله برنامه‌ریزی و آماده‌سازی آغاز شود، شاخص‌های ارزیابی از پیش مشخص باشند، مسئولیت‌ها و اختیارات به‌روشنی تعریف شوند و در نهایت هر بخش دقیقاً متناسب با نقشی که در فرایند و نتیجه داشته‌است، پاسخ‌گو باشد. چنین رویکردی است که می‌تواند نظارت را از یک سازوکار صرفاً کنترلی به ابزاری برای یادگیری، اصلاح و ارتقای مستمر عملکرد ورزش قهرمانی تبدیل کند.

عوامل مؤثر توزیع شود و ناکامی احتمالی به یک بخش یا مدیر خاص تقلیل پیدا نکنند. در یک نظام حرفه‌ای ارزیابی عملکرد، پاسخ‌گویی باید متناسب با اختیار، مسئولیت و میزان اثرگذاری هر یک از بازیگران باشد؛ چراکه نتایج یک رویداد بزرگ ورزشی محصول مجموعه‌ای از تصمیمات، فرایندها و عملکردهای به‌هم‌پیوسته است و نمی‌توان آن را به عملکرد یک فرد یا یک واحد سازمانی فروکاست.

از سوی دیگر، بازی‌های آسیایی بیش از هر چیز میدان ورزشکاران، مربیان و فدراسیون‌هایی است که مسئولیت مستقیم آماده‌سازی و هدایت تیم‌های ملی را بر عهده دارند. با این حال، به نظر می‌رسد برخی از رؤسای فدراسیون‌های دارای ورزشکار در بازی‌های آسیایی ناگویا قرار نیست همراه تیم‌های خود در این رویداد حضور داشته باشند. آرش میراسماعیلی نیز به این مسئله اشاره کرده و برخی دیگر از رؤسای فدراسیون‌ها نیز، بدون تمایل به مطرح شدن نامشان، نگرانی مشابهی را بیان کرده‌اند.

این موضوع را نباید صرفاً به مسئله حضور یا عدم حضور چند مدیر در کاروان تقلیل داد. رئیس فدراسیون در یک رویداد بزرگ بین‌المللی می‌تواند بخشی از زنجیره مدیریت، هماهنگی و پشتیبانی تصمیمات فنی باشد؛ به‌ویژه در شرایط پیش‌بینی‌نشده، مسائل مربوط به داوری و اعتراضات، ارتباط با فدراسیون‌های بین‌المللی، مدیریت شرایط تیم و تصمیماتی که نیازمند هماهنگی سریع میان کادر فنی و مدیریت فدراسیون است.

البته این استدلال زمانی موضوعیت دارد که رئیس فدراسیون در موعد مقرر آمادگی خود را برای حضور در بازی‌ها اعلام کرده و الزامات و فرایندهای تعیین‌شده

امیدواریم

آ

نچه

این

روزها

درباره

افزایش

نظارت بر عملکرد فنی

فدراسیون‌های ورزشی پس

از بازی‌های آسیایی ناگویا مطرح

می‌شود، از سطح حرف و ادعا فراتر

برود و به یک رویکرد پایدار در مدیریت

ورزش کشور تبدیل شود. اگر قرار است

کمیت‌های فنی فدراسیون‌ها به معنای واقعی کلمه

«فنی» شوند، باید جایگاه آنها در نظام تصمیم‌گیری

تقویت شود و ارزیابی عملکرد فدراسیون‌ها نیز از

قضاوت‌های مقطعی و صرفاً نتیجه‌محور فاصله بگیرد و

بر شاخص‌های روشن، داده‌های قابل سنجش و ارزیابی

مستمر عملکرد استوار شود. تحقق چنین رویکردی

می‌تواند چشم‌انداز روشن‌تری برای ورزش قهرمانی

ایران ایجاد کند.

البته یک شرط مهم وجود دارد: طراحان و مجریان

این رویکرد باید فرصت کافی برای استقرار و تکمیل

آن داشته باشند. تغییرات مدیریتی پس از رویدادهای

بزرگ ورزشی، به‌ویژه زمانی که صرفاً تحت تأثیر نتایج

کوتاه‌مدت صورت می‌گیرد، می‌تواند استمرار سیاست‌ها

و حافظه نهادی سازمان را با اختلال مواجه کند. در

صورت محقق نشدن نتایج مورد انتظار در بازی‌های

آسیایی ناگویا نیز ضروری است مسئولیت عملکرد،

متناسب با حدود اختیار و مسئولیت، میان مجموعه



موسسه خیریه

محکمات

اگر قصد حمایت از کودکان سرطانی را دارید به سادگی از طریق
سایت از قسمت درگاه پرداخت آنلاین این کار را انجام دهید





وقت اضافه
فراتر از زمان . بسوی آگاهی

 Vaghteezafearzash

vvarzesh.ir

